



صبح صادق

سالروز ولادت حضرت معصومه (س) و روز دخترگرمی باد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۴۸ | دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱ | ۲۸ شوال ۱۴۴۳ | ۳۰ مه ۲۰۲۲ | ۱۶ صفحه

آرش فهیم
خوب، امانکافی



۱۳
فرهنگ

حسین چخماقی
داغ آبادان داغ ایران



۳
دیدگاه

دکتریدالله جوانی
آیا مکتب امام (ره) تحریف می شود؟



۲
نگاه

۱۳
فرهنگ

به مناسبت سالروز
ارتحال ملکوتی امام خمینی (ره)

فرهنگ در نگاه پیر جماران

۵
دین

منتظران امام زمان (عج)
فعال هستند

۲
نگاه

نجوای همگانی اسلام انقلابی

سلام فرمانده

۱۴
پیوست

پیوست ویژه کنگره ۴۰۰۰ شهید روحانی

رئیس جمهور:

• روحانیت، پیشقراول و پیشتاز

فرمانده کل سپاه:

• روحانیون، ستارگان هدایتگر

نماینده ولی فقیه در سپاه:

• روحانیت، ایستاده پای کار انقلاب

مدیر حوزه های علمیه:

• لباس روحانیت، مظهر فداکاری

تغییر موازنه قدرت

اکبر معصومی

کارشناس بین الملل

روز جمعه نیروی دریایی سپاه دو فروند نفتکش یونانی را به دلیل تخلفات انجام گرفته در آب‌های خلیج فارس توقیف کرد. توقیف این دو کشتی پس از آن صورت گرفته است که دولت یونان یک نفتکش روسی حامل نفت ایران را به صورت علنی دزدیده و تحویل آمریکایی‌ها داد. طبق اخبار و اطلاعات اواخر فروردین ماه امسال گارد ساحلی یونان نفتکش لانارا در جزیره انیویا توقیف کرد. در حالی یونان به بهانه تحریم نفتکش روسی را متوقف کرده بود که بر اساس شیوهنامه‌های دریایی کشتی روس، نفت ایران را جابه‌جا می‌کرد و پرچم کشورمان روی عرشه آن در اهتزاز بود.

پس از اقدام غیرقانونی یونانی‌ها، وزارت خارجه ایران سفیر یونان و نایب کاردار سئوئیس در تهران را احضار و سعی کرد با روش‌های دیپلماتیک به آن‌ها خطا را بگذرد. اما یونانی‌ها به جای اجرای قوانین کشتیرانی و دریانوردی در اقدامی عجیب منافع آمریکا را دنبال و نفت ایران را مصادره کردند.

بر اساس گزارش شرکت انگلیسی اطلاعات دریایی لویلدز لیست، آمریکا نفتکش «آیس انرژ» را برای تحویل گرفتن محموله نفتی ایران، به یونان اعزام کرد و ایسن محموله طبق درخواست وزارت دادگستری آمریکا، به این کشور تحویل داده شد. در آن زمان سازمان بنادر و دریانوردی کشورمان با صدور بیانیه‌ای، این اقدام دولت یونان را «مصادق بارز دزدی دریایی» دانست.

در این باره نکته اول که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که دولت یونان در حالی برای آمریکا خوش رقصی می‌کند که متوجه تغییر در معادلات بین‌المللی به ویژه در غرب آسیا نشده است؛ چنانکه طبق گزارش‌ها آمریکا اولین کشوری بود که از توقیف نفتکش یونانی خبردار شد، ولی نیروهای تروریستی آن در خلیج فارس کمترین اقدام را برای آزادسازی نفتکش‌های یونانی انجام ندادند.

نکته دوم توجه به این موضوع است که نیروی دریایی سپاه بر اساس منافع ملی هر جا نیاز باشد، اقدام خواهد کرد. اینکه در مقابل یک نفتکش، دو نفتکش یونانی توقیف شد، به معنای این است که هر کشوری اقدام به هزینه‌تراشی برای کشورمان کند، باید منتظر تحمل هزینه چندبرابری باشد.

نکته سوم تأکید بر این نکته است که امنیت خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز زمانی برای نفتکش‌ها معنا و مفهوم خواهد داشت که جمهوری اسلامی ایران بتواند نفت و انرژی خود را از آن صادر کند.

آمریکانه تنها توان محدودسازی جمهوری اسلامی ایران را ندارد؛ بلکه خود نیز هر وقت تخلفی مرتکب شود، بازخواست خواهد شد. تا این واقعیت علنی شود که جمهوری اسلامی ایران به «قدرت بازدارنده» رسیده است و توازن قدرت به نفع ایران تغییر کرده است.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که توطئه توقیف نفتکش‌های ایرانی را موساد با عنوان «جنگ جدید نفتکش‌ها» و با هدف ایجاد بازوی اجرایی تحریم‌ها و کنترل میدانی فروش نفت کشورمان طراحی کرده و به مرحله اجرا گذاشته شده بود، اما سپاه با هوشمندی و درایت و رزق بازی را برگرداند.

آیا مکتب امام (ره) تحریف می‌شود؟

و چگونگی حکمرانی ایشان، و ثالثاً رصد جریان تحریف‌گر و چگونگی تحریف امام در وضعیت کنونی و رابعاً، مقابله با جریان تحریف از طریق روایت درست و تبیین صحیح از سیره نظری و سیره عملی امام است. از رهبر حکیم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، می‌توان به عنوان پرچمدار اصلی جهاد تبیین در برابر جریان تحریف طی ۳۳ سال گذشته یاد کرد. معظم‌له در ۳۳ سال گذشته در مقاطع مختلف و به ویژه هر سال در روز ۱۴ خرداد سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، بر روی تبیین مکتب امام و شرح شاخصه‌های این مکتب تمرکز کرده و نگاه‌اشند دست‌های تحریف‌گر حرفه‌ای و راهزنان فکری و اعتقادی مردم در تحریف امام آنگونه که می‌خواستند، موفق شوند. رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۲، موضوع اصلی بحث خود را تبیین مکتب امام قرار داده و با اشاره به ابعاد سه‌گانه این مکتب، شامل بعد معنویت، بعد عقلانیت و بعد عدالت، هر یک از ابعاد این مکتب را تشریح کردند. رهبر معظم انقلاب در همان روزهای پس از رحلت امام (ره) با صراحت فرمودند: «راه ما راه امام است و ما با قوت این راه را ادامه خواهیم داد.» کسانی که با راه امام و خط امام آشنا باشند، شهادت خواهند داد که در ۳۳ سال گذشته بعد از رحلت امام (ره) رهبر معظم انقلاب با تمام توان در تمامی حوزه‌ها و عرصه‌ها با قوت راه امام را ادامه داده‌اند. این در حالی است که جریان تحریف با تحریف امام (ره) می‌خواهد القا کند که بعد از امام راه دیگری پیش گرفته شد! با جهاد تبیین و جهاد روایت درست از مکتب امام (ره) است که می‌توان جریان تحریف‌گر را شکست داد.

مظهر حضرت امام (ره)، آن ساده‌زیستی بی‌نظیر حضرت امام را نشانه رفتند و از طرف دیگر، نه تنها در برابر تحریف‌گران اندیشه امام صدا به فریاد بلند نکردند؛ بلکه در مواردی خود با تحریف‌گران همراهی کرده و علیه مدافعان واقعی حضرت روح‌الله، به خروش آمدند. حال در چنین شرایطی وظیفه جریان مؤمن انقلابی چیست؟ این جریان در قبال مکتب امام (ره) و وظیفه‌های بسیار سنگین برعهده دارد و ایسن وظیفه روز به روز سنگین‌تر و مهم‌تر و سرنوشت‌سازتر می‌شود؛ چرا که در جنگ شناختی جبهه استکبار علیه جبهه انقلاب اسلامی، تحریف مکتب حضرت امام (ره) به یک هدف راهبردی تبدیل شده است. دشمنان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که یکی از راه‌های اصلی دور کردن ملت ایران از تفکر و روحیه انقلابی، تحریف مکتب امام است. اکنون جریان تحریف‌گر، به دنبال تصویرسازی غلط و منفی و به دلخواه خود از رهبر کبیر انقلاب اسلامی برای نسل جوان است. در چنین وضعیتی، باید علیه دشمن شکست خورده، وارد میدان جهاد و مبارزه شد. باید با این دشمنی دشمن مبارزه کرد و نگاه‌اش به اهدافش برسد. ماهیت این جهاد علیه دشمنان، همانا «جهاد تبیین» است. در این جهاد تبیین، باید روشنگری کرد و با روایت‌های درست از حضرت امام (ره) و مکتب او که مکتب اسلام ناب محمدی (ص) در زمانه ماست، با جریان تحریف و روایت‌های نادرست و غلط او از امام (ره) مقابله کرد. وظیفه جهادگران تبیین در چنین وضعیتی، اولاً شناخت درست پیدا کردن از آرا و اندیشه‌های امام (ره) و بنیان‌های فکری و سیاسی آن حضرت و عزیز سفر کرده و ثانیاً آشنایی کامل با زمانه بنیانگذار در دهه ۶۰ و سیره عملی

محمدی (ص) را به حاشیه رانده و اسلام‌های قلابی، بدلی و تحریف شده را در جامعه تبلیغ و ترویج کند. حضرت امام خمینی (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه)، با قیام در راه خدا، به کمک ملت بزرگوار و شریف ایران توانست بعد از هزار و چندصد سال اسلام ناب را حیاتی دوباره بخشیده و پرچم آن را در جغرافیای ایران به اهتزاز درآورد. پرسش اصلی آن است که آیا مکتب امام (ره) در معرض خطر تحریف قرار دارد یا نه؟ اگر این خطر دیده می‌شود و جریان تحریف در این خصوص فعال است؛ اولاً تحریف‌گران چه کسانی هستند و ثانیاً ما چه وظیفه‌ای در قبال مکتب امام در وضعیت کنونی داریم؟

پاسخ پرسش متأسفانه مثبت است و سوگمندها باید گفت، بلافاصله پس از رحلت حضرت روح‌الله در خرداد سال ۱۳۶۸، جریان تحریف برای تحریف احیایگر دین اسلام در عصر جدید فعال شد و با تمام توان به تحریف و تخریب مکتب امام پرداخت و این جریان همچنان فعال است. تحریف‌گران مکتب امام (ره)، کسانی هستند که مکتب و آرا و اندیشه‌های خمینی کبیر را در حوزه‌های گوناگون، در تعارض با منافع دنیایی خود ارزیابی می‌کنند. ایسن تحریف‌گران شامل دشمنان خارجی و جریان ضد انقلاب، غرب‌رایان داخلی و حتی برخی از انقلابیون استحال شده و همراهان امام (ره) هستند. دردهنده باید گفت، یکی از دلایل موفقیت جریان تحریف مکتب امام (ره) در وضعیت کنونی، همراه شدن کسانی با جریان تحریف‌گر است که در واقع این افراد، بعضاً باید متولی این مکتب بوده و مسئولیت مؤسسه حفظ و نشر آثار امام (ره) را برعهده دارند! این افراد از یک طرف با ساخت‌وسازهای مجلل در مرقد

دکتر پیداله جوانی

مدیر مسئول



خطر تحریف مکاتب، اندیشه‌ها و صاحبان هر مکتب و اندیشه‌ای، از بزرگ‌ترین خطرها، آسیب‌ها و آفات به شمار می‌آید که تاکنون بشر تجربه کرده و از رهگذر این تحریف، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. تحریف دین حضرت مسیح و دین حضرت موسی، چه بلاهایی که بر سر پیروان این دو پیامبر الهی نیاورد. تحریف دین اسلام، خسارت‌های بی‌شماری را برای مسلمانان از صدر اسلام و دوره پس از رحلت پیامبر (ص) تا کنون، در پی داشته و می‌توان گفت، ریشه اصلی مشکلات در جهان اسلام، به همین تحریف‌ها برمی‌گردد. خواست خداوند متعال این بوده و هست که پیروان اسلام مکتب رسول‌الله (ص)، امت واحد باشند؛ اما تحریف‌گران مسلمانان را در اصطلاح عامیانه به ۷۲ گروه تقسیم می‌کنند. تحریف‌گران کسانی هستند که وقتی یک مکتب و صاحب آن را در تعارض با منافع خود ارزیابی کرده و به دلیل مقبولیت و محبوبیت این مکتب و صاحبش در جامعه، نمی‌توانند به طور کلی آن را نفی کرده و به کنار زنند، در راستای منافع خود به تحریف آن مکتب رو می‌آورند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، جریان تحریف‌گر اسلام و پیامبر، اسلام اموی را در مقابل اسلام نبوی پدید آورد. بسیاری از مصائب در تاریخ اسلام و از جمله پدیدآیی عاشورا به عنوان اعظم مصائب در آسمان و زمین، نتیجه همین تحریف است. جریان تحریف‌گر در تاریخ اسلام موفق شد، اسلام ناب

سلام فرمانده

نجوای همگانی اسلام انقلابی

آن نیز استحال شده و از اسلامی سیاسی به اسلام سکولار تمایل یافته، می‌دانند. بنابراین هر اقدامی را که موقوم فرهنگ اسلامی آن هم در سطح گسترده باشد، به نوعی عاملی برای تضعیف پایگاه اجتماعی هواداران خود می‌دانند و برآشفتگی می‌شوند! آنان نگران آینده سیاسی خود هستند و به خوبی دریافته‌اند که دهه نودی که «سلام فرمانده» را زمره می‌کند، اگر یک دهه دیگر به گونه‌ای تربیت شود که همچنان به گفتمان اسلام انقلابی حاکم بر این سرود تعلق داشته باشد، در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی به جریان سیاسی که از سازش و تسلیم و انفعال در برابر دشمن سخن می‌گوید، تعلق نخواهد داشت و آن روز است که چنین جریان‌های سیاسی به محاق خواهند رفت و حاشیه‌نشین خواهند شد و در عرصه‌های سیاسی حرفی برای گفتن نخواهند داشت! لذا آدم بزرگ‌های این جریان نیز به میدان آمده‌اند و برای زدن سرود «سلام فرمانده» دست به توتیت شده‌اند و خود را به تجاهل زده و حواشی کوچک را دست‌مایه تخریب آن کرده‌اند!

«سلام فرمانده» نویدبخش تولد نسلی است که برای تحقق حکومت عدل جهانی تلاش خواهند کرد و زمینه‌سازان ظهور عدل‌گستری خواهند بود که کاخ ظالمان و مستکبران را ویران و زمین را برای مستضعفان به ارث خواهد آورد.

ایزراه‌های دروغ‌پردازی و تحقیر و توهین و تمسخر و اتهام‌زنی بهره می‌گیرند و روزی نیست که در این راستا برنامه‌ای تولید نکرده باشند!

در کنار ضدانقلاب بخشی از جریان‌های سیاسی نیز به تقابل با این حرکت عظیم فرهنگی برخاسته‌اند و پخش این سرود به مذاق‌شان خوش نیامده است! و معلوم نیست که چرا آنها از اینکه کودکان و نوجوانان و جوانان و زنان و مردان این سرزمین در کنار هم این شعر را زمزمه می‌کنند، عصبانی و پرخاشگر شده‌اند؟!

دقت در رفتار سیاسی بخشی از اصلاح‌طلبان و جریان‌های سیاسی غریب‌گرا، ما را به این حقیقت راهنمایی می‌کند که لیلی قابل طرحی در ادعاهای آنها وجود ندارد و در این میان باید به دنبال کشف علت بود! حقیقت آن است که هر چه به تقویت گفتمان انقلاب اسلامی-که در آن مقاومت و ایستادگی، پرهیز از سازش با دشمن، خودباوری و خودتکلی، ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی مؤلفه‌های اصلی هستند-کمک رساند، به مذاق غریب‌گرایان خوش نمی‌آید! آنها علاقمند نیستند که جریان انقلابی پرچمدار عرصه فرهنگ باشد! آنان مدت‌هاست که از فرهنگ اصیل اسلامی فاصله گرفته‌اند و در استحال‌های تدریجی به سبک زندگی غربی تعلق یافته‌اند و ترویج آن را به نوعی موجب تقویت پایگاه اجتماعی جریان سیاسی خود که

سرود را باید در عوامل متعددی جست‌وجو کرد.

نکته اول آنکه این سرود هر چند به ظاهر برای دهه نودی‌ها سروده شده است، اما حقیقت آن است که پیام و محتوا به گونه‌ای طراحی شده که روح و قلب همه جوانان انقلابی در دهه‌های گذشته را نیز با خود درگیر کرده است و آنان نیز آمال و آرزوهای خود را با این سرود زمزمه می‌کنند!

نکته دوم توجه به این حقیقت است که مقوله انتظار و ظهور، سنتی ریشه‌دار نزد مردمان این سرزمین است که قرن‌ها با آن زندگی کرده‌اند و برای تحقق آن دعا کرده‌اند و به امید آن روزگار گذرانده‌اند. مهدویت و انتظار؛ آرمان متعالی همه دردمندانی است که از رنج و درد و ظلم و ستم به خشم آمده و برای تحقق عدالت تلاش و مبارزه کرده‌اند. در این میان، تحقق چنین امر باشکوهی که می‌توان آن را مصداق کار تمیز فرهنگی در قالب راهبرد «آتش به اختیار» دانست، به مذاق برخی خوش نیامده و آنها را سخت عصبانی و خشمگین کرده است.

در صدر این برآشفتگی‌شدگان، اپوزسیون و ضدانقلاب قرار دارد که به شدت به هم ریخته‌اند و «سلام فرمانده» همه محاسبات متوهمانه آنها در مورد از دست رفتن جوانان این سرزمین را بر هم زده است! لذا با همه توان برای تخریب این حرکت به جنب و جوش افتاده‌اند و در این مسیر از همه

مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی



اجرای سرودی که خوانندگان آن نونهالان دهه نودی این سرزمین هستند، این روزها به یکی از مهم‌ترین اخبار این سرزمین بدل شده است. هر کجای این سرزمین که کودکانی جمع هستند، این سرود به طور دسته‌جمعی زمزمه شده و در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده است و تکرار چندباره آن نه تنها از رونق آن نکاسته، بلکه دیگر کودکان این سرزمین را نیز به خواندن آن مشتاق کرده است.

اوج ایسن اقدام جمعی را می‌توان در برگزاری باشکوه سرود «سلام فرمانده» در ورزشگاه یکصد هزار نفری آزادی مشاهده کرد که یکی از باشکوه‌ترین رخدادهای فرهنگی در سال‌های اخیر کشور بوده است که کمتر می‌توان برای آن نمونه‌هایی یافت! حضور هزاران کودک دهه نودی به همراه خواهران و برادران و پدر و مادران‌شان، از رخدادهای کم‌نظیر در خانواده‌ها حکایت دارد و نشان می‌دهد که میلیاردها دلار هزینه‌کرد دشمنان این سرزمین برای شبیخون فرهنگی هنوز نتوانسته جواب دهد! در این میان، رمز ماندگاری و استقبالی گسترده از این

کابوس تروریست‌ها

سرخسگری وزارت خارجه جمهوری اسلامی به تحریم‌های جدید اعمال شده از سوی آمریکا علیه اتباع جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان داد. سعید خطیب‌زاده اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مسلح و قانونی آن به خصوص نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همواره کابوس گروه‌های تروریستی و افرافی در منطقه بوده‌اند. طبیعی است دولت آمریکا به عنوان مادرخوانده این گروه‌های تروریستی از هیچ تلاشی برای حمایت از آنها خودداری نکند. کما اینکه از سال‌ها پیش تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی را علیه مردم ایران و فرزندان سپاهی آنها تحمیل کردند و در زمان ترامپ، بزلا نه به ترور شهید سپید قاسم سلیمانی دست زدند.»

مجازات بازدارنده

رئیس قوه قضائیه درباره حادثه متروپل و جان باختن تعدادی از هم‌وطنان گفت: «حادثه باید بررسی شود و کارشناسان هم به لحاظ فنی در این خصوص نظر دهند. اگر هر یک از دستگاه‌ها که مسئولیتی داشته‌اند که مسئولیتش را انجام نداده یا هر فردی یا هر تشکیلاتی، حتی اگر از خود قوه قضائیه باشد، اگر وظایفی داشته و آن را انجام نداده‌اند این باید دنبال شود؛ به گونه‌ای که چنین حوادثی دیگر تکرار نشود.»

اژهای افزود: «همه کسانی که در این زمینه مسئولیتی داشته یا مسئولیتی می‌توانستند داشته باشند و انجام نداده‌اند، اینها تحت تعقیب قرار می‌گیرند.»

تهدید را کوچک نمی‌گیریم

سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح پس از بازدید از پایگاه پهپادی راهبردی ۳۱۳ جمع فرماندهان ارتش و فعالان عرصه طراحی و تولید پهپادهای ارتش با تأکید بر اینکه در همه نیروهای ارتش در ابعاد گوناگون تحول‌خواهی به چشم می‌خورد، خاطر نشان کرد: «ما هیچ وقت تهدید را کوچک نمی‌گیریم، دشمن را خواب فرض نمی‌کنیم، چشم‌مان باز است. خدا را بابت داشتن چنین فرماندهان لایق، توانمند، با در رکاب ولی امر مسلمین و ان‌شاء‌الله سرباز حضرت ولی عصر (عج) شاکرم و امیدوارم روز به روز ابعاد دیگر قدرت ارتش را ببینیم.»

داغ آبادان داغ ایران

وعده مسئولان برای جلوگیری از بروز اتفاقات مشابه ساختمان متروپل

حسین چخماقی

خبرنگار



ساعت ۱۲:۳۰ ظهر دوم خرداد، یک خبر تلخ و بُهت‌آور، ایران را به شوک فرو برد؛ خبری کوتاه با اندوهی بزرگ؛ «ساختمان تجاری ۱۰ طبقه متروپل در شهر آبادان فرو ریخت و تعدادی از هموطنان را به کام مرگ کشاند و عده‌ای را مجروح کرد.» این خبر شاید بیش از هر چیز، یادآور روزهای غم‌انگیز مربوط به ریزش ساختمان پلاسکو تهران در ۳۰ دی سال ۱۳۹۵ و درگذشت تعدادی از هموطنان و شهادت آتش‌نشانان کشورمان بود.

بلافاصله در پی وقوع این حادثه، تمامی نیروهای امداد و خدمات اعم از انتظامی، آتش‌نشانی و هلال‌احمر در آبادان وارد عمل شدند؛ اما حجم حادثه رخ داده آنقدر بزرگ بود که نیروهای امداد و خدمات امداد و خدمات آتشی برای نجات افراد داشتند. تا این لحظه که نگارنده مشغول نگارش این متن است، تعداد فوتی‌های حادثه ریزش ساختمان متروپل ۲۹ نفر (تا لحظه تنظیم این متن) و تعداد مجروحان و مصدومان نیز ۳۷ نفر اعلام شده و نیروهای امداد و خدمات همچنان مشغول تلاش برای بیرون کشیدن سایر افراد از زیر آوار هستند.

علت ریزش متروپل

طبق اعلام استاندار خوزستان، سنگینی بیش از حد و غیرمتعارف سازه ساختمان متروپل و لحاظ نشدن موارد فنی و استانداردها در این ساختمان که پنج سال پیش در خیابان امیری آبادان قد علم کرده بود، دلیل حادثه پیش آمده بوده است. خلیلیان با اشاره به اینکه در ابتدا قرار بود ساختمان متروپل در شش طبقه طراحی شود؛ اما در یک نوبت سه طبقه و در نوبتی دیگر دو طبقه به آن اضافه شدند، تصریح کرد: «افزودن این طبقات در حالی که پیش‌بینی‌های مهندسی دقیق برای آن نشده بود، مهم‌ترین دلیل ریزش ساختمان متروپل بوده است.»

مجازات عبرت‌آموز مقصران

در پی وقوع این حادثه تأسّف‌بار، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی ضمن تسلیت این حادثه به مصیبت‌دیدگان، به مسئولان دستور دادند ضمن سرعت عمل برای کاستن از تلفات، مقصران حادثه را مورد پیگرد و مجازات عبرت‌آموز قرار دهند تا از تکرار این حوادث در

کشور جلوگیری شود. مراجع عظام تقلید سبحانی و نورانی همدانی نیز در پیام‌هایی جداگانه ضمن ابراز تأسّف از فرو ریختن ساختمان متروپل در آبادان، خواستار آن شدند که مراجع ذی‌صلاح هر چه سریع‌تر موضوع را بررسی کرده و از تکرار حوادث مشابه احتمالی جلوگیری کنند.

عزم قوای سه‌گانه برای پیگیری

رئیس‌جمهور ضمن تأکید بر وزارت کشور و سازمان نظام مهندسی و شهرداری‌ها برای شناسایی و معرفی ساختمان‌های ساخته شده نایم به منظور مقاوم‌سازی، تخلیه یا تخریب از سوی صاحبان آن ساختمان‌ها، بر ضرورت بسیج همه امکانات جهت امداد و نجات آسیب‌دیدگان و مفقودان حادثه ساختمان متروپل، شناسایی و پیگیری مقصران و قاصران این حادثه، ارائه اخبار صحیح و دقیق از سوی رسانه‌ها پیرامون آن و همچنین جلوگیری از ادامه فعالیت و ساخت‌وساز ساختمان‌های با سازه‌های نایم تأکید کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی هم در پیامی بر لزوم شناسایی متخلفان تأکید کرد و در تأکید از کمیسیون عمران مجلس خواست، گزارش بررسی ابعاد مختلف این حادثه را تهیه و ارائه کند. رئیس قوه قضائیه نیز که از نخستین ساعات وقوع حادثه در آبادان، دستور پیگیری ویژه موضوع از سوی دادستانی آبادان را صادر کرده بود، در نخستین اظهار نظر خود درباره ریزش ساختمان متروپل گفت: «همه کسانی که در خصوص وقوع حادثه متروپل مسئولیتی داشته و یا مسئولیتی می‌توانستند داشته باشند و انجام ندادند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند.»

از سوی دیگر، طی روزهای گذشته اعضای شاخص دولت با حضور در شهر آبادان، از نزدیک در جریان وقایع مربوط به ریزش ساختمان متروپل قرار گرفتند. معاون اول رئیس‌جمهور، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور ضمن حضور در محل وقوع حادثه و بررسی میدانی اوضاع، به عیادت مصدومان حادثه رفتند و از سوی دیگر وزیر کشور با حضور در آبادان، مسئولیت فرماندهی عملیات پاسخ به بحران حادثه ساختمان متروپل را بر عهده گرفت.

بازداشت ۱۰ نفر از متخلفان

طبق اعلام دادستان عمومی و انقلاب آبادان، تاکنون ۱۰ نفر از متخلفان پروژه و مسببان حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان از جمله شهردار فعلی آبادان و دو شهردار سابق و نیز تعدادی از کارکنان شهرداری و ناظران، با دستور قضایی



بازداشت شده‌اند و دستور بازداشت تعداد دیگری نیز صادر شده است.

هوشیاری مردم

دادستانی آبادان در نخستین دقایق وقوع حادثه، دستور بازداشت فوری مالک و پیمانکار اصلی ساختمان متروپل «حسین عبدالباقی» را صادر کرده بود؛ اما به سبب جان باختن این فرد در جریان ریزش ساختمان، فرصت برای احضار او به محکمه و شنیدن سخنان و دفاعیاتش مهیا نشد. در حالی که هویت جسد مالک متروپل به روش‌های انگشت‌نگاری و آزمایش DNA تأیید شد؛ اما طی روزهای گذشته شاهد بودیم که رسانه‌های بیگانه و معاند که به دنبال بافتن کلاه‌

از این نمد بودند، بسا همراهی پیاده‌نظام داخلی خود در فضای مجازی با دروغ خواندن خبر مرگ حسین عبدالباقی و انتشار خبرهای کذب دیگر درصدد ایجاد اعتراض، درگیری و آشوب در شهر آبادان بودند که هر چند عده‌ای تحت تأثیر این فضا سازی‌ها قرار گرفتند، اما قاطبه مردم آبادان با هوشیاری خود، مانع از تحقق اهداف دشمن شدند.

و کلام پایانی آنکه تسلی دل مردم داغدار آبادان در این روزها، بیرون کشیدن هر چه سریع‌تر عزیزان‌شان از زیر آوار و مجازات عاملان و افراد دخیل در وقوع این حادثه است. امید آنکه همه نیروهای امداد و خدمات و مراجع ذی‌صلاح بتوانند در اسرع وقت، انتظارات به حق مردم رنج‌دیده و قهرمان آبادان را برآورده کنند.

عکس و مکث



فلسطین، مسنله جهانی، دانشجویان آمریکایی در مراسم فارغ‌التحصیلی با حضور بلینکن، وزیر خارجه آمریکا با چفیه و پرچم فلسطین و عکس شیرین ابوعاقله همدلی با فلسطین را به نمایش گذاشتند.



کدر شهادت، شهید حسن مبادخدايي از مدافعان حریم اهل بیت (ع) طی یک عملیات تروریستی در کوچه‌های خیابان مجاهدین اسلام تهران در مقابل منزلش درون خودرو به ضرب گلوله به شهادت می‌رسد. خداوند عاقبت همه ما را ختم به شهادت کند.



ظهور، قاص بعدی، سال ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱ سه تصویر تاریخی از گردهمایی‌های انقلابیون و سربازان امام‌زمان (عج)، ان‌شا، الله به زودی فریم بعدی با حضور مهدی موعود (عج) در میان یارانش ثبت خواهد شد، آمین.



ردیابی با ماهواره! گوشت هسندن در دولت فخریه بریتانیای کبیرا اون‌قدر دزدی گوشت از فروشگاه‌ها به دلیل ناتوانی مالی زیاد شده که مجبور شدن گیرنده‌های GPS روش بذارن تا ملتی که دزدی می‌کنن رو با ماهواره پیدا کنن!



عوض امنیت داریم! در هفته‌های اخیر شهرهای آمریکا شاهد حملات مسلحانه بسیاری بودند، مشکلات امنیتی در حالی رو به وخیم شدن در این کشور است که به تازگی آمریکا ۴۰ میلیارد دلار هزینه جنگ در اوکراین کرده است!



وطن، یعنی شرف! ساختمانی در آبادان فرو ریخته و از همان ابتدای حادثه، مردم همدل و همراه با نیروهای امدادی مشغول کمک‌رسانی هستند. متروپل فرو ریخت، اما مردم آبادان منتظر محاکمه عوامل احمال‌کار در ساخت آن هستند.

۳

دیدگاه

شماره ۱۰۴۸ | دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱

صداقت

روزنه

آنچه برای ایران اتفاق افتاد

سعید پورملانی

هریس

کارشناس سیاسی



نقاط عطف در تاریخ هر ملتی می‌تواند سرنوشت آن را تا دهه‌ها و شاید حتی صدها سال مشخص کند. تاریخ ایران نیز در دوره معاصر بر این نقاط عطف بوده است. یکی از برهه‌های حساس تاریخی در نیمه خرداد سال ۱۳۶۸ و با ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی رقم خورد. اما در میان این غم سترگ، امداد الهی به کمک ملت ایران آمد...

فروردین ماه همان سال به دلیل برخی انحرافات در بیت آیت الله منتظری و سوء استفاده برخی از ساکنان ایشان، امام راحل ادامه قائم مقامی ایشان را به صلاح ندانستند و فرد دیگری هم به عنوان قائم مقام رهبری انتخاب نشد.

از سوی دیگر، بحث‌هایی جدی همچون اصلاح قانون اساسی نیز در پیش بود. در این میان، بیماری حضرت امام راحل ناگهان نظام را با مشکلی جدی روبرو کرد. پیشروی شدید بیماری ایشان سبب شد تا کمتر از یک ماه سیر وقایع به ارتحال ایشان منجر شود.

در این میان، سؤال اساسی این بود که چه کسی خواهد توانست سکان حرکت انقلاب را در دست بگیرد؟ با تشکیل جلسه خبرگان رهبری هیچ چیز مشخص نبود تا اینکه در نهایت حضرت آیت الله خامنه‌ای با رأی قاطع مجلس خبرگان به رهبری انقلاب اسلامی برگزیده شدند.

بسیاری تصور می‌کردند ایران پس از دوران حیات امام خمینی (ره) با چالش یا استحاله مواجه خواهد شد. با این حال ایران سرنوشت دیگری پیدا کرد. جدا از آرمانی که به کشور در سایه رهبری ایشان تزریق شد؛ ایران توانست مسیر توسعه و افزایش توان خود را در سطح منطقه در پیش بگیرد.

در کنار اینکه ایران توانست خرابی‌های جنگ را به سرعت بازسازی کرده و مسیر رشد را در پیش بگیرد، کشورمان همچنان موضع مستقل خود را در مقابل فشار قدرت‌های جهانی برای دوری از تسلیم انتخاب کرد. این در حالی بود که در همان زمان نیز عده‌ای به دنبال تسلیم شدن ایران در مقابل قدرت‌های بیگانه بودند.

از آن زمان تاکنون ایران بارها و بارها مشکلات و دست‌اندازهای تاریخی بسیار جدی را گذرانده است؛ از جمله این موارد می‌توان به فتنه‌های داخلی و خارجی و همچنین تحریم‌های سنگین علیه ایران اشاره کرد.

شاید در این میان برخی مسیرهای دیگری برای ایران در طول ۳۳ سال گذشته را پیشنهاد می‌دادند؛ اما واقعیت این است که هیچ رویکرد دیگری نمی‌توانست منافع ایران را تا این حد تأمین کند؛ برای نمونه، این نکته را نباید از نظر دور داشت که حضور ایران در سوریه و عراق مخالفانی داشت؛ اما رهبر معظم انقلاب بر ضرورت مقابله با تروریسم جهانی در منطقه تأکید کردند؛ روندی که منجر به حفظ ساختار کشور و جلوگیری از بازاریابی مرزهای جغرافیایی شد.

رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای را می‌توان موهبتی دانست که در برهه‌های حساس جلوی بسیاری از ضربات به کشور را گرفت. همان گونه که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نظام جمهوری اسلامی با عنایات ویژه حضرت حق به جلو حرکت کرده است.

جرقه جنگ داخلی با کودکان کشی

نگاهی به تکرار رگبار اسلحه در مدارس آمریکا



اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه آمریکا را با شکاف سیاسی ای همراه کرده است که می تواند در نهایت به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل شود. این پدیده قرار نیست امروز یا فردا اتفاق بیفتد، ممکن است این مسئله یک دهه یا چندین دهه بعد اتفاق بیفتد؛ اما شکاف های سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه آمریکا زمانی که با لجبازی ها و دشمنی های احزاب سیاسی همراه می شود، مطمئناً مدت زمان رسیدن به جنگ تمام عیار را کمتر می کند؛ از همین روست که نشريات و رسانه های آمریکایی به شدت در نگرانی به سر می برند. اگر تا دیروز مشکل اصلی، اختلافات در حزب دموکرات و جمهوری خواه در نوع حکمرانی کردن در آمریکا بود، امروز مسئله، نفرت بین افراد است که در جامعه آمریکا به شدت در حال افزایش است.

رستوران ها رخ می دهد؛ فردی که به اسلحه از نظر قانونی یا غیر قانونی دسترسی داشته در این مورد پسر ۱۸ ساله ای که سلاح های نیمه اتوماتیک را برای کادوی تولد برای خودش خریده است. وارد مدرسه یا کلیسا یا سایر اماکن عمومی می شود و همه مردم را به رگبار می بندد. برخی از نمایندگان کنگره که اکثریت شان از حزب جمهوری خواه هستند، این نوع اتفاقات را هزینه جانی داشتن آزادی در آمریکا می دانند و احزاب دموکرات که به دنبال تسلط دولت بر مردم و کاستن از میزان سلاح های موجود در جامعه آمریکا هستند، خواهان اصلاح قوانین برای محدود شدن حق حمل سلاح هستند. این مسئله در نزدیکی برگزاری انتخابات میان دوره ای کنگره، جنگی تمام عیار در فضای سیاسی آمریکا به راه انداخته و شکاف

مهاجران به آمریکا می بردند. همه این بازخوردها نشان داد جامعه آمریکایی این روزها بیشتر از هر زمان دیگری درگیر در جنگی فرهنگی میان مردم این کشور است که می تواند به سرعت به خشونت عظیم و سراسری در این کشور تبدیل شود.

متهم دوم قانون اساسی آمریکا، مسئله حمل سلاح را برای آمریکایی ها با آزادی آنها هم ردیف دانسته است. این مسئله به معنای این است که هر آمریکایی می داند اگر حق حمل سلاح نداشته باشد، ممکن است دولت کشورش، به سمت دیکتاتور برود. او باید اسلحه داشته باشد تا بتواند در برابر دیکتاتوری قیام کند؛ این ایده در عمل دچار مشکلات فراوانی می شود؛ زیرا اصولاً در روح قانون اساسی آمریکا جایی برای انقلاب مردمی وجود ندارد و میزان سلاح در دست دولت به اندازه ای است که اگر همه مردم سلاح های کشتار جمعی نیز داشته باشند، نمی توانند در برابر دولت شان مقاومت کنند. این فرهنگ عجیب در نهایت تنها مسئله حق حمل سلاح را می شناسد و حاضر نیست آن را با چیزی معامله کند.

این حق یا آزادی آمریکایی، روی دیگری نیز دارد و آن، کشتارهای گسترده ای است که هر از گاهی در مدارس، کلیساها، پارک های تفریحی یا حتی

ثمانه اکوان

دبیر گروه بین الملل



حوادثی مانند آنچه در دبستانی در ایالت تگزاس آمریکا رخ داد و به کشته شدن ۱۹ کودک و دو معلم شان منجر شد، شاید در وهله اول تنها به درد صفحه حوادث روزنامه های آمریکا بخورد؛ اما نگاهی به ریشه این حوادث و نوع برخورد دو حزب موجود در آمریکا نشان می دهد، این نوع حادثه ها می تواند در نهایت به جنگ فرهنگی عظیمی در داخل این کشور تبدیل شود.

هفته گذشته یک نوجوان ۱۸ ساله با وارد شدن به مدرسه ای در ایالت تگزاس، ۱۹ کودک را به گلوله بست و دو معلم شان را هم کشت. این حادثه چنان شوکی در جامعه آمریکا ایجاد کرد که رسانه ها طی چند روز دیگر هیچ خبر مهمی جز این کشتار نداشتند؛ اما این بار رسانه های آمریکایی به شدت عصبانی بودند. رسانه های لیبرال، جمهوری خواهان را عامل این وضع می دانستند و محافظه کاران، انگشت اتهام را به سمت مسائل قومی و ورود

پیشخوان

رسوایی پارتی گیت



«بوریس جانسون» نخست وزیر انگلیس به علت برگزاری مراسم دورهمی در دوره ممنوعیت های مرتبط با کرونا که به رسوایی «پارتی گیت» نیز شهرت یافته است، عذرخواهی کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، یک روز پس از انتشار نتایج تحقیقات اداری درباره پارتی گیت که نشان داد به مأموران حفاظت یا نظافت محل با این کاری احترامی نشده است، بوریس جانسون، نخست وزیر انگلیس هفته گذشته رسماً از این کارکنان عذرخواهی کرد. بر اساس این گزارش، برخی از مأموران حفاظت یا نظافت در محل کار خود شاهد رفتارهایی بوده یا در معرض رفتارهایی قرار گرفته اند که سبب احساس نگرانی در آنها شده است. با وجود نتایج تند و انتقادی که گزارش سوگری، کارمند ارشد دولت انگلیس، در مورد تخلف از مقررات قرنطینه در دوران کرونا در ساختمان دفتر و اقامتگاه نخست وزیر برای بوریس جانسون داشته است، وی حاضر به استعفا نیست.



عزا در رسانه های آمریکایی

رسانه های آمریکایی با خشم و عصبانیت شدید حوادث انتقادی افتاده در دبستان تگزاس را پوشش می دهند. رسانه های دموکرات که از مقاومت جمهوری خواهان در برابر اصلاح قوانین حمل اسلحه در آمریکا به شدت عصبانی هستند، تلاش دارند این بار از حادثه تیراندازی دبستان تگزاس استفاده کرده و راه مقابله جمهوری خواهان با اصلاح قوانین اسلحه در آمریکا را ببندند. بر همین اساس، تصاویر عزاداری مردم و اعتراضات دانش آموزان و دانشجویان به قوانین سهل گیرانه حمل سلاح در آمریکا در رسانه های آمریکایی به شدت مشاهده می شود. روزنامه لس آنجلس تایمز در اقدامی ابتکاری نسام و نام خانوادگی ۱۹ دانش آموز و دو معلم این مدرسه را در صفحه اول خود منتشر کرد. این کار به معنای این است که هر یک از این افراد زندگی و خانواده هایی داشتند که نباید در میان آمار و اعداد مرتبط با کشته شدگان حوادث تیراندازی در آمریکا، شخصیت و زندگی این افراد به این زودی ها فراموش شود. روزنامه لس آنجلس تایمز همچنین خاطر نشان کرده است، مردم تگزاس به دنبال پاسخ در خصوص دلایل این حادثه و در عین حال به دنبال راهی هستند که اینگونه حوادث دیگر در این ایالت یا هیچ کجای آمریکا دیگر تکرار نشود.

گزارش

مخالف صلح

نگاهی به موضع دولت انگلیس در جنگ اوکراین

داد. نباید اجازه دهیم درگیری در اوکراین طولانی و به طور فزاینده ای درآورد شود.» وزیر خارجه انگلیس گفت: «باید برای تضمین برتری اوکراین از طریق کمک نظامی و تحریم [روسیه] بی امان تلاش کنیم. اکنون زمان آن نیست که پا را از روی پدال گاز برداریم.»

برداشتن پا از روی پدال به معنای پایان دادن به ارسال سلاح های فوق پیشرفته و مهم به اوکراین برای مقابله با روسیه و همچنین دست بردارستن از تحریم گسترده این کشور است که می تواند به تلاش ها برای صلح معنای دیگری بدهد. با این حال انگلستان و آمریکا و سایر کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده اند که باید از شرایط به وجود آمده بهترین استفاده را برای ضعیف کردن روسیه و انزوای این کشور انجام دهند و توجیهی نمی کنند که ادامه جنگ می تواند به معنای از بن رفتن شدید زیرساخت های اوکراین و تبدیل کردن این کشور به زمین نبرد نیابتی غرب با شرق باشد.

در شرایطی که مسئولان دو کشور اوکراین و روسیه تلاش دارند مذاکرات صلح را آغاز کرده و سریع تر به جنگ در این کشور پایان دهند، وزیر خارجه انگلیس ضمن رد پیشنهادات اخیر درباره توافق صلح میان روسیه و اوکراین، گفت: «ن باید خشونت روسیه را با ممانشات پاسخ داد.»

این همان روشی است که آمریکا نیز تلاش دارد آن را پیش برد تا مانع از صلح احتمالی شود؛ زیرا کشورهای غربی به این نتیجه رسیده اند که باید جنگ اوکراین را به جنگی نیابتی علیه روسیه تبدیل کرد تا اطمینان حاصل شود نظامی روسیه دچار فرسایش می شود. با این حال، «لیز تراس» وزیر خارجه انگلیس پیشنهادهای اخیر درباره توافق صلح میان روسیه و اوکراین را «ماماشات» و «عقب نشینی» توصیف و آن را رد کرد. تراس در نشست جهانی اقتصاد در «داووس» گفت: «ن باید خشونت روسیه را با ممانشات پاسخ

تحلیل

پایبندی به قطعنامه ۲۲۵۴

مروری بر برنامه نیروهای روسیه در سوریه

سرگی لاوروف اضافه کرد: «ما حکومت سوریه را در بازپس گیری کامل خاک جمهوری عربی سوریه حمایت خواهیم کرد، زیرا کامکان گروه های مسلح کشورهایی در آنجا حضور دارند که کسی آنها را فرخوانده است و برای اینکه تا الان به عنوان مثال ارتش آمریکا به بخش بزرگی از کرانه شرقی رود فرات را اشغال کرده، علناً در حال ساخت تشکیلاتی شبیه به یک کشور در آنجاست. آنها از تجزیه طلبی مستقیماً حمایت می کنند و برای این منظور از روحیه بخشی از کردهای عراق استفاده می کنند.» این اظهارات در حالی مطرح می شود که یکی از مقامات ارشد وزارت دفاع آمریکا مدعی شده بود ارتش روسیه از چند هفته پیش شروع به خروج تدریجی نیروهای خود از مناطق جداگانه در سوریه، به ویژه از پایگاه هوایی «حمیمیم» در جنوب شرقی لاذقیه کرده است.

از زمان آغاز جنگ اوکراین، گمانه زنی های بسیاری درباره نقش روسیه در سوریه منتشر شده بود. برخی رسانه ها از خروج کامل نیروهای روسی از سوریه خبر داده بودند و پیش بینی هایی را در خصوص نیروهایی که قرار است جای روسیه را بگیرند نیز کرده بودند. با این حال لاوروف، وزیر خارجه روسیه گفته است، نیروهای روسی قرار نیست سوریه را ترک کنند. وزیر خارجه روسیه که با شبکه «روسیا الیوم» گفت و گو می کرد، در این باره اظهار داشت: «ما به درخواست رئیس جمهور قانونی جمهوری عربی سوریه و دولت قانونی این کشور در آنجا هستیم. ما به اصول تأکید شده در قطعنامه های سازمان ملل در آنجا کاملاً پایبند هستیم و مأموریت هایی را انجام می دهیم که شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۵۴ آن را مشخص کرده است. در آینده نیز به همین امر متعهد خواهیم بود.»

ضرب الاجل عمران خان

نخست وزیر سابق پاکستان هشدار داد، دولت اسلام آباد باید ظرف شش روز انتخابات جدیدی برگزار کند؛ در غیر این صورت وی به همراه سسه میلیون تن دیگر به طرف اسلام آباد به راهپیمایی دست خواهد زد. عمران خان، این اظهارات را در یک راهپیمایی اعتراضی با حضور هزاران تن از حامیانش در اسلام آباد با هدف سرنگونی دولت مطرح کرد. دولت پیشتر برای حفاظت از ساختمان های مهم دولتی نیرو مستقر کرده بود. این اقدامات به دنبال درگیری ها میان معترضان و نیروهای پلیس اتخاذ شدند. عمران خان مدعی شد، پنج نفر از طرفدارانش در خشونت های سراسر پاکستان کشته شدند.



انتقاد از غرب

«ولادیمیر زلنسکی» رئیس جمهوری اوکراین با انتقاد چندین باره از انفعال غرب در حمایت از اوکراین، گفت که مسامحه با روسیه را کنار گذاشته و جنگ را با اعمال تحریم های سخت تر متوقف کند. زلنسکی ضمن تأکید بر اینکه اوکراین یک کشور مستقل می ماند، از غرب خواست تا مسامحه با روسیه را کنار گذاشته و تحریم های سخت تری را برای پایان این «جنگ بی معنا» علیه روسیه اعمال کند. رئیس جمهوری اوکراین در یک نطق شبانه بیان کرد: اوکراین همیشه یک کشور مستقل خواهد بود و از هم گسسته نخواهد شد. تنها سؤال این است که مردم ما باید چه بهایی برای آزادی خود بپردازند.



آماده جنگ نیستیم

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتقاد از سازوکارهای نظامی اروپایی ها گفت، کشورهای اروپایی برای جنگی مانند درگیری های فعلی در اوکراین آمادگی ندارند. «جو زپ بول» بر آمادگی نداشتن اروپا برای جنگی مشابه درگیری های اوکراین تأکید کرد. به نوشته «ارشا تودی» بول در مناظره ای گفت که باور ندارد این موضوع که کشورهای اروپایی می توانند قابلیت های نظامی خود را در زمان کوتاهی به میزان قابل ملاحظه ای تقویت کنند، حرف «واقع بینانه ای باشد». چنین رویه ای در اروپا «متکی به اقدامات داوطلبانه» بوده و «قانونی برای محقق کردن آن» وجود ندارد.



منتظران امام زمان (عج) فعال هستند

گفتاری از استاد محسن قرآنی

امام زمان (عج) یاد ما هست. یک کسی به امام رضا (ع) گفت: می شود شما یک دعایی برای زن و بچه ام بکنید؟! امام رضا (ع) فرمود: دعا نمی کنم؟! ما شما را فراموش نمی کنیم. امامان ما از کار ما، از کارهای ریز ما آگاهند. امام زمان (عج) را شریک کنیم در کارهای ما. خدا شریک کرده، گفته است: هر چی درآمد داری بیست درصدش مال امام زمان (عج). جانشین امام زمان (عج) را هم گفته خودت انتخاب کن... من این سؤال را داشتم، رقم پهلوی یکی از علمای پیرمرد، خدا رحمتش کند. گفتم: این شرایطی که برای امام زمان (عج) می گویند، پس حالا حالا نمی آید، برای چی به ما می گویند منتظر باشید؟! ایشان یک حدیث آورد. حدیث داریم امام زمان (عج) که می خواهد ظهور بکند، کارهایش را خدا «لِيُصَلِّحَ لَهُ



أمره في ليلته» خدایک شبیه درست می کند؛ یعنی با یک فرمول می گویی حالا حالاها نمی آید، ولی با یک فرمول حله. آقا شن های طیبس چند ساعته حل کرد قصه آمریکارا؟! قارون چند دقیقه کشید رفت زیر خاک؟! فرعون چند لحظه شد غرق شد؟! ابابیل چند لحظه شد شهر را زیر و رو کرد؟! در قوم لوط چند لحظه شد شهرشان زیر و رو شد؟! مگر خدا زمان می خواهد؟! بله، این شرایط هست، اما خدا می تواند همه کارها را در هم بیچند.

معنای انتظار چیست؟ این معنای انتظار را هم خدمتتان بگویم. من این را از مرحوم مطهری شنیدم، توی یک سفری که در ماشین در خدمت بودیم، ایشان هم از مرحوم راشد. راشد دانشمندی بود در زمان شاه، توراوی صحبت می کرد، صحبت هایش هم صحبت های خوبی بود. مطهری می گفت: راشد مثلش را زده، این قصه از مطهری، مطهری از راشد است. بیان

دین

شماره ۱۰۴۸ | دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱

صداقت

آیه

خدا به کافران لطف دارد؟



محمدرضا قضایی

کارشناس علوم اسلامی

همیشه از خودمان پرسیده ایم چرا وقتی خداوند خود را حامی و پشتیبان مسلمانان و سرکوب کننده کفار و مشرکان دانسته، باز هم مسلمانان در برخی جنگ ها و مبارزات مادی و معنوی شکست می خورند و به عقب رانده می شوند؟ یا وقتی خداوند کافران و منافقان را ضعیف و ناتوان دانسته، پس چرا قدرت آنان گاهی بیشتر از مسلمانان شده

و می شود؟ خداوند در آیه ای می فرماید: «ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدُ الْكَافِرِينَ»؛ سرنوشته (مؤمنان و کافران)، همان بود (که دیدید) و خداوند سست کننده توطئه کافران است. (انفال/۱۸) علی بن ابراهیم می گوید: «وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدُ الْكَافِرِينَ»؛ یعنی تضعیف کننده توطئه و حيله و فریب آسان است. (تفسیر اهل بیت (ع)، ج ۵، ص ۵۱۰)

در حالی که گاهی این تضعیف را نمی بینیم. دلیل این تضعیف نشدن فقط یک چیز است. آنکه تنها جایی که کافران قدرت پیدا می کنند، آنجایی بوده که مسلمانان با تمام وجود و توان پای کار خدا و دینش نبودند. وقتی خداوند این صداقت نداشتن را می بیند، کمک خود را دروغ می کند، آن هم برای رشد و تربیت مسلمانان، نه برای تضعیفشان. اگر جواب این سؤال را می خواهیم، کافی است به آیه ۱۹ سوره انفال توجه کنیم. خداوند در این آیه می فرماید: «اگر شما فتح و پیروزی می خواهید، پیروزی به سراغ شما آمد و اگر (از مخالفت پیامبر) خودداری کنید، برای شما بهتر است و اگر (به مخالفت) بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت و (بدانید) جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از باری خدا) بی نیاز نخواهد کرد و خداوند با مؤمنان است.» حالا فهم آیه قبل آسان شد. خداوند همچنین در آیات بعد موضوع را فاش تر بیان می فرماید و می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و از فرمان او سرپیچی ننمایید در حالی که [سختن او را] می شنوید و همانند کسانی نباشید که می گفتند: شنیدیم، ولسی در حقیقت نمی شنیدند.» (انفال/۲۱ و ۲۰) مسلمانان در تمام دورانی که رسول خدا (ص) کنار آنان بود، مستقیم مورد فضل و رحمت و یاری خداوند بودند، مگر آن زمان که از خداوند روی گرداندند و سخنان او را نشنیده گرفتند. خداوند ابایی ندارد از اینکه مستقیم و آشکار به بندگان خود کمک کند؛ اما وقتی از خدا روی گردان باشند، خداوند هم کمک و یاری خود را دریغ می کند. در قرآن تعدادی از این کمک رسانی ها ذکر شده است. شکست دشمن با طوفان هایی که خداوند ایجاد می کرد، فرشتگانی که در جنگ بدر به کمک مسلمانان فرستاد، قدرت دادن به علی (ع) در جنگ خیبر، در ماجرای صلح حدیبیه و بسیاری موارد دیگر صورت می گرفت. در مقابل وقتی برخی مسلمانان در جنگ احد برای جمع آوری غنیمت جنگ را رها کردند، خداوند کمکش را دریغ کرد که اگر این کار را انجام نمی داد، عبرت و پشیمانی بعد از جنگ و تصمیم برای اصلاح رفتار صورت نمی گرفت. خداوند با کسی عقد اخوت نخوانده که در هر حال کمک حال او باشد و مدام منت او را بکشد. محبتی که خداوند به بندگان دارد، در بهترین مسیر است؛ زیرا مهر او به قصد تربیت است و قهر او نیز به قصد تربیت. خداوند در آیات ۳۳ و ۳۸ هم از استغفار و پشیمانی بندگان خود استقبال می کند و آنان را می بخشد و آن را امتیازی برای بندگان خود می داند. پس برای قدرتمند شدن باید فقط به خداوند اتکا و اعتماد کرد.

مکتب

همراهی اخلاق و سیاست در مکتب اهل بیت (ع)



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

سیاست با اخلاق نمی ماند. به عبارتی، وقتی جامعه را نتیجه گرد آمدن انسان های متخلق به اخلاق بدانیم، دیگر از جدایی سیاست و اخلاق دم نمی زنیم و برعکس اگر جامعه را جنگلی بزرگ تصور کنیم، مدام از مزاحمت اخلاق برای سیاست صحبت می کنیم که در صورت دوم همه چیز زیر سؤال می رود.

«سیاست» مفهومی عرفی دارد که تقریباً با نوعی شیطنت آمیخته است. طبق این معنا، سیاستمداران کسانی هستند که برای رسیدن به هدف خود فریب کاری می کنند و به کارهای مخفیانه دست می زنند؛ اما در اصطلاح سیاست مفهوم آن به مدیریت بسیار نزدیک است. بر اساس این معنا، سیاست نیز به سیاست خوب و بد تقسیم می شود که این خوبی و بدی به وجود نبود اخلاق در تدبیر امور بستگی دارد. بحث همراهی اخلاق با سیاست قدمتی به اندازه حضور انسان در کره خاکی دارد و فلاسفه نیز سال ها درباره آن صحبت کردند و کتابها نوشتند. جالب آنکه تمام فلاسفه روم باستان و اندیشمندان هزاره های قبل حتی زرتشت به این همراهی اذعان داشتند؛ اما در سده های قبل فیلسوفانی آمدند که به طریقی خواستند این همراهی را زیر سؤال ببرند. در طول تاریخ، پیامبر اسلام (ص) تنها کسی بود که تلفیق سیاست و اخلاق را در نظر و عمل ثابت کرد و همه انسان ها را به رعایت اخلاق در مواجهه با

دیگر انسان ها، به ویژه اهل سیاست امر کرد؛ ایشان برای اثبات این نظریه به سال ها حکومت داری نیاز نداشتند؛ زیرا کمترین زمان برای اثبات آن کافی بود. چه آنکه قدرت عمل کردن از سخن گفتن بیشتر است و رسول خدا (ص) در مدت کوتاهی آن را اثبات فرمودند. پس از رحلت ایشان وقتی اهل سیاست به سخنانش عمل نکردند، سیاهبختی و گرفتاری را برای مسلمانان به ارمان آوردند، آنها نتوانستند دین اسلام را به میل خود تغییر داده و به مردم معرفی کنند؛ زیرا با مقاومت ائمه اطهار (ع) مواجه شدند، ولی بار دیگر از همان روش نخب نماز قبل که مردان سیاست را از مردان اخلاق جدا می کرد، استفاده کردند تا مردم را قانع کنند اهل بیت (ع) نباید در امور سیاسی دخالت کنند، زیرا آنان مردان اخلاق هستند و در سیاست اخلاق جایگاهی ندارد.

قرآن و سخنان اهل بیت (ع) مملو از دلایلی است که به ما این اصل مهم را اثبات می کند. حکومت های صالح و حکومت های ناصالح در طول تاریخ خودشان بر این اصل اذعان داشته و نشان دادند که بی اخلاقی در سیاست ورزی ها موجب نابودی جوامع می شود، البته تفاوت میان اسامی حکومت ها نیست؛ بلکه عمل به آن مهم است. به عبارتی وقتی مسیر حکومت داری را در گذشته می بینیم، می فهمیم هر جا اخلاق در کنار سیاست نبوده، فاجعه آفریده است. البته در این بررسی نباید به یک دوره متوقف شد و مسیری

از شکل گیری حکومت ها و ادامه راهشان و نتیجه راهی که انتخاب کردند، باید دیده شود. در نهج البلاغه نیز به وفور می توانیم تأکید و اصرار امیر مؤمنان علی (ع) به این همراهی را ببینیم. نامه ایشان به مالک اشتر شاخص ترین سخنان است و در دیگر خطبه ها که به رویه غلط حکومت های قبل و همچنین دوره خلافت عثمان اشاره دارد نیز این موضوع قابل مشاهده است. ما در زیارت «جامعه کبیره» هم این معنی (ع) را «ساسة العباد» می خوانیم. «ساسة» جمع «سائس» از ماده «سسیس» به معنای مدیران جامعه است. ساسة العباد، یعنی سیاستمداران، سیاستگران یا سیاست ورزان جامعه. البته باید بگویم تنها انمه (ع) را مردان سیاست می دانیم و کسانی که در طریق دین و اهل بیت (ع) قدم برداشتند. اگر با این استدلال پیش برویم حضور فقیه را در رأس حکومت لازم می بینیم؛ زیرا کسی جز فقیه جامع شرایط نمی تواند از سیاست و اخلاق هر دو در کنار هم و با تمام ظرفیت استفاده کند. همه علمای مکتب ما نیز به این اصل اذعان داشته و در کتاب های شان بر آن تأکید کرده اند. ظالمان تاریخ هم مانند همیشه سعی دارند این دو امر مهم را از یکدیگر جدا کنند تا سلطه شان را بیشتر کنند. سیاستمداران در عمل و مردم در مشاهده و مقایسه حکومت های دینی و اخلاقی با دیگر حکومت ها باید به این موضوع بنگرند و سعادت واقعی را در همراهی اخلاق و سیاست ببینند.

سلوک

دوری از گناه

آیت الله شیخ علی مشکینی: تا می توانید از گناهان پرهیز کنید. گناه را بشناسید؛ ثواب را بشناسید؛ مورد رضایت خدا را بفهمید که از چه کاری راضی است و مورد غضب خدا را هم بفهمید. روزی یک قبای نوی پوشیده بودم. استاد من نگاه کرد و گفت: «فلانی! یک دعایی برای تو بکنم، ان شاء الله در این لباس از تو گناه صادر نشود.» در یک خانه ای وارد می شوی، [بگو]: خدایا! در این خانه از من گناه صادر نشود. خدا فرزندی به شما داده است، [بگو]: خدایا! من درباره این فرزند گناه نکنم؛ این نعمت است که به من دادی؛ به وسیله آن من گناه نکنم.



احکام

خمس برای زن خانه دار

پرسش: من زنی خانه دار هستم و همسر سال خمسی دارد و خمس اموال خود را می پردازد، اما من نیز گاهی درآمدی دارم، آیا می توانم برای خود سال خمسی به منظور پرداخت خمس قرار دهم و ابتدای آن را زمان دست یابی به اولین سودی که خمس آن را نداده ام، قرار دهم و در پایان سال خمس باقی مانده را بعد از کم کردن مؤونه بپردازم؟ آیا به آنچه در طول سال خرج زیارت، هدیه و مانند آن کرده ام، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: بر شما واجب است که زمان دستیابی به اولین درآمد سال را ابتدای سال خمسی خود قرار دهید و هر چه را در طول سال از منفعت کسب خرج مصارف شخصی خود از قبیل آنچه ذکر کرده اید، می کنید، خمس ندارد و هر چه از منفعت کسب سال، از مؤونه و مخارج سالانه تان تا سر سال زیاد بیاید، واجب است که خمس آن را بپردازید.

اجوبه الاستفتانات، س ۹۹۹

راهنا

مردم سالاری دینی

حجت الاسلام سیدسجاد ایزدی: با وجود اینکه در مبانی فقهی، رأی و نظر مردم در تعیین سرنوشت خویش، مورد عنایت قرار گرفته است؛ اما پذیرش نقش مردم در نظام اسلامی عنصری مشروعیت بخش تلقی نشده، بلکه همواره ذیل بحث ولایت مورد بحث قرار گرفته است. با وجود این، جایگاهی ممتاز برای مردم در انتخابات به مثابه برترین عنصر مشارکت سیاسی وجود دارد و بر این اساس مردم در فرآیند انتخابات می توانند اموری، چون جلوگیری از استبداد، فعالیت بخشی به نظام سیاسی، ایجاد نقش در ساختار نظام سیاسی و تعیین شکل نظام سیاسی، کارآمدسازی حکومت دینی و انتخاب کارگزاران صالح را تضمین کنند.



یادداشت

تحولات تجاری در دولت سیزدهم

هریوک یارنجانیان

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و ارمنستان



اینکه بتوانیم به یکباره وارد بازاری شده و بخشی از آن بازار را تصاحب کنیم، اگر چه ممکن است در حرف ساده باشد، اما در عمل کار بسیار سختی به شمار می‌رود. عموماً وقتی بازاری در اختیار کشوری قرار گرفت و کالایی توانست به بازار آن کشور راه پیدا کند، ورود کالاهای جدید به آن بازار کار بسیار سختی است؛ لذا اینکه شما بتوانید کالاهای کشور خودتان را به کشور مقصد معرفی و به اصطلاح بازار جدیدی را برای محصولات خود ایجاد کنید، نیازمند انجام یک سری عملیات ویژه و اقدامات خاص است.

از جمله این اقدامات این است که باید کالاهای تان را در نمایشگاه‌های برگزار شده در این کشورها عرضه کنید، در گام بعدی باید بتوانید در دوره‌هایی که در این کشورها، نمایشگاه برگزار می‌شود از برندهایی که در آن کشورها موثر هستند، دعوت کنید تا در نمایشگاه‌های برگزار شده حضور پیدا کنند. امروز کیفیت و قیمت بسیاری از محصولات غذایی ما با برندها و محصولات اروپایی قابل رقابت است؛ اما مصرف‌کننده‌ای که در بازار ارمنستان یا کشورهای اوراسیا وجود دارد، شاید به سادگی این موضوع را نپذیرد؛ لذا باید بتوانیم محصول خودمان را به او معرفی و انگیزه‌های لازم را برای مصرف محصولات ایرانی در مصرف‌کننده ایجاد کنیم.

در همین ماه‌های گذشته، تغییر رویه دولت جدید نسبت به گذشته منجر به افزایش میزان صادرات کالاهای ایرانی به ارمنستان شده است؛ به گونه‌ای که استفاده از کالاهای محصولات ایرانی برای آنها پررنگ‌تر شده و ایران با پیشی گرفتن از ترکیه از مقام چهارم به مقام سوم در تأمین کالاهای مورد نیاز این کشور رسیده است. امروز بیشترین واردات ارمنستان بعد از روسیه و چین از ایران است. موضوعی که با ممارست‌های بازرگانی و حمایت‌های دولتی صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که طی یک سال گذشته توانستیم میزان صادرات‌مان به ارمنستان را ۲۰ درصد افزایش دهیم؛ چنانچه در حال حاضر، صادرات ما به این کشور حدود نیم میلیارد دلار است. در اقتصاد قانون نانوشته‌ای وجود دارد که وقتی مصرف‌کننده به مصرف کالایی عادت کرده و به اصطلاح مشتری آن کالا می‌شود، تغییر سبب مصرف‌کننده این محصول خیلی سخت است. اینکه ما توانستیم در عرض یک سال، صادرات غیر نفتی‌مان به این کشور را ۲۰ درصد افزایش دهیم، به این معناست که کالاهای خودمان را جایگزین میزان ۲۰ درصد از کالاهای قبلی کرده‌ایم که این اتفاق به معنای موفقیتی بزرگ است؛ لذا اگر بتوانیم این روند را ادامه دهیم، قطعاً باید رکوردهای جدیدی را در میزان صادرات به ارمنستان کسب کنیم. حداقل صادرات ما به ارمنستان باید چیزی حدود یک میلیارد دلار باشد؛ چرا که ارزش بازار این کشور حدود پنج میلیارد دلار است که سهم ما از بازار ۵ میلیارد دلاری این کشور حداقل باید ۱ میلیارد دلار، یعنی ۲۰ درصد از مجموع بازار این کشور باشد. به هر حال اقتصاد دنیا از نظر برندسازی، رشد قابل توجهی داشته است. بنابراین، اگر ما بتوانیم شرکت‌های ایرانی را در قالب کنسرسیوم وارد کشور ارمنستان یا کشورهای حوزه اوراسیا کنیم، بدون شک موفق خواهیم بود.

معاون اسبق دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

نظام یارانهای مانع افزایش صادرات

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد



آقای دکتر! منتقدان عملکرد دیپلماسی اقتصادی در دولت گذشته معتقدند یکی از دلایل ضعف دستگاه دیپلماسی اقتصادی ایران را می‌توان سهم حدود ۲ درصدی ما از بازار ۱۲۰۰ میلیارد دلاری کشورهای همسایه دانست. در حالی که ظرفیت صادرات ما به کشورهای همسایه به مراتب بیشتر است.

ببینید باید یک موضوعی را در نظر گرفت. اگر بخواهیم صادرات‌مان را به صورت محسوس افزایش دهیم، در کشور چیزی برای خوردن پیدا نمی‌شود؛ چرا که ما به همه کالاها یا حداقل بخش قابل توجهی از کالاها سوسید می‌دهیم؛ لذا اگر ما مرزها را باز کنیم، ممکن است همه کالاها به خارج از کشور صادر شوند.

یعنی واقعا راهکاری در این باره وجود ندارد؟ به نظر شما راه حل ساده است باید مقیاس تولید را افزایش دهیم.

راهکار حذف یارانه از اقتصاد ایران است تا تولید مقرون به صرفه‌تر و بازار آزادتر شود. ما در حال حاضر جلوی افزایش قیمت‌ها را گرفته‌ایم و اجازه نمی‌دهیم مرغ یا روغن قیمت واقعی خودش را داشته باشد؛ چون به همه آنها یارانه می‌دهیم. ما امروز بزرگترین تولیدکننده دارو هستیم و می‌توانیم به بزرگترین تولیدکننده دارو در منطقه تبدیل شویم، اما چرا نمی‌شود؟ چون در ارزش تخصصی برای دارو یارانه قابل شده‌ایم و اجازه نمی‌دهیم دارو پس از تولید با قیمت واقعی خودش فروخته شود؛ چون اجازه نمی‌دهیم با قیمت واقعی خودش فروخته شود، پس تولید دارو به صرفه نیست! افزایش مقیاس تولیدی هم که شما می‌گویید فقط در این حالت رخ خواهد داد؛ یعنی تا نظام یارانهای را اصلاح نکنیم، اتفاقی در افزایش مقیاس تولید نیز رخ نمی‌دهد.

یکی از سؤالاتی که در ذهن بسیاری از مردم عادی نقش بسته، این است که آیا تجار ایرانی می‌توانند کالاهای شان را در بازار کشورهای بزرگی مانند چین، هند و روسیه به فروش برسانند؟ می‌خواهم بدون تعارف به عنوان کسی که سالها در وزارت امور خارجه پست‌های مسئولیت‌های مهمی، چون سفیر و معاونت اقتصادی وزارتخانه را بر عهده داشتید، به این پرسش پاسخ دهید.

خیلی صریح می‌گویم، ظرفیت‌های صادراتی کشور ما در چین، هند و روسیه بدون محدودیت است. کالاهای ایرانی اعم از کشاورزی، شیلات و دامداری به هر کشوری وارد شود، بازار آن کشور را تسخیر می‌کند. اگر امروز ناکامی مشاهده می‌کنید از قوانین خودمان

است؛ وگرنه خواست آنها استقبال از کالاهای ایرانی است. چون کالای ایرانی هم کیفیت خوبی دارد و هم سلامتش تضمین شده است. نکته مهم درباره کالاهای ایرانی قیمت آن است که قابل رقابت با کالاهای خارجی است. برای نمونه، نگاه بیشتر کشورهای همسایه به ایران و کالاهای ایرانی مثبت است؛ اما نکته مهم در صادرات، ظرفیت‌ها و سازوکارهای صادراتی ماست که به نظر بسیار ضعیف است. شاید پرسید چرا ظرفیت صادراتی ما این قدر ضعیف است؟ چون ما چند سالی است که به دلیل قطع فروش و صادرات نفت، به فکر صادرات افتاده‌ایم. ما در گذشته، کشور صادرکننده‌ای نبودیم. در واقع تحریم نفت باعث شد به سمت صادرات برویم. واقعیت این است که صادرات در کشور ما پدیده‌ای جدید است. ما در گذشته به تولیدکننده خارجی یارانه می‌دادیم و کالایش را وارد می‌کردیم؛ چون نفت داشتیم و واردات با سوسید برای یک ایرانی روال بوده است. از طرفی تولید داخلی نیز به صرفه نبود. همین چند سال پیش، وقتی ترکیه و روسیه با هم درگیر شدند و این درگیری منجر به تحریم ترکیه از سوی روس‌ها شد، روس‌ها به ما اعلام کردند که هر چه برای صادرات دارد، ما خریداریم. حتماً اطلاع دارید که روسیه دارای بازار بسیار ثروتمندی است و برای کالاهای صادراتی مقصد بسیار مطلوبی به شمار می‌رود؛ اما با وجود استقبال روس‌ها نتوانستیم از این فرصت بسیار بزرگ استفاده کنیم و فرصت به این خوبی را از دست دادیم.

چرا نتوانستیم؟

روسیه چیزی با عنوان «کانال سبز» دارد. در آن مقطع، آنها به ما اعلام کردند تمام کالاهای ایرانی را در کانال سبز قرار می‌دهند. ما نتوانستیم همان زمان، مقداری لبنیات، پنیر، کره، خامه و چند کالای دیگر را از طریق کانال سبز به کشورشان صادر کنیم، اما آنها تقاضا داشتند ما همین روند صادرات کالا را با شیب تندتری ادامه دهیم و کالاهایی را هم اضافه کنیم؛ اما نتوانستیم، چرا که کالایی برای صادرات نداشتیم. آنچه امروز به عنوان نهضت تولید در جامعه مشاهده می‌کنید، متعلق به دو سال اخیر است. از سوی دیگر مسائلی داریم که خودش ضد تولید است. مانند قیمت‌گذاری که اجازه نمی‌دهد تولید نفس بکشد، لذا طبیعی بود آن زمان کالایی برای صادرات نداشته باشیم که به روسیه صادر کنیم.

از سوی مقامات دولتی تلاش خاصی برای صادرات به روسیه صورت گرفت؟

درباره موقعیتی که در روسیه پیش آمد، باید بگویم، ما اصلاً کاری نکردیم و این فرصت خود به خود پیش آمد. روس‌ها با ترک‌ها درگیر شدند و به همین دلیل همه کالاهای ایرانی را وارد کانال سبز کردند. اواخر سال ۱۳۹۹ اتفاق مشابهی برای کشور ارمنستان در قبال ما افتاد. آنها اعلام کردند، ایران هر چه می‌خواهد می‌تواند به ما صادر کند؛ اما باز نتوانستیم کاری کنیم. اجازه دهید تا درباره موضوعی مشابه، خاطره‌ای را برای تان تعریف کنم. دو سال پیش بود که یک روز به ما اطلاع دادند تولید سیب ایران بسیار زیاد شده است. ما از خواستند کمک کنیم تا سیب ایران به هند صادر شود. سیب ایران در هند، مشتری زیادی دارد و به قول معروف، تمام رقبای خودش را به دلیل خوشمزگی و کیفیت بالایش پشت سر می‌گذارد. در حالی که اگر به هند سفر کرده باشید، سیب‌های موجود در بازار هند، عمدتاً مصنوعی، فاقد خاصیت، بو مزه بوده و فقط از نظر ظاهری زیبا هستند. لذا هندی‌ها، سیب ایرانی را به دلیل ویژگی‌هایی که گفتم خیلی دوست دارند. همان طور که می‌دانید یکی از بزرگترین مراکز تولید سیب ایران، استان آذربایجان غربی است. من زمانی در آذربایجان غربی معاون استاندار بودم، بنابراین آذربایجان غربی را به خوبی می‌شناختم. با نماینده مجلس و استاندار آنجا صحبت کردم و از آنها خواستم که این کار را سازمان‌دهی کنند تا بتوانیم با همکاری هم، سیب آذربایجان غربی را به هند صادر کنیم. با سفر هند هم صحبت کردم. در هند همه موافق بودند و چند واردکننده بزرگ هندی هم اعلام آمادگی کرده بودند. خلاصه وقتی کار به مرحله عملیات و نهایی شدن رسید، به نتیجه نرسید؛ می‌دانید چرا؟ چون آن طرف دو تاجر هندی بودند که کل سیب آذربایجان ایران را می‌خواستند و در ایران هزار صادرکننده وجود داشت؛ لذا اصولاً انجام چنین معامله‌ای عملی نبود. جالب است بدانید آن زمان در آذربایجان هر صادرکننده چند کانتینر سیب داشت که اتفاقاً از نظر

بسته‌بندی هم آماده نبود. در پایان کار هم ما نتوانستیم هیچ سیبی به هند صادر کنیم. در حالی که کشور ما از بزرگترین تولیدکنندگان سیب، کیوی و پرتقال جهان است. اینها ضعف است و اگر می‌خواهیم به عنوان یک صادرکننده ما را بشناسند، باید این نواقص را اصلاح کنیم.

اتفاقی مشابه روسیه در قطر نیز برای ما رخ داد. چرا در ماجرای صادرات به قطر موفق نبودیم؟

دقیقاً در قطر هم مانند روسیه ناکام بودیم. وقتی قطر از سوی عربستان سعودی محاصره اقتصادی شد، قطری‌ها به ما اعلام کردند هر چه کالا دارید برای ما ارسال کنید، ما خریداریم؛ اما متأسفانه نتوانستیم خواسته آنها را اجرا کنیم. دلیل اصلی نیز ضعف زیرساخت‌های ما بود. ما در عمل، کشتی و کامیون یخچال‌دار نداشتیم. گمرک آماده این کار نبود. حتی ظرفیت بندرمان هم آمادگی صادرات کالا به قطر را نداشت. خلاصه وضعیت عجیبی داشتیم.

ما غفلت کردیم و ترکیه هم چند روزه جای ما را گرفت!

بله، اتفاق ترکیه بلافاصله از کانال ما صادرات به قطر را شروع کرد. از مسیرهای زمینی، هوایی، از طریق عراق و حتی مسیر ایران.

این موضوع را آسیب‌شناسی نکردید تا بفهمید مشکل کجاست؟ چرا ما نمی‌توانیم از چنین فرصت‌های بکری استفاده کنیم؟

بخش خصوصی ترکیه بسیار قوی است، اما در ایران ما در واقع بخش خصوصی را از بین برده‌ایم. قسمت اعظمی از درآمد ترکیه متعلق به صادرات این کشور است. ترک‌ها سال‌هاست در حوزه تجارت و صادرات کار کرده‌اند و معلوم است که باید ثمره‌اش را هم ببینند.

خب شرکت‌های ترک که از ابتدا اینقدر قوی نبودند.

ساختار اقتصادی در ترکیه به شکلی طراحی شده که فعالان اقتصادی بخش خصوصی بعد از مدتی می‌توانند رشد کنند. بعد از آن هم شرکت‌های خصوصی دیگر نتوانستند با بگیرند. در کشور ما وقتی یک شرکت خیلی بزرگ می‌شود، یا از سوءاستفاده بانکی‌اش پرده برداری می‌شود یا مشخص می‌شود که وام بزرگی گرفته و پس نداده یا به هر حال یک داستانی برایش درست می‌شود. لذا ساختار اقتصادی ایران و ترکیه با هم قابل مقایسه نیست. معتقدم تا ساختار اقتصادی ایران تغییر نکند، نمی‌توان به موفقیت در تجارت خارجی دست یافت.



افزوده

مارکت کپ چیست؟

«ارزش بازار» یا «Market cap» به ارزش معاملاتی سهام یک شرکت یا بازار اشاره داشته و عاملی تعیین‌کننده در ارزش‌گذاری سهام ببه شمار می‌آید. بررسی این معیار برای سرمایه‌گذاران تصویری ایجاد می‌کند که از آینده یک سهم و قیمت آن در بازار چه انتظاری داشته باشند. همچنین ارزش بازار شاخصی برای بررسی یک سهم، کوین یا دارایی قابل معامله است. در واقع، ارزش بازار ثابت می‌کند قیمت یک سهم مهم‌ترین عامل برای خرید آن نیست؛ بلکه تنها یکی از مهم‌ترین عوامل است! واقعیت ماجرا این است که هنگام خرید یک سهم، بررسی ارزش بازار به اندازه قیمت آن اهمیت دارد.



شاخص

قرارداد ۱۱۰ میلیون یورویی

به گزارش رویترز، شرکت‌های دولتی ایرانی برای تعمیر بزرگترین پالایشگاه نفتی ونزویلا با ظرفیت ۹۵۵ هزار بشکه در روز آماده شده‌اند. این قرارداد، روابط انرژی دو کشور را عمیق‌تر خواهد کرد و راه نجاتی برای صنعت نفت آسیب دیده ونزویلاست. بر این اساس، یک واحد شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران قرارداد ۱۱۰ میلیون یورویی با شرکت ملی نفت ونزویلا برای تعمیر و توسعه پالایشگاه ۱۴۶ هزار بشکه‌ای «آل پالیتو» در مرکز این کشور امضا کرده است. به گفته منابع آگاه، پروژه بعدی مجتمع پاراگواناست که دو پالایشگاه دارد و در میان بزرگترین پالایشگاه‌های جهان است.

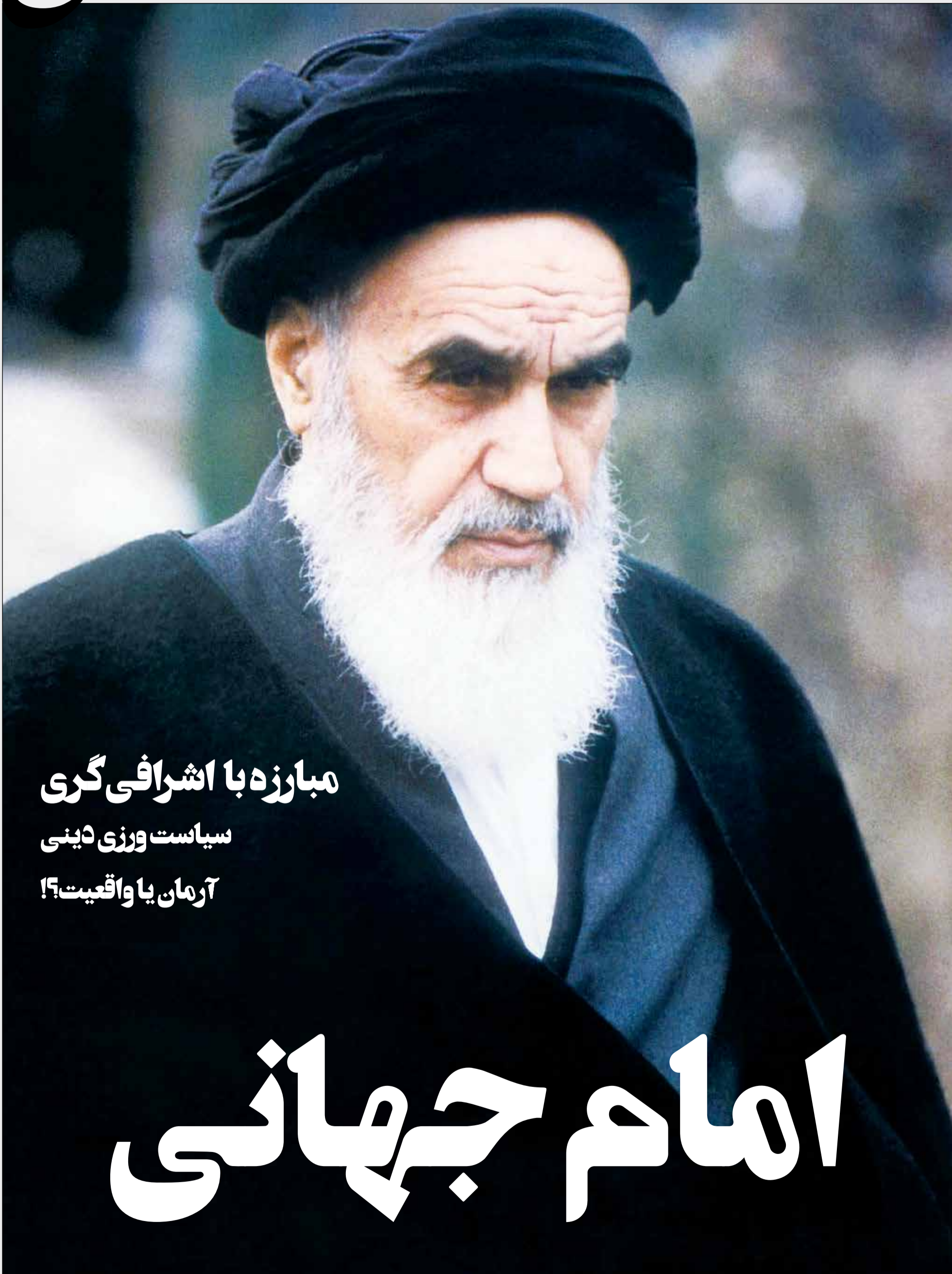


منهای نفت

مزیت‌های نسبی

روتق تولید ملی با هدف ایجاد بستر مناسب برای کسب درآمدهای پایدار، به‌ویژه مالیات بسر ارزش افزوده می‌تواند مقدمات تغییر ساختار اقتصاد ایران از یک اقتصاد نفتی به یک اقتصاد مولد را فراهم آورد. توسعه صنایع تبدیلی نفت به منظور ممانعت از خام‌فروشی و تبدیل آن به مواد با ارزش افزوده بیشتر را می‌توان یکی از اقدامات مهم دولت دانست. در این میان، استفاده از مزیت‌های نسبی از اهمیت بالایی برخوردار است و هیچ کشوری نمی‌تواند بدون دارا بودن مزیت‌های نسبی پیشرفت کند؛ از این رو صادرات در هر کشوری براساس مزیت‌های نسبی و رقابتی آن کشور شکل می‌گیرد.





مبارزه با اشرافی گری

سیاست ورزی دینی

آرمان یا واقعیت؟!

امام جهانی



چهل و اندی سال از پیروزی انقلاب و برپایی نظام جمهوری اسلامی به رهبری معمار کبیر انقلاب می‌گذرد؛ اما هنوز محور اصلی تبلیغات خشم‌آلود دشمنان انقلاب و نظام اسلامی ایران، دشمنی با امام، آرمان‌ها و مکتب سیاسی ایشان است. دشمنان انقلاب مهم‌ترین هدف خود را حتی پس از گذشت چهل و اندی سال از پیروزی انقلاب این قرار داده‌اند که با هزاران ساعت برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون و فضای مجازی از سوی محافل صهیونیستی و استکباری، شخصیت امام خمینی (ره) و انقلابی را که به رهبری ایشان به پیروزی رسید و مثنی بر دهان آنان شد، زیر سؤال ببرند. البته جز این چاره‌ای هم ندارند؛ زیرا عامل مهم تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پر افتخار خود، فلسفه سیاسی و مکتب سیاسی امام خمینی (ره) بوده است؛ مکتبی که با شاخصه‌های منحصر به فرد از اشرافی‌گری و اختلاف طبقاتی ابرازانزجاری می‌کند. برای بررسی بیشتر شاخصه‌های این مکتب نظری و عملی با دکتر غلامرضا خواجه سروی، استاد دانشگاه و کارشناس سیاسی به گفت‌وگو نشستیم.

شاخصه‌های مکتب سیاسی حضرت امام (ره) از منظر شما چیست؟

اولین شاخصه مکتب امام بحث خدامحوری و توحیدمحوری آن است که به مثابه مهم‌ترین شاخصه این مکتب مطرح است؛ این شاخصه به منزله زیربنایی مهم برای سایر ویژگی‌ها و شاخصه‌های این مکتب سیاسی مطرح است و به عبارتی شاکله همه ابعاد مکتب سیاسی امام است و بقیه شاخصه‌ها به نوعی زیرمجموعه این شاخص هستند.

پس از خدامحوری، شاخصه بعدی مکتب امام (ره) بحث مردم‌محوری یا انسان‌محوری است، نکته مهم در

اینجا این است که حضرت امام (ره) انسانی را شاخص می‌دانند که در عرض خداوند قرار ندارد، بلکه در طول خداوند قرار دارد. این انسان ویژگی‌های خاصی دارد که مهم‌ترین آن ویژگی خلیفه خدا بودن به معنای جانشین خداوند بر روی زمین و مجری احکام الهی بر روی زمین و در حقیقت نمودی از سلسله‌مراتب آفرینش جهان است که این انسان به منزله محور بعدی قرار می‌گیرد. شاخصه بعدی که در این مقطع قابل مشاهده است، بحث مهم امامت‌محوری است که اینجا به مثابه یک شاخص بسیار مهم خود را نشان می‌دهد. این اصل بسیار مهم است؛ چرا که مکتب سیاسی امام خمینی (ره) به طور کلی ادامه مکتب سیاسی امامان معصوم در عصر غیبت است. بنابراین این هم شاخص بسیار مهمی است که محوریت داشته و در این مکتب قابل مشاهده است.

یکی دیگر از شاخصه‌های سیاسی مکتب حضرت امام (ره) بحث مهم صغبنندی یا ترسیم مرز بین کسانی است که این مکتب را به طور کلی می‌پذیرند و کسانی که با این مکتب دشمنی می‌کنند و در جبهه برانداز قرار می‌گیرند. این مرزبندی از لحاظ مکتب سیاسی و گروه‌ها و افسراد و به طور کلی جریان‌های سیاسی که این مکتب را می‌پذیرند، کاملاً مشاهده می‌شود و لو اینکه از لحاظ مبانی و اعتقادی هم این مکتب را نتوانند قبول کنند؛ با دشمنان این مکتب مرزبندی دارند.

شاخصه دیگر مکتب سیاسی امام خمینی (ره) بر اساس مواردی که تاکنون عنوان شد جذب حداکثری و دفع حداقلی تمامی کسانی است که دل در گرو توحید و حفظ منافع انسان‌ها دارند. در حقیقت این بیان دیگری از آیه شریفه قرآن است که یکی از ویژگی‌های پیامبر اسلام را «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» تلقی می‌کند که اینجا و در این مکتب سیاسی هم نمود آن را می‌بینیم. یکی دیگر از شاخصه‌های مکتب امام خمینی (ره) نبود هیچ‌گونه فاصله‌ای بین مردم و نظام امامت است که نظام امامت بر دوش مردم استوار بوده و لذا فاصله‌ای بین این دو به طور کلی نقض می‌شود و در حقیقت آنچه در اینجا به منزله ولایت فقیه مطرح می‌شود، تداعی‌کننده همین شاخصه است. شاخصه دیگر مکتب ولایت فقیه



نشاندن ولی فقیه به جای امامت در عصر غیبت است و در حقیقت قرار دادن آن به مثابه ابزاری مهم برای اجرای اصل امامت در عصر غیبت امام معصوم و همچنین مجری قرار دادن ولی فقیه برای اجرای احکام الهی است. یکی دیگر از ویژگی‌های سیاسی مکتب امام خمینی (ره) اختیارات سیاسی فوق‌العاده‌ای است که در این مکتب ولی فقیه در عصر غیبت پیدا می‌کند و همه اختیاراتی که رسول خدا و امام معصوم دارند، ولی فقیه در عصر غیبت از آن برخوردار می‌شود تا بتواند با این قدرت فوق‌العاده و تمام عیار تمامی احکام الهی را اجرا کند. بنابراین، در این مکتب ما از طرف خدا این توفیق را داریم و از طرف دیگر مردم را داریم که این مردم تعریف خاص خودشان را دارند. بنابراین تمام تلاش این مکتب این است که نظامی براساس توحیدمحوری و خدامحوری روی کار می‌آید هم ایجاد و هم بقایش بر دوش مردمی قرار داشته باشد که آن را می‌پذیرند و به پای آن ایستاده‌اند. این مسائل در مکتب حضرت امام قابل مشاهده است. یکی دیگر از شاخصه‌های مهم دیگر پویایی این مکتب در تمامی عصرها و زمان‌ها و توقف نداشتن آن و عدم بن بست در این مکتب سیاسی است که مرتبه بسیار مهمی است

فرمودید یکی از شاخصه‌های مهم مکتب امام (ره) «مردمی بودن» آن و شاخصه مهم دیگر «ولایت فقیه» است که مخالف اشرافی‌گری است. نقش این بینش متعالی را در جلوگیری از اشرافی‌گری مسئولان و سایر مردم چطور ارزیابی می‌کنید؟

مسائل گفته شده نشان می‌دهد، در مکتب امام خمینی (ره) عملاً نباید فاصله‌ای بین حاکمان و مردم وجود داشته باشد. وقتی می‌گوییم رابطه ولایت فقیه

در گفت‌وگو با غلامرضا خواجه سروی **سبک زندگی کارگزاران نظام اسلامی از منظر امام خمینی (ره) بررسی شد**

مبارزه با اشرافی‌گری

بسا مردم، یعنی ایسن یک رابطه مودت و دوستی و در حقیقت نزدیک بودن به یکدیگر است و بنابراین عملاً اشرافی‌گری و تظاهر به کلیه امور که این فاصله را ایجاد می‌کند، اینجا منتفی است. البته نکته ظریفی اینجا وجود دارد که سلسله‌مراتبی که در جامعه وجود دارد از بسبب تخصص و تعهد و پاداشی که مردم به سبب تلاش‌شان به دست می‌آورند که طبیعی هم است، اینها به این معنا نیست که اینها نباید وجود داشته باشد. طبیعتاً هر کسی که بیشتر تلاش کند، در این دنیا طبق آیات شریفه قرآن پاداش بیشتری را به دست خواهد آورد و آن چیزی است که هم طبق فرمایش قرآن و هم روال طبیعی دنیا اتفاق می‌افتد.

چیزی که اینجا نهی می‌شود و نباید وجود داشته باشد، این است که این اصل سلسله‌مراتب نباید موجب ایجاد اشرافی‌گری در یک جامعه اسلامی به مثابه پدیده‌ای شود که می‌تواند فاصله و طبقات اجتماعی کاذب ایجاد کند. با این تفکری که حضرت امام (ره) داشتند، این سلسله‌مراتب موضوع پذیرفته شده‌ای است؛ اما اشرافی‌گری که از ریشه بزرگی و فروشی و فخرفروشی است، عملاً اینجا جای ندارد؛ چون در اینجا همه بندگان خدا حساب می‌شوند و در این مکتب سیاسی به منزله مظهری از آفرینش الهی به حساب می‌آیند. اگر چه ممکن است جایگاه‌های گوناگونی داشته باشند؛ اما در نهایت در این مکتب هم چنین چیزی پذیرفته نیست. شاید این سؤال پیش بیاید که اگر نیست، چرا جامعه ما دچار این مسئله است؟ جواب آن این است که مکتب سیاسی امام خمینی (ره) و به ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی و آموزه‌های نظام جمهوری اسلامی که بر خاسته از این تفکر است، متأسفانه در جامعه ما هنوز پیاده نشده است. بنابراین هنوز مظاهر به جا مانده از نظام سلطنتی و طاغوت در جامعه ما وجود دارد؛ چرا که به هر حال جامعه ایران بیشتر از ۶ هزار سال تحت تسلط پادشاهان بوده و خیلی از بنیان‌های فرهنگی آن در این اعصار ایجاد شده است. بنابراین با این ۴۳ سال و این همه اتفاقات پیش آمده این تفکر خیلی ساری و جاری نشده است. آن چیزی که ما می‌بینیم تفاوت زیادی با تفکر حضرت امام دارد که باید برای تحقق آنها کام برداریم.

دکتر مهدی نژاد نوری **رشد علم و فناوری در سایه انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند**

ظهور دانشمندان ایرانی

مطرح است، علم نافع است، علم نافع علمی است که برای آسایش و آرامش و زندگی عادی و مادی بشر می‌تواند مفید باشد. حضرت علی (ع) در جلسه‌ای فرمود: «سلوئی قبل أن تقفونی»؛ یعنی از من بپرسید قبل از اینکه من از میان شما بروم. یکی پرسید آیا شما می‌دانید تعداد موهای ریش من چندتاست؟ حضرت پوزخندی زد و گفت من این را می‌دانم اما اگر بگویم چه سودی برایت دارد؟ این نشان می‌دهد که در اسلام هر علمی ارزشمند نیست و علم ارزشمند باید انسان را به راه درست هدایت کند، مشکلات زندگی‌اش را مرتفع کند و بتواند طبیعت را همانطور که خدا مقرر فرموده، مسخر خود کند و از آن بهره بگیرد.

امام (ره) با پیروزی انقلاب اسلامی این مبانی و مفاهیم را چه به طور مستقیم خودشان فرمودند و چه از طریق شخصیت‌هایی، مانند استاد مطهری، شهید بهشتی و شهید باهنر که به هر صورت اینها از اندیشمندان انقلاب اسلامی بودند و خود حضرت آقا که در آن زمان در صحنه بودند و در عرصه تبیین حرکت می‌کردند.

بعد از پیروزی انقلاب، اندکی نگذشت که درگیری‌های ضدانقلاب در کردستان و سیس جنگ با عراق شروع شد؛ در حالی که در ارتش ما بسیاری از مستشاران آمریکایی رفته بودند و نیروهای خودی مسلط نبودند و حتی گاهی نمی‌دانستند امکانات کجا دپو شده و چه چیزهایی داریم. تا مدت‌ها بعد که حضرت امام (ره) فرمودند چون کشور برای مقابله با جریان کمونیست تجهیز شده، باید سیستم‌های سلاحش بیشتر و پیشرفته‌تر باشد که سیس تجهیزاتی در زاغه‌ها و جاهای مختلف کشف شد. اما آن کمبودها و فشارها را ما چگونه پشت سر گذاشته‌ایم؟ با همین توسعه تجهیزات و امکانات با تکیه بر علم خودی، بنابراین، نهضتی

به نام نهضت خودکفایی در بین نیروهای مسلح شکل گرفت که همین قضیه سر رشته گسترش فعالیت‌های علمی در دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیق و توسعه شد و دیدیم که وقتی به پایان جنگ در سال ۱۳۶۸ رسیدیم، توانمندی‌های بسیار زیادی را کسب کرده بودیم. این کار یک اتفاق تصادفی نبود و هدایت‌ها و رهنمودها و رهبری‌های حضرت امام (ره) این را به زیر مجموعه القا کرد تا پای کار ایستادند. وصیت‌نامه حضرت امام (ره) را هم که نگاه کنید، یک فرازش همین است که شما تا وقتی دست‌گدایی به سمت شرق و غرب دراز کنید و به خودکفایی نرسید، هیچ وقت نمی‌توانید استقلال واقعی را به دست بیاورید، حتی در صنایع پیشرفته گاهی برخی نیروها را بفرستید برای یادگیری و برگردند. اینها کم کم به سمت دانشگاه‌ها کشیده شد و دانشگاه‌ها از لحاظ تعداد و رشته افزایش پیدا کرد و متنوع شدند و کارهای پژوهشی متنوعی انجام دادند.

تبیین مکتب امام و اندیشه‌های علمی و نظری چطور می‌تواند چراغ راه دستاوردهای علمی بشود؟

حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب دو نقش در عرصه علمی دارند: یکی اینکه خودشان حکیم و عالمد و نظریه دارند و این نظریه در رشته‌های تخصصی علوم انسانی و اندیشه‌های اسلامی کاملاً می‌تواند مورد پژوهش قرار بگیرد، مثلاً اقتصاد اسلام چیست؟ سیاست اسلام چیست؟ جهان‌بینی اسلام چیست؟ پس اینها به عنوان عالم برجسته اندیشه‌ها و تفکرانی دارند که می‌تواند مورد پژوهش اندیشمندان جهان قرار بگیرد.

دومین مورد اینکه به عنوان حاکم اسلامی مطالباتی دارند، رهنمودهایی دارند، تدابیری دارند که ما را هدایت می‌کنند در عرصه علم با سرعت و شتاب بالا حرکت کنیم. در قانون اساسی آمده است، سیاست‌های کلی باید مبنای قانون‌گذاری

قرار بگیرد. این سیاست‌های کلی را چه کسی باید تأیید کند؟ ولی فقیه، یعنی به واسطه قانون اینها که حاکم اسلامی هستند، وقتی که در عالی‌ترین سطح جهت‌گیری‌ها را تعیین می‌کنند، می‌توانند پیشران سریع جامعه به سمت قله‌های علم و فناوری بشوند؛ اما نکته مهمی که وجود دارد، این است که چه کسی در نهایت باید برود و علم و دانش را کسب کند و در اختیار جامعه قرار بدهد؟ برای نمونه در لایه‌های دانشجویی، استادان دانشگاه؟ محققان و مخترعان و مبتکران و... آیا اینها همه به طور مستقیم برداشت و فهم‌شان از موضوعاتی که امام و رهبر معظم می‌فرمایند، صحیح، به موقع و جامع است؟ حتماً نیست؛ چون بعضاً برخی‌ها ممکن است سخنرانی‌ها را گوش کرده باشند و بعضی را گوش نکرده باشند و ارتباط بین این مفاهیم را به درستی نتوانند تفهیم کنند. در اینجا یک جریان واسطی نیاز است که اندیشه‌های امام و رهبری را برای اقشار گسترده‌ای که در کف جامعه حضور دارند، تبیین کنند؛ در توسعه علمی می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند، از سرمایه‌گذاران و خیرین و...

بعد از اینکه آن فرمان‌ها و نگاه‌ها و دستورها از حضرت امام (ره) صادر شد، لایه‌های دیگری از جامعه و انقلابیون و علمسا و متخصصان باید این فرمایشات را به درستی تبیین کنند و ابعاد مختلفش را بیان و به برنامه تبدیل کنند؛ سپس دولت برنامه را حمایت کند و سرمایه‌گذاران سرمایه‌گذاری بکنند و بازارش ایجاد بشود تا تالو آن تدبیر که بر گرفته از اسلام ناب محمدی است، خودش را در جامعه نشان بدهد و این امر سبب ترغیب و جذابیت بالا برای هم اقشار و مردم خودمان شود و هم حتی کشورهای جهان که نماد اسلام و انقلاب اسلامی و ولایت را ببینند که این چنین می‌تواند جامعه را متحول کرده و در عرصه‌های علمی به پیش ببرد.

زهر اعلوی

خبرنگار

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و استقرار نظام مبتنی بر ولایت فقیه، برخی از مفاهیم در حوزه سیاست و احزاب سیاسی دچار دگرگونی و مفاهیم جدیدی مطرح شد. در آن میان، حزب سیاسی از لحاظ تئوریک و فعالیت احزاب در جنبه علمی مورد کاوش قرار گرفت. احزاب سیاسی با محتوا و بنیادهای نظری پیشین در تعارض جدی با دیدگاه‌های ایدئولوگ‌های انقلاب قرار گرفتند که اوج آن در مناظره‌های فکری و منازعات مسلحانه بود.

وجود نظام تک‌حزبی در سلطنت پهلوی و ممنوعیت فعالیت سایر احزاب از کمونیست‌ها گرفته تا اسلام‌گرایان، حکومتی بودن احزاب اصلی و فضای سیاسی موجب شد با آغاز استقرار جمهوری اسلامی روی آوری به فعالیت حزبی و گروهی با استقبال فراوان همراه شود و گروه‌های متعددی پدید آیند. نبود تفاهم و وفاق این گروه‌ها، تششت و پراکندگی را به همراه داشت.

این مسئله امام (ره) را واداشت تا درباره احزاب و فعالیت آنها موضعی صریح و روشن اتخاذ کنند. سیاست در اندیشه امام خمینی (ره) بر آمده از آموزه‌های قرآنی، روایات و مبتنی بر مبانی فقهی اصولی، فلسفی، کلامی، و عرفانی است. از نگاه امام خمینی (ره) سیاست حقیقی آن سیاستی است که مد نظر انبیاء و ائمه معصوم (ع) بوده تا شرایط رشد انسان را در ابعاد گوناگون فراهم کند. در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصصت یکی از موضوعاتی که ذهن امام را به خود مشغول کرده بود، مسئله احزاب سیاسی بود. در همین زمان بود که ایشان فعالیت احزاب را منوط به زبان نرساندن به جامعه اعلام کردند؛ به بیان دیگر، ملاک ارزیابی احزاب به نظر ایشان توجه به عملکرد آنان بود، نه مبانی فکری. از نگاه امام اصل تحزب پذیرفته است؛ اما ایشان در مورد مفید بودن و اصالت احزاب از لحاظ نظری و عملی تردید کرده است.

گروه پرونده صبح صادق

تاریخ هیچ‌گاه بزرگ‌مرد انقلاب اسلامی ایران را از یساد نخواهد برد؛ بزرگ‌مردی که سال‌ها مجاهدت و تلاش کرد تا ایران اسلامی و ملت آزاده‌اش از چنگال استبداد و دژخیمان طاغوت پهلوی رها شده و خود سرنوشت و آینده‌شان را در نظامی اسلامی و مردمی به دست بگیرند. امام خمینی (ره) در طول دوران حیات پربرکت خود چنان تأثیرات بزرگی را در اذهان و افکار عمومی جهان به جای گذاشته که تا همیشه از ذهن تاریخ پاک نخواهد شد. تاریخ نه تنها تاریخ ایران و جهان اسلام، بلکه تاریخ دنیا و حتی شخصیت‌های برجسته جهان و انهایی که شاید حتی میانه خوبی با انقلاب اسلامی ایران و رهبری کبیر آن ندارند، توان بی‌تفاوتی در برابر این درجه از عظمت و روح بزرگ روح‌الله خمینی را نداشته و از این معمار بزرگ و مکتب‌انسان‌سازو به‌نیکی یاد می‌کنند.

- رهبری فرائر از زمان**

«میخائیل گورباچف» رئیس اتحاد جماهیر شوروی یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای است که امام خمینی (ره) را دارای اثری ماندگار در تاریخ خوانده و گفته است: «امام خمینی (ره) فراتر از زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید. او توانست اثر بزرگی در تاریخ جهان به جای بگذارد.» «حافظ اسد» رئیس جمهور سابق سوریه هم گفته است: «دشمنان ملت عرب و ملت تحت ستم دنیا و حتی خود رژیم اشغالگر قدس بارها و بارها از انقلاب اسلامی ایران که تحت لوای امام خمینی(ره) به پیروزی رسید، به وحشت افتاده و بارها از اربابش، یعنی

در گفت‌وگو با حمیدرضا ترقی دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی درباره تحزب بررسی شد

سیاست ورزی دینی



در عین حال، ایشان ملاک ارزیابی را عملکرد و رفتار بیرونی آنها می‌داند. برای بررسی جایگاه احزاب سیاسی و وظیفه آنها در جامعه اسلامی از منظر اسام خمینی (ره) با حمیدرضا ترقی، فعال سیاسی و معاون امور بین‌الملل حزب مؤتلفه اسلامی گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

جریان‌ها و احزاب سیاسی را از منظر امام خمینی (ره) و در مکتب سیاسی ایشان چطور ارزیابی می‌کنید؟

جریان‌های سیاسی از نظر امام(ره) به دو دسته تقسیم شده‌اند: یکی، جریان حزب‌الله و دیگری، حزب شیطان. طبیعتاً جریان حزب‌الله جریانی است که حافظ و مدافع انقلاب اسلامی و در جهت حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی تلاش می‌کند و تمام نیرو و تلاش خود را برای تحقق دستاوردها و آرمان‌های انقلاب اسلامی بسیج می‌کند. جریان حزب شیطان در واقع تحت تأثیر دشمنان انقلاب اسلامی و شیطان بزرگ و در واقع استکبار جهانی در مسیر تقابل یا منحرف کردن انقلاب اسلامی و در جهت اهداف استکبار جهانی تلاش می‌کند و قصد دارد حاکمیت غرب و غرب‌گرایان را بر کشور محقق کند.

آنچه از این دسته‌بندی حضرت امام(ره) استنباط می‌شود، این است که طبیعتاً جریان‌هایی در این بین هستند که گرایش‌هایی به جریان غرب و حزب شیطان دارند که ممکن است گرایش‌شان صد درصد نباشد و با پوشش دینی و اسلامی، اما در باطن در جهت خواسته‌های دشمن حرکت کنند. اینها هم جریان‌هایی هستند که متهم به نفاق و دورویی بوده و ظاهرشان یک چیز است و باطن‌شان چیز دیگری است.

آنچه از این فرمایش حضرت امام(ره) می‌توان استنباط کرد، این است که جریان‌ها را اولاً بر اساس وضعیت حال‌شان و ثانیاً عناصری که تشکیل دهنده و شکل دهنده این جریان‌ها هستند و همچنین اهداف و اساس نامه و مرامنامه‌شان تجزیه و تحلیل کنیم و آنها را در دسته‌بندی‌های موافق و مخالف، خودی و غیر خودی، دوست و دشمن و… تعریف کنیم.

نقش این جریان‌ها در دوران انقلاب از ابتدا تا امروز و براساس مبانی نظری و علمی امام در این زمینه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این جریان‌ها طی ۴۰ سال گذشته نوسانات زیادی داشتند. جریان‌هایی که به اسلام ناب معتقد بودند، همچنان به مبانی انقلاب و حمایت از ولایت فقیه و

اسلام حداکثری در جامعه و کشور و همچنین پیاده کردن ارزش‌ها در جامعه بر اساس معیارهای حکومت دینی و اسلامی تلاش کرده‌اند و به دنبال این هستند که نگاه تمدنی به انقلاب اسلامی داشته باشند و در گام دوم بتوانند زمینه جامعه‌سازی اسلامی و دولت‌سازی اسلامی و همچنین تمدن نوین اسلامی را محقق کنند. اما جریان مقابل اینها تلاش کرده‌اند که طی این سال‌ها با انعطاف نشان دادن نسبت به غرب و غرب‌گرایان و خواسته‌های غرب و استکبار جهانی، جامعه را به سمت دموکراسی مطلق و آزادی ولنگار و همچنین سیاست‌هایی که مورد قبول و پذیرش استکبار جهانی باشد، سوق بدهند. این جریان‌ها به دنبال پیاده کردن اسلام حداقلی در جامعه بوده‌اند و سعی کرده‌اند که نهاد دین در سیاست کمتر دخالت کند و روحیه انقلابی کردن پس از انقلاب به اتمام برسد و این روحیه تداوم پیدا نکنند و در مسیر تداوم انقلاب اسلامی اعتقادی به جامعه‌سازی و دولت‌سازی اسلامی ندارند و معتقد هستند باید کار به مردم سپرده شود، بدون رعایت شاخص‌ها و ارزش‌های دینی و اسلامی و مردم‌سالاری را بدون دینی بودنش قبول دارند و دموکراسی را بدون اینکه اسلام، آن را جهت بدهد.

بنابراین، طی این سال‌ها در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و حوزه‌های اجتماعی تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند انقلاب اسلامی گذاشته‌اند و اگر امروز شاهد مشکلات و آسیب‌های فراوان در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و… هستیم، ناشی از تأثیراتی است که این قشر بر برای اسلام و انقلاب اسلامی پدید آورده‌اند.

نقش جریان‌های مخالف آرمان‌ها و مبانی انقلاب را در اوضاع و احوال این روزهای جامعه چگونه توصیف می‌کنید؟

این جریان در عمل به فقیه سیاسی اعتقادی نداشت. اینها پس از رحلت حضرت امام(ره) مسیر خودشان را مشخص‌تر کردند و به تحریف انقلاب اسلامی مشغول شدند و تلاش کردند حتی با تحریف حضرت امام(ره) دیدگاه‌های انقلابی امام را پوشانده و کمتر به

آن توجه کنند و در حرکت انقلاب اسلامی تا جایی که می‌توانند انحراف و اختلال ایجاد کنند. در حالی که این جریان در ابتدای انقلاب اسلامی خودشان را ضد استکبار و طرفدار انقلاب اسلامی می‌دانستند؛ اما در واقع به مرور با تجدیدنظرطلبی و تجدید مبانی فکری و اعتقادی خودش نه تنها به آمریکا متمایل شدند؛ بلکه به سمت اشرافی‌گری و فراموش کردن مستضعفان و دنیاطلبی حرکت کردند و بر این اساس منشی اولیه خودشان را به طور کامل از دست دادند.

اتخاذ این نوع سیاست ناشی از این بود که مبانی فقهی و سیاسی آنها با اسلام ناب فاصله داشت و در ابتدای انقلاب تحت تأثیر تفکرات سوسیالیستی یا غرب‌گرایانه بودند و امروز هم از اسلام ناب فاصله گرفته و به دنبال یک اسلام حداقلی در عرصه سیاسی کشور هستند، به گونه‌ای که هیچ اختلاف و تعارضی با سیاست‌های استکبار جهانی و قدرت‌های سلطه‌گر نداشته باشد و با سازش با آنها مسیر وابستگی و اتکا به بیگانگان و نه ظرفیت‌های داخلی را دنبال کنند.

امروز تبیین افکار امام راحل در حوزه‌های گوناگون سیاسی، به ویژه احزاب و گروه‌های سیاسی چطور جامعه را به سوی سعادت سوق می‌دهد؟

بدون شک مواضع امام(ره) امروز در رفتار و اندیشه و منش جانشین ایشان، رهبر معظم انقلاب متبلور است و کسانی که می‌خواهند راه امام را بشناسند و منظومه فکری امام را بشناسند و در مسیر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حرکت بکنند، باید با توجه به گفتمان رهبری و سیاست‌ها و هدایت‌های رهبری گفتمان خودشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که نه از رهبری جلو بیفتند و نه عقب و بلکه ملازم با رهبری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گام بردارند.

به نظر می‌رسد، این می‌تواند اولاً تفسیر برای دیدگاه‌های مختلف حضرت امام(ره) برای جامعه ما باشد و ثانیاً متناسب با مقتضیات زمان می‌تواند دیدگاه‌ها و منظومه فکری حضرت امام(ره) را تفسیر عقلی کند.

نگاهی به زعامت حکیمانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بیداری جهان اسلام

امام جهانی

- رهبری که تکرار نمی‌شود**

«بی‌نظیر بوتو» نخست‌وزیر اسبق پاکستان هم در بی‌مانندی خمینی کبیر گفته است: «رهبرانی مانند امام خمینی یک بار در قرن‌ها زاده می‌شوند.» «پاپ ژان پل دوم» هم عنوان کرده است: «دریاره آنچه آیت‌الله خمینی در کشورش و در بخش وسیعی از جهان انجام داده، با احترامی عظیم و تفرکی عمیق باید اظهارنظر کرد.» «برواند آبراهامیان» نویسنده آمریکایی کتاب «ایران بین دو انقلاب» گفته است: «آیت‌الله خمینی را غالباً یک روحانی سنتی توصیف کرده‌اند؛ اما ایشان در واقع، نوآور بزرگی در ایران بودند، هم به‌لحاظ نظریه سیاسی‌شان و هم از نظر استراتژی مردمی که وجهه مذهبی داشت. نقش تعیین‌کننده و محبوبیت وسیع ایشان را با دو عامل می‌توان توضیح داد؛ عامل اول شخصیت ایشان به‌خصوص زندگی ساده و سازش‌ناپذیری با طاغوت بود. در کشوری که بیشتر سیاستمداران زندگی پرتجملی داشتند، او زندگی زاهدانه‌ای چون عارفان و صوفیان و عاری از آرایش‌های مادی چون مردمان عادی داشت.» «برهان‌الدین ریانی» از رهبران جهادی افغانستان هم گفته است: «امام خمینی (ره) کاپیتالیسم و کمونیسم را مردود خواند و راه نجات بشریت را تنها در پیروی از تعالیم والای اسلام می‌دانست. او در برابر مستکبران شرق و غرب، قوی و مقاوم ایستاد و با هر نوع فساد و توطئه پنجه نرم کرد، ایشان بزرگ‌مرد تاریخ معاصر جهان اسلام است.» «فرانسیسکو آسکو درو بداته» رئیس فدراسیون جوامع اسلامی اسپانیا هم امام خمینی را عامل حیات دوباره اسلام توصیف کرده و گفته است:

«آیت‌الله خمینی عامل حیات دوباره اسلام و ازبزرگ‌ترین شخصیت‌های قرن حاضر به‌شمار می‌آید. وی چهره جدیدی از اسلام را ارائه کرد و زندگی ایشان الگویی مناسبی برای همه مسلمانان است.» «ریاح ناتاری» رئیس جامعه مسلمانان اسپانیا هم امام را عامل بیداری مسلمانان دانسته است. «میخائیل لمشف» نویسنده روسی هم گفته است: «اندیشه امام خمینی سراسر جهان اسلام را در بر گرفت و با آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان معضلات گریبانگیر جهان اسلام به مبارزه برخاست و ثابت کرد که انقلاب اسلامی با انقلاب‌های مادی روسیه و فرانسه متفاوت است.»

- انسانی استثنایی**

«سیدصدرالدین» متفکر و اندیشمند معاصر الجزایری هم امام را استثنایی خوانده و گفته است: «این انسان هدیه خداوند به مسلمین بود تا بتوانند مسیرشان را در اسلام تصحیح کنند.» «احمد جبرئیل» دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین هم با بیان اینکه امام اسلام را از انزوا نجات داد، گفته است: «بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، دیدگاه مترجمانه نسبت به این دین مبین اسلام را که دشمنان در طول صدها سال ارائه کرده‌بودند، از میان برد و مقوله دین ایوبی ملت‌ها را منسوخ کرد و اسلام را در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک نیاز انسانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مادی و معنوی مطرح کرد. امام خمینی (ره) توانست جهان اسلام را از خواب بیدار کرده، به مسلمانان حیات جدیدی ببخشد.» «ازایاتا» نویسنده کلمبیایی نیز با بیان اینکه در قرن بیستم سه شخص در دنیا مطرح شدند و در تمامی مجامع سیاسی مورد توجه سیاست‌مداران قرار

گرفتند، گفته است: «یکی از آنها گاندی بود، دیگری یحیی (رهبر مردم واتیکان) و سومین آنها حضرت امام خمینی(ره) است. از بین این سه رهبر تنها کسی که فرهنگ روحیات و سخنانش در بین مردم مؤثر واقع شد، امام خمینی بود. امام خمینی رهبر مسلمان و آزاده‌ای بود که توانست با قیامی، اسلام را در بستر کشور پهناور ایران جای دهد و نیاز به اسلام را در دنیا احیا کند.» «دانیل پاییز» رئیس انجمن سیاست خارجی آمریکا عنوان کرده است: «باید اعتراف کنیم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم؛ ولی از این‌پس برای ما آمریکایی‌ها ضروری است که زمینه‌ای برای مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب فراهم آوریم و به‌طور خاص درزمینه اندیشه و اعتقادات و خطمشی و هدف امام خمینی تحقیقاتی به عمل آوریم؛ چراکه نمی‌توان از تأثیرات اندیشه امام خمینی در جهان به‌راحتی گذشت و دنیای غرب به‌دلیل نفوذ افکار امام خمینی بار دیگر اسلام را کشف کرده است و این ما آمریکایی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.»

- تنها رهبر آزاده قرن**

«ادریس جزایری» رئیس سابق صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی هم گفته است: «باید امام خمینی را تنها رهبر آزاده قرن بیستم و رهبر میلیون‌ها مسلمان جهان نامید.» «محمد حسنین هیکل» نویسنده مشهور مصری هم گفته است: «امام خمینی مردی بزرگ بود که از دورانی دیگر آمده بود.» به راستی خمینی کبیر مردی بود که از زمان دیگری آمده بود تا با رهنمودها و نظریات انسان‌ساز خود انقلابی را راهبری کند که سربازانش مردم عادی بودند.

گروه پرونده

صبح صادق

امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب و فیلسوف بزرگ قرن، بزرگمردی که سرآمد همه نظریه‌پردازان سیاسی جهان بود؛ چنانچه احیای آرمان فلسطین با بینش سیاسی خاص امام امری بود که امروز تمام ممالک اسلامی را دربرگرفته است و این راه تا ظهور منجی ادامه دارد؛ شکست هیمنه آمریکا با ایستادگی در برابر زورگویی‌های این ابرقدرت پوشالی با تجلی شعارهای ضداستعماری که امروز آن را به سوی سقوط برده است،از دیگر ابعاد مکتب سیاسی امام(ره) بود. برای بررسی بیشتر این آرمان بزرگ رهبر کبیر انقلاب با محمدحسن قدیری‌ایبانه، دیپلمات سابق و فعال سیاسی به گفت‌وگو نشستیم‌که در ادامه می خوانید.

بینش سیاسی امام(ره) در سیاست نابودی رژیم صهیونیستی و احیای آرمان فلسطین را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تمام حرکات، مواضع، سیاست‌ها و اعمال حضرت امام(ره) نشئت گرفته از انقلاب بود و اگر هدایت انقلاب بر اساس قرآن نبود، امکان پیروزی بر رژیم شاه و استکبار جهانی وجود نداشت. اسلام و قرآن تأکید دارد که دشمن ظالم و حامی مظلوم باش و از طرفی این فرمایش امام علی(ع) است که کسی که ظلم را می‌پذیرد، شریک ظالم است. پس ما اولاً حق نداریم ظلم را بپذیریم و باید مقابل آن بایستیم و با آن مبارزه کنیم. هر چند ممکن است در این مبارزه مظلوم واقع شویم یا حتی شهید شویم؛ ولی وظیفه‌مان است که در مقابل ظلم بایستیم. از طرفی حدیث نبوی داریم که نشانه ایمان، دفاع از مظلوم در مقابل جبار و ظالم است. دفاع از مظلومان جهان جزء وظایف ماست و موضع ما در مقابل فلسطین هم از همین ناشی می‌شود. اصولاً مبارزه با رژیم صهونیستی وظیفه الهی و انسانی ماست؛ همان بینش و مکتبی که

امام خمینی(ره) آن را احیا کردند. برخی می‌گویند رژیم صهیونیستی را بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته‌اند و انتقاد می‌کنند که شما چرا می‌گویید رژیم صهیونیستی باید از بین برود؟ در حالی که رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها دست به هزار جنایت زده و فلسطین را از نقشه حذف کرده است. چطور ارتکاب جنایت برای حذف فلسطین از نقشه ایرادی ندارد؛ ولی گفتن اینکه رژیم صهیونیستی باید از نقشه محو شود ایراد دارد؟ اگر این جمله را نمی‌پسندند، می‌توانیم بگوییم فلسطین باید از نهر تا بهر آزاد شود. پرچم رژیم صهیونیستی دو تا رودخانه دارد که سمبل دو رودخانه نیل و فرات است و شعار صهیونیست‌ها سلطه از نیل تا فرات است. اگر نقشه را بررسی کنید بخش‌هایی از ۲۰ کشور را شامل می‌شود و حتی مکه و مدینه هم جزء نیل تا فرات است. در حقیقت این پرچم نقشه تجاوز است، رژیم صهیونیستی یک پادگان نظامی است، نه یک کشور و ما به دستور امام و در واقع به درخواست اسلام در مقابل رژیم صهیونیستی و حامیانش بسه عنوان ظالمان برای دفاع از مظلومان ایستاده‌ایم. این مسئله مهمی است. حمایت‌ما از آرمان فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی در واقع مسائل امنیت ملی ما را نیز تأمین می‌کند. ما که نمی‌توانیم بگذاریم انسان‌های جنایتکاری مانند صهیونیست‌ها بر سرنوشت کشورهایی حتی مکه و مدینه حاکم شوند. درست است که ایران از نظر جغرافیایی بین نیل تا فرات نیست، اما اینها اگر بتوانند مسلط بشوند، در آینده ادعای سلطه بر ایران و بقیه کشورها را نیز خواهند کرد. کما اینکه در کتاب شریعت یهودیان، یعنی تلطوط آمده است، اصلاً غیر یهودی‌ها انسان نبوده و حیوان ناطق هستند و خدا این حیوانات ناطق را آفریده است که در خدمت یهود باشند. نطفه غیر یهودیان حکم نطفه اسب را دارد و خانه‌شان حکم طویله اسب را دارد و مسئله ناموس هم برای اسب مطرح نیست؛ بنابراین اینها مجازند به ناموس غیر یهودیان هر کجا که باشند تجاوز کنند، اموال آنها را غارت کنند و قتل آنها جایز است و در موارد خیلی زیادی قتل غیر یهودیان واجب

است. صهیونیست‌ها را نمی‌توان نژادپرست نامید؛ چرا که اصلاً غیر یهودی را جزء نژاد آدم نمی‌دانند. این نگاه بود که سبب شد یهودیان در آلمان منفور مردم قرار بگیرند و از موضع هیتلر برای پاکسازی اروپا دفاع کنند. به هر حال با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام(ره) پرچم مبارزه با رژیم صهیونیستی از پرچم عرب‌گرایی به پرچم اسلام‌گرایی تبدیل شد. تا زمانی که پرچم عرب‌گرایی غالب بود، در هر جنگی رژیم صهیونیستی پیروز می‌شد؛ اما از زمانی که پرچم اسلام‌گرایی در دستور کار قرار گرفت، در هر جنگی رژیم صهیونیستی شکست خورد. این روحیه‌ای که امام در بین مسلمانان دهمیدند، باعث اوج‌گیری نهضت‌های اسلامی در کشورهای مختلف شد. قبل از پیروزی انقلاب حتی مسلمانان اگر می‌خواستند با استکبار و استعمار و امپریالیسم مبارزه کنند، این نوع مبارزه را مارکسیستی می‌دانستند؛ افراد مسلمان بودند اما تشکل‌ها، مارکسیستی می‌شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن اسلام انقلابی، پرچم مبارزه به پرچم اسلام‌گرایی تبدیل شد و اسلام‌گرایی زیاد شد، به نحوی که حتی دشمنان اسلام برای ضربه زدن به اسلام ناچار شدند عوامل خودشان را در پوشش اسلامی وارد صحنه کنند که داعش نمونه‌ای از آنها بود. ایسن قبیل جریان‌ها قطعاً مرتبط با صهیونیست‌هاست و از سوی آنها شکل گرفته است؛ ولی ادعای اسلامی دارد، چون اگر ادعای اسلامی نداشته باشد، اصلاً امکان ظهور و بروز در جوامع اسلامی پیدا نمی‌کند. در حقیقت این انقلاب نشان‌دهنده پیروزی اسلام است که آنها مجبور شده‌اند خودشان را به وجه غالب در جهان اسلامی تبدیل کنند. شعار صهیونیست‌ها «یک ملت بدون سرزمین برای یک سرزمین ملت» بوده و ادعای‌شان این است که فلسطین ملت ندارد؛ در حالی که بیش از ۷۰ سال است علیه ملت فلسطین جنایت می‌کنند و این جنایت‌شان هم تمام نشده است.

یهودیان هم در دنیا در هر کشوری حضور دارند آن کشور سرزمین‌شان است. برای نمونه در ایران که

محمد حسن قدیری‌ایبانه تغییر معادلات بین‌الملل با پیروزی انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند

پیروزی مقاومت تا شکست شیطان

کشوری است دارای جمعیت مسلمان، مسیحی، یهودی و هر ایرانی… . مبارزه علیه رژیم صهیونیستی که از قبل از انقلاب بوده اما از ابتدای انقلاب این مبارزه شروع شد در حالی که خیلی‌ها باور نمی‌کردند که می‌شود علیه رژیم صهیونیستی و حامیانش به پیروزی برسیم. الان خود صهیونیست‌ها و حامیانش به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم صهیونیستی ماندنی نیست و در این ۷۰ سال نتوانستند خودشان را تثبیت کنند. هر رژیم ارتجاعی که در منطقه دست‌نشانده آمریکاست، تضعیف بشود، پایه‌های رژیم صهیونیستی هم تضعیف می‌شود و هر چه رژیم صهیونیستی تضعیف شود، پایه‌های این حکومت‌های دست‌نشانده هم تضعیف می‌شود.

نامگذاری روز قدس از سوی امام خمینی(ره) چه تأثیری در احیای این آرمان و مکتب امام داشته است؟

نگاه به روز قدس در کشورهای گوناگون به ما نشان می‌دهد، این روز حرکت عظیمی بوده است، حرکتی که مقابله با ظلم و استعمار را در دیگر کشورهای اسلامی گسترش داده است؛ مانند یمن که محکم در مقابل عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستاده و نتوانسته‌اند آن را با تمام امکاناتی که داشته‌اند سرکوب کنند؛ یمنی‌ها پیروز می‌شوند و رژیم عربستان که به یمن تجاوز کرده، با مشکلات بزرگی مواجه خواهد شد. امروزه صهیونیست‌ها به دنبال این هستند که مکان دیگری را انتخاب بکنند، چون خودشان هم به اینکه رفتنی هستند، پی برده‌اند و دارند دست و پا می‌زنند. استراتژیست‌های دوست و دشمن به این نتیجه رسیده‌اند که جهان در حال تکثیر از تک قطبی به چند قطبی از غرب به شرق اقتصاد جهانی رو به انتقال است و یکی از قطب‌هایی که در حال شکل‌گیری است، قطب اسلامی به رهبریت ایران است. این مسئله بسیار مهمی است و دشمن هم از آن با خبر است. این مراحل در حال طی شدن است و اگر ما نگاهی از بیرون به کشورمان بیندازیم و انقلاب‌مان را ببینیم، هر اتفاق و رخداد جهانی در نهایت به نفع ما

زینب اصغریان

خبرنگار

رابرت مک فالین، مشاور امنیت ملی رونالد ریگان، پنج‌شنبه ۲۲ اردیبهشت مصادف با ۱۲ می ۲۰۲۲ در ۸۴ سالگی درگذشت. نام او در ایران با رسوایی بزرگی برای آمریکایی‌ها گره خورده است. آمریکا از یک سو پس از تش به وجود آمده در ارتباط با ایران در ماجرای گروگان‌گیری در لانه جاسوسی، و روابطش با ایران را کاملاً قطع و سفارتش را تعطیل کرد و از سوی دیگر شش‌امد بودیم رونالد ریگان، رابرت مک فالرین را به ایران فرستاد تا ضمن مذاکراتی پنهانی بسا ایران، در عوض فروش اسلحه‌هایی، مانند تاو و فونیکس و هارپون به ایران، آمریکایی‌های گروگان گرفته شده در لبنان را آزاد کند. در بررسی نوع مواجهه اسام(ره) در ماجرای مک فالرین شاید بتوان گفت، سیاست خارجی امام در این قضیه، «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» بوده است؛ یعنی امام در عین حفظ آرمان‌ها، به واقعیات موجود در سیاست خارجی نیز توجه دارند.

آرمان‌گرایی امام(ره)

امام راحل پیرامون نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری می‌فرمایند: «دنیا بدانند که هر گرفتاری که ملت ایران و مسلمان دارند، از اجانب خصوصاً آمریکاست… ما منطق‌مان منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. شما نباید تحت سلطه غیر بروید… خوشوقتی کامل ما آن روزی است که سلطه همه استعمارگران شرق و غرب و، به خصوص از سر مسلمین قطع شود.»

اما از سویی شاهد هستیم امام(ره) به شرایط و مقتضیات زمانی نیز توجه داشته‌اند که در ادامه خواهد آمد.

ماجرای مک فالرین چه بود؟

هاشمی‌رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در روز ۱۳ آبان ۱۳۶۵ در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به سفر غیر قانونی مک‌فالرین و هینت همراهه با پاسپورت ایرلندی و با هوایپمای باربری آن کشور وارد تهران شده بودند، گفت: «ما به دستور امام خمینی(ره) از ملاقات با ایسن افراد خودداری

رمزگشایی از سیاست خارجی امام(ره) در ماجرای مک فالرین

آرمان یا واقعیت؟!

کردیم و فقط هیتی برای تحقیق راجع به علت سفر و تخلیه اطلاعاتی آنان، نژادشان رفت. آنان پس از چند روز بازداشت، از ایران اخراج شدند.»

اما او سال‌ها بعد به گونه‌ای دیگر این قضیه را تعریف می‌کند:

هاشمی‌رفسنجانی، عضو اصلی هیئت مذاکره کننده با آمریکا در مساجحه خود با پایگاه جماران نقل می‌کند: «ماجرای مک‌فالرین یک مسئله ملی بود. ما در جنگ به جایی رسیده بودیم که بعضی از ابزار نظامی بسیار مهم، به‌خاطر نداشتن قطعه‌های حساس، از کار افتاده بودند. شرایطی پیش آمد که خود آمریکایی‌ها حاضر شدند قطعاتی را که ما خیلی نیاز داشتیم، به ما بدهند. البته آمریکایی‌ها در آن‌موقع که این اتفاق افتاد، فهمیده بودند که ما در جنگ نمی‌بازیم و وضع عراق در میدان جنگ، خوب نیست. چون تا آن زمان از عراق حمایت کرده بودند، می‌خواستند به ما نزدیک شوند تا بعد از جنگ برنده باشند. خیلی طبیعی وارد قضیه شدیم. فردی به نام آقای قربانی فر که در زمان شاه با بعضی از آمریکایی‌ها ارتباط داشت، با بعضی‌ها در داخل شرکت داشتند، با هم کار می‌کردند، رفیق بودند و ارتباط خانوادگی داشتند. بعد از کودتای نوژه که دستش در کودتا کشف شد، فرار کرد و به آمریکا رفت. در آنجا به‌دنبال بازار سیاه اسلحه رفت و از جاهای مختلف اسلحه پیدا می‌کرد و به ما می‌فروخت. رابطش مشاور آقای موسوی، آقای محسن کنگرلو بود که مشاور امنیتی بود. او مذاکره می‌کرد و سلاح‌هایی را که نیاز داشتیم، از بازار سیاه تهیه می‌کردند و می‌آوردند. آمریکایی‌ها فهمیدند که ما سلاح‌ها را چند برابر قیمت در بازار سیاه می‌خریم. به آقای قربانی فر گفتند: چرا ایرانی‌ها از بازار سیاه با چند برابر قیمت سلاح می‌خرند؟ بیایند از خود ما بخرند. اگر با ما قرارداد ببندند، ما سلاح

می‌دهیم. بعد هم گفته بودند ما انتظاری هم داریم. عده‌ای از شخصیت‌های‌شان را در لبنان گروگان گرفته بودند. می‌گفتند: ایران کمک کند که آنها آزاد شوند و ما هم نیازها را می‌دهیم. نامه‌ای هم نوشتند. نامه را قربانی فر نوشته بود و به آقای کنگرلو داد. چون من مسئول جنگ بودم، نخست‌وزیر، آن را برای من فرستاد. من هم در جلسه سران مطرح کردم. احمدآقا هم بود که با امام هم مطرح کرد. امام هم گفتند: اقدام کنید تا هر چه نیاز جنگ است، بگیرید و ما مخالفتی نداریم. جنگ ما در رأس امور است.»

واکنش امام به قضیه مک فالرین چه بود؟
امام(ره) در سخنرانی خود در ارتباط با این مسئله فرمودند:

«رئیس‌جمهور آمریکا در این رسوایی باید عزا بگیرد و کاخ سفید مبدل به کاخ سیاه بشود گرچه همیشه بوده است.لکن این متفرقه کوشش و اضطرابی که در کاخ سفید پیدا شد و در طرفداری‌های آمریکا، حکایت از عظمت مسئله می‌کند، یک مقام عالی‌رتبه به قول خودشان–از آمریکا به طور قاچاق و با تذکر جعلی وارد ایران می‌شود، در صورتی که ایران نمی‌داند چی است. به مجردی که وارد می‌شود و معلوم می‌شود که این از مقامات آمریکاست، ایران او را در یک جایی تحت نظر قرار می‌دهد و محبوس می‌کند و تمام حرکات او را تحت نظر قرار می‌دهد و او با هر کس خواسته است ملاقات کند، ملاقات نمی‌کند. آبی که ادعا می‌کند که اگر من به شوروی رفته بودم، رئیس شوری سه مرتبه به دیدن من می‌آمد، گمان می‌کند اینجا هم شوروی است! اینجا کشور اسلام است. اینجا نه کرملین قابل است که ذکری ازش بشود و نه کاخ سیاه، اینجا کشور رسول خداست، اینجا کشور حضرت صادق است، اینجا پاسدارهای ما شرافت

شاهماهی

شماها می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دو دستیگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید می‌روید؟ این تذهیون؟ من نمی‌توانم که آن طوری که می‌خواهم، با شما صحبت کنم و نمی‌خواهم در روز عید رنجش برای شما پیدا کنم، لکن شما انصاف بدهید که در یک همچو وقتی، وقت یک همچو اموری است؟! وقت یک همچو تأییدی است از کاخ سفید؟ وقت یک همچو تأییدی است از ریگان؟

لحن ششما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل تندر است، از لحن خود کاخ‌نشینان آنجا تندر است، شما چه شده‌است این طور شدید؟

شما که این نوبیدی بعضی‌تان. من بعضی‌تان را می‌شناسم، شما این‌طور نوبدید. من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسائل، توجه کنید به دنیا، توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان. نشکنید این قدرت را، گرچه شماها نمی‌توانید، لکن نباید یک همچو کاری در ایران بشود.

من نمی‌خواهم دل‌شما را بشکنم، لکن شما دل ملت ما را نشکنید، شما دل مسئولان ما را نشکنید، شما هی تندرو و کندرو درست نکنید، دوستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را.»

آرمان یا واقعیت؟

مشاهده می‌شود امام(ره) همواره به مسئله آرمان استکبارستیزی توجه ویژه داشتند و به اصل استقلال و سلطه نداشتن مستکبران بر مستضعفان توجه فراوان داشته‌اند؛ اما از واقعیات و اقتضانات موجود نیز غافل نشده‌اند. با وجود اینکه ابعاد مختلف مسئله مذاکرات مک فالرین به درستی آشکار نشده است؛ اما به نظر می‌رسد نوع مواجهه اسام در این قضیه «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» بوده است.

البته برخلاف فرضیه مطرح شده از سوی هاشمی‌رفسنجانی، سیدحمید روحانی معتقد است، در مورد مک فالرین هنوز حقایق کاملاً بیان نشده است؛ چرا که امام تا روزی که مک فالرین به ایران نیامده بود از مذاکرات پشت پرده خبر نداشتند و وقتی خبردار شدند که مک فالرین به ایران آمده، اجازه ندادند کسی با وی ملاقات کند و دستور دادند ماجرا را برای مردم باگو کنند.

تمام می‌شود، در حالی که ما در خیلی از این رخدادها نقشی نداشته‌ایم. این در حالی است که اگر ما بر خدا توکل داشته باشیم و در مسیر خدا ثابت قدم باشیم، خدا هم کمک‌مان می‌کند.

نظریات و ابعاد گوناگون مکتب سیاسی امام(ره) چطور توانسته است هیمنه آمریکا را بشکند؟

وقتی کسی مطابق خواست خدا حرکت می‌کند؛ مانند کسی است که در مسیر رودخانه شنا می‌کند؛ یعنی آب آن رودخانه او را جلو می‌برد. من این را سنت الهی می‌بینم؛ یعنی اگر مسأ در راه خدا حرکت کنیم، خدا هم ما را یاری می‌کند و در این یاری‌اش ابهت خاصی به انقلاب اسلامی داده و در این مسیر دشمنان ما را سرکوب و مرعوب کرده است.

موارد متعددی این را نشان می‌دهد؛ برای نمونه آمریکای ابر قدرت جرئت نکرد بمباران عین‌الاسد را تلافی کند، آنها مرعوب ما هستند و خدا این رعب و وحشت را در دل آنها می‌اندازد. همانطور که عرض کردم امام و البته رهبری معظم از قرآن خط می‌گیرند، یعنی از خدا خط می‌گیرند؛ چون قرآن کلام خداست و کلام خدا حق مطلق است. اگر خدا وعده‌ای داده است، این وعده‌ها صدق است و حال برخی به صدق وعده الهی اعتقاد ندارند؛ به دلیل همین خدا در قرآن قسم یاد می‌کند که وعده من صدق است و خدا خلف وعده نمی‌کند و باید ایمان خیلی قوی داشت که اینها را باور کرد.

این مکتب انسان‌ساز و بینش سیاسی جهان‌ساز چطور باید ادامه یابد و چه آینده‌ای دارد؟

اگر ملت ما همانطور که تابحال بوده، پشتیبان رهبری باشد و در مسیری که از سوی رهبری مشخص می‌شود، حرکت کند، ما به نقاط مطلوب‌مان خواهیم رسید و در این مسیر باید صبر و تلاش و مبارزه کرد. شکست هیمنه آمریکا هم امروز امری است که همگان آن را باور دارند و خیلی از ابعاد سرنگونی این هژمون از افغانستان تا عراق به خوبی خود را نشان داد.

سیاست اسلام‌زدایی

و اتهام ارتجاع سیاه

رژیم پهلوی در مقابله با نهضت اسلامی ملت ایران



مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

سیاست «اسلام‌زدایی» یکی از مهم‌ترین اولویت‌هایی بود که انگلیسی‌ها در دامن خاندان پهلوی گذاشتند و از آنان خواستند با همه توان و با به‌کارگیری شگردهای گوناگون آن را دنبال کنند. کلید این پروژه از زمان رضاخان زده شد و اوج آن را می‌توان در ماجرای کشف حجاب مشاهده کرد. این سیاست با تبعید رضاخان به پایان نرسید، بلکه به انحای گوناگون از سوی خاندان پهلوی و کارگزاران غربگرای رژیم دنبال شد.

در این مسیر اتهام‌زنی به مخالفان یکی از شگردهای تبلیغاتی بود که برای تخریب چهره اسلام و منادیان آن به کار گرفته شد که هم‌زمان می‌توانست مهم‌ترین جریان مخالف پهلوی را که جریان اسلام‌گرا بود نیز تخریب کند. محمدرضا پهلوی و دستگاه تبلیغاتی او مهم‌ترین خطر را نهضت اسلامی می‌دید که با محوریت روحانیت انقلابی شیعیه شکل گرفته بود. همین امر موجب شد تا تعبیر «ارتجاع» و «ارتجاعیون» برای بدنامی نهضت اسلامی با محوریت روحانیت و حضرت امام (ره) از سوی رژیم به کار گرفته شود. محمدرضا پهلوی پس از آنچه آن را در سال ۱۳۴۱ «انقلاب سفید» نامید، به مخالفان تاخت و در حالی که خود را نماد ترقی خواهی و مدرن‌سازی ایران معرفی می‌کرد، از تعبیر «ارتجاع سیاه» برای بدنامی مخالفان استفاده کرد که در آن مقطع، اکثریت آنان را جریان‌های مذهبی به محوریت روحانیت و در صدر آن حضرت امام خمینی (ره) تشکیل می‌دادند.

این اتهامات بدون پاسخ نماند و علما و روحانیت در فضاسازی خفگان پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در مقام پاسخ برآمده و اجازه ندادند تا اتهام واپس‌گرایی به اسلام و روحانیت در اذهان عمومی اثرگذار باشد؛ از جمله این واکنش‌ها

می‌توان به سخنرانی حضرت امام (ره) در صبح روز ۲۶ فروردین ۱۳۴۳ در مسجد اعظم قم اشاره کرد که پس از آزادی امام از زندان در جمع علما، روحانیون، بازاریان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم ایراد شد. حضرت امام (ره) فرمودند: «ما را کهنه‌پرست معرفی می‌کنند، ما را مرتجع معرفی می‌کنند، علمای اسلام را به ارتجاع سیاه تعبیر می‌کنند. جراید خارج از ایران، آنهایی که با بودجه‌های گزاف، برای کوبیدن ما مهیا شده‌اند، در خارج ما را مخالف اصلاحات‌دهنده اسلام در رأس اصلاحات واقع شده است - معرفی می‌کنند؛ مخالف ترقی مملکت معرفی می‌کنند؛ می‌گویند آخوندها می‌خواهند با الاغ باز سوار بشوند از این طرف به آن طرف بروند؛ آخوندها می‌گویند که برق نمی‌خواهیم؛ آخوندها می‌گویند طیاره نمی‌خواهیم؛ اینها مرتجع هستند؛ اینها می‌خواهند به قرون وسطی برگردند. آخوندها با این سیاه‌روزی‌هایی که نصیب مملکت است، مخالفند؛ این کهنه‌پرستی است؟ علمای اعلام با این زدن‌ها، کشتن‌ها، قلدری‌ها، دیکتاتوری‌ها، استبدادها مخالفند؛ این کهنه‌پرستی است؟ علمای اسلام در صدر مشروطیت، در مقابل استبداد سیاه ایستادند و برای ملت آزادی گرفتند، قوانین جعل کردند، قوانینی که به نفع ملت است، به نفع

مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» نوشته و در آن از انقلاب سفید و اصلاح ارضی دفاع کرده و مدعی شده بود: «مالکان (خوانین و زمین‌داران بزرگ)... در صدد یافتن یک «روحانی» برآمدند که مردی ماجراجو و بی‌اعتقاد و وابسته و سرسپرده به مراکز استعماری و به خصوص جاه‌طلب باشد و بتواند مقصود آنها را تأمین نماید و چنین مردی را آسان یافتند. مردی که سابقه‌اش مجهول بود و به قشری‌ترین و مرتجع‌ترین عوامل استعمار وابسته بود و چون در میان روحانیون عالی‌مقام کشور با همه حمایت‌های خاص موقعیتی به دست نیآورده بود در پی فرصت می‌گشت که به هر قیمتی هست خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند. روح‌الله خمینی عامل مناسبی برای این منظور بود و ارتجاع سرخ و سیاه او را مناسب‌ترین فرد برای مقابله با انقلاب ایران یافتند و او کسی بود که عامل واقعه ننگین ۱۵ خرداد شناخته شد. روح‌الله خمینی معروف به «سید هندی» بود. درباره انتصاب او به هند هنوز حتی نزدیک‌ترین کسانانش توضیحی ندارند، به قولی او مدتی در هندوستان بسر برده و در آنجا با مراکز استعماری انگلیس ارتباطاتی داشته‌است و به همین جهت به نام سید هندی معروف شده‌است.» چنین توهین آشکاری به مرجع عالی قدر شیعه و رهبر بزرگ در تبعید ملت ایران همچون جرعه‌ای به انباری از باروت عمل کرد و با قیام مردم قم و قیام‌های زنجیره‌ای در ادامه آن، مرحله نهایی نهضت اسلامی ملت ایران آغاز شد که به فروپاشی رژیم پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ انجامید. جالب آنکه شاپور به‌بختیار، نخست‌وزیر شاه فراری نیز چند روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مصاحبه با روزنامه لوموند، رهبر شیعیان ایران را که می‌گوید یک جمهوری اسلامی در کشور برقرار کند، به ارتجاع و کهنه‌پرستی متهم کرد و مدعی شد، اجازه نمی‌دهد یک دیکتاتوری سرشار از نیرو، جایگزین یک دیکتاتوری فرسوده شود. به‌بختیار آیت‌الله خمینی را متهم کرد که بیش از شاه به ایران صدمه زده است.

استقلال کشور است، به نفع اسلام است، قوانین اسلام است؛ این را با خون‌های خودشان، با زجرهایی که کشیدند، با بیچارگی‌هایی که متوجه به آنها شد، گرفتند؛ این آخوندها مرتجع هستند؟ امروز هم، روحانیت قیام کرده است، نهضت کرده است؛ ملت به تبع روحانیت نهضت کرده است؛ ملت‌های اسلام بیدار شده‌اند، نهضت کرده‌اند؛ خواسته‌های روحانیت عمل به قوانین اسلام است؛ این ارتجاع است؟ رسول اکرم مرتجع بود؟ قوانین آسمانی، قوانین الهی، که ما برای آن اینقدر اهانت می‌شویم، اینقدر زجر می‌کشیم، دعوت به عمل کردن به قوانین آسمانی ارتجاع است؟ خدای تبارک و تعالی مرتجع است؟ جبرئیل امین، واسطه وحی الهی، مرتجع است؟ پیغمبر اکرم مرتجع است؟ انمه هُدی مرتجع هستند؟ علمای از صدر اسلام تا امروز که از خودشان چیزی ندارند؛ آنها قوانین اسلام را، قوانین وحی را به مردم ابلاغ می‌کنند؛ ابلاغ قوانین الهی ارتجاع است؟»

اتهام واپس‌گرایی و ارتجاع بعدها از سوی منسوبان و حامیان رژیم پهلوی بارها تکرار شد که اوج آن را می‌توان در مقاله مندرج در روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ مشاهده کرد. نویسنده با نام مستعار «احمد رشیدی مطلق»

حافظه

امپریالیسم بدون مستعمره

نگاهی به سهم تهاجم فرهنگی در استعمار نو

با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ به واقع این ایالات متحده آمریکا بود که فاتح اصلی جنگ به شمار می‌آمد. کشوری که دیرتر از همه وارد جنگ شده بود و به دلیل بعد مسافت با کمترین هزینه و حفظ تمام سرمایه‌های مادی خود بر سر سفره تقسیم غنایم حاصله حاضر شده بود. در این وضعیت بود که زمان پایان دوران استعمار نو و آغاز دوران حاکمیت استعمار فرانو رسیده بود. در این میان، مهم‌ترین بازیگر عرصه استعمارگری، آمریکا بود و دیگر کشورهای غربی در بحران ویرانی پس از جنگ دست و پا می‌زدند!

«هاری مگ‌داف» در شرح این دوران می‌نویسد: «وقتی در دهه بعد از جنگ جهانی دوم مستعمرات آزاد شدند، این باور به وجود آمد که پدیده تاریخ امپریالیسم به پایان رسیده است، اما باید گفت که امپریالیسم در شکل جدیدی ظاهر شده است، زیرا امپریالیسم الزاماً نه با مستعمره، بلکه با بازار سرمایه‌داری جهانی مشخص می‌شود. این نوع جدید امپریالیسم می‌تواند به آن نام امپریالیسم بدون مستعمرات را داد با قدرت فائق ایالات متحده مشخص می‌شود.»

مهار و مدیریت و سیطره استعمارگران بر مستعمرات در این دوره از الگوهای قدرت نرم نیز بهره می‌گیرد که مهم‌ترین ویژگی آن نامحسوس، غیرمستقیم و پیچیده بودن است. واژه مناسب دیگری که برای تبیین رابطه استعماری در این دوره به کار می‌آید، واژه «نفوذ» است، نفوذ، به معنای رخنه و نفوذ ناپیدا بدل شده است.

دهلیز

نطق تاریخی آیت‌الله

مروری بر مفاسد دربار دیکتاتوری پهلوی

پانزدهم خردادماه سال ۱۳۴۲ را می‌توان سر فصلی مهم برای تاریخ نهضت اسلامی ملت ایران دانست که با خون صدها شهید این سرزمین آبیاری شد. عاشورای نهضت ملت ایران به نحوی با عاشورای سال ۶۱ هجری گره خورده است. در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در عاشورای محرم سال ۱۳۸۳ هجری قمری بود که آیت‌الله خمینی در معیت چند نفر از روحانیون، در صدد برآمدند به مدرسه فیضیه بروند و برای مردم سخنرانی کنند. کوشش رژیم برای منصرف کردن ایشان از سخنرانی روز عاشورا به نتیجه نرسید. امام در بیاناتی تاریخی فرمودند: «شما ملت ایران به یاد دارید، پیرمردها، ۴۰ ساله‌ها حتی ۳۰ ساله‌های‌تان نیز یاد دارند که در جنگ دوم جهانی سه دولت اجنبی به ما حمله کردند، شوروی و انگلستان و آمریکا به ایران ریخته، مملکت ما را قبضه کردند، اموال مردم در معرض تلف بود، نوامیس مردم در معرض هتک بود، لکن خدا می‌داند مردم خوشحال بودند که پهلوی رفت! من نمی‌خواهم تو این طور باشی، من میل ندارم تو مثل پدرت بشی، نصیحت مرا بشنو، از روحانیت بشنو، از علمای اسلام بشنو، اینها صلاح ملت را می‌خواهند اینها صلاح مملکت را می‌خواهند. از اسرائیل نشنو، اسرائیل به درد تو نمی‌خورد. بدبخت بیچاره، چهل و پنج سال از عمرت میره یک کمی تأمل کن! یک کمی تدبیر کن! یک قدری عواقب امور را ملاحظه کن! کمی عبرت بگیر، عبرت از پدرت بگیر.» سرهنگ غلامرضا نجاتی، از مورخان تاریخ معاصر ایران در کتاب دو جلدی



تاریخ

شماره ۱۰۴۸ | دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱

صداقت

تقویم انقلاب

پاسخگویی امام (ره) به شبهات



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

در روز سوم خرداد سال ۱۳۵۹ که جمعی از طلاب حوزه‌های علمیه و جماعتی از دانشجویان دانشگاه‌ها به دیدار امام (ره) رفته بودند، ایشان طی سخنانی به اظهارات اعم از مسئولان، مطبوعاتی‌ها، یا نمایندگان منتخب در چند مورد تذکر به همراه هشدار دادند که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱- امام راحل با اشاره به سوابق و عملکرد رضاخان پهلوی فرمودند: «وقتی که جای پای‌شان محکم شد، هدف اول‌شان تضعیف روحانیت بود... همه بر ضد روحانیت مشغول کار شدند و طوری کردند که روحانیت را منزوی کردند.»

۲- امام راحل در فراز بعدی سخنانشان با اشاره به جریان انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها به جریان تفرقه‌انداز بین دو قشر روحانی و دانشگاهی رهنمود دادند و فرمودند: «من حالا به شما عرض می‌کنم که قلم‌ها، قدم‌ها، نظرها و شیطنت‌ها دنبال این است که نگذارند شما ادامه بدهید به این چیزی که [وحدت حوزه و دانشگاه] مشغول شده‌اید. آنها [دشمنان] می‌خواهند نگذارند که قشر روحانی و دانشگاهی یکی بشود.»

۳- امام در برابر موضع‌گیری‌هایی که می‌گفتند مجلس باید ملی باشد نه شورای اسلامی فرمودند: «شما چرا از اسلام می‌ترسید... من می‌گویم به اینها که ما تابع این ملت هستیم... ما دیدیم که خواست این ۳۵ میلیون جمعیت این بود که ما اسلام را می‌خواهیم. در تمام صحبت‌ها از اول تا آخر این نبود که ما ملی‌گرا هستیم، ملی‌گرایی برخلاف اسلام است.»

۴- امام راحل به مجالس دوران قاجار، رضاخان و محمدرضا اشاره کردند و در بخشی از آن با استناد به صحبت‌های محمدرضا پهلوی فرمودند: «افرادی که آن وقت در مجالس بودند چه اشخاصی بودند، افرادی بودند که با لیست سفارت آمریکا یا با لیست سفارت شوروی تحمیل می‌شدند. این حرفی است که محمدرضا گفت که لیست‌ها را می‌فرستادند... با زور این نوکر بزرگ‌ها اینها می‌رفتند در مجلس.» در واقع مجالس قبل از انقلاب یک مجلس فرمایشی بود که امام آن را برای نظام جمهوری اسلامی یک خطر تلقی می‌کردند و می‌گفتند نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید از فرمایشی شدن مجلس پرهیز کنند.

۵- امام در ادامه سخنان‌شان بر اسلام‌خواهی مردم تأکید کردند و فرمودند: «ما برای خدا می‌خواهیم این اجانب را از کشورمان بیرون کنیم و اینهایی که خلاف اسلامند عذرشان را بخواهیم یا هدایت‌شان بکنیم... به این شرط که ما همانطوری که اول انقلاب و در جوش انقلاب همه مقصدها را کنار گذاشته بودیم و یک مقصد داشتیم و آن جمهوری اسلامی و اسلام بود، همانطور پیش ببریم.»

۶- امام راحل در قسمت پایانی سخنانشان ملت ایران را مخاطب قرار دادند و فرمودند: «ملت [ایران] ما نباید گوش به حرف این اشخاصی باشد که برخلاف اسلام شعار می‌نویسند، نباید حرف‌های آنها را گوش کند که کاری انجام نگیرد... در ظرف یک سال و اندی تمام نهادهایی که برای یک کشور اسلامی است تمام تحقق پیدا کرد و در هیچ جای دنیا همچین چیزی نبوده است و...»

نکته گرام

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت: رئیس محترم جمهور با تأکید بر اینکه «هوای پاک» از حقوق اساسی مردم است، برای تسریع حل موضوع گردوغبار با کشورهای همسایه به دو عضو دولت مأموریت داد. به منظور اقدامات عملیات محور، هیتتی فنی به ریاست آقای سلاجقه با سفر به عراق و برخی کشورهای دیگر منطقه موضوع را پیگیری می‌کند.

عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای: اهل جبهه یادشون هست شب عملیات می‌گفتند: برادران! عملیات و گرفتن این منطقه سخت نیست. نگه داشتن آن بعد از عملیات مهم است. امروز رهبری گفتند ما گفتیم مجلس انقلابی است، اما انقلابی ماندن مهم است. یعنی مراقب نمایید ورود انقلابی به معنای تثبیت انقلابی بودن نیست.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: جان برکتان بی‌دعا و پاکباز و مخلص سپاه پاسداران، سینه در مقابل تهدیدات سپر کرده‌اند و در هر نقطه از عالم، شجاعانه در خط مقدم دفاع از امنیت مردم حضور داشته‌اند. رحمت خدا بر صیاد خدایی و تمام شهدای مظلوم و در خون غلتیده سپاه پاسداران...

محمد اکبرزاده، فعال فضای مجازی: دوهفته پیش ۱۰ سپاه‌پوست آمریکایی به دست جوان ۱۸ ساله و به سبک بازی کامپیوتری کشته شدند. امروز هم جوان ۱۸ ساله، ۱۹ دانش‌آموز را در تگزاس قتل عام کرد. بعد همین‌ها با پادوهای مجازی‌شان و با هشتگ زندگی نرمال به جنگ ذهن و روان ایرانی‌ها می‌آیند و با پمپاژ اخبار منفی روح‌شان را می‌خرشانند!

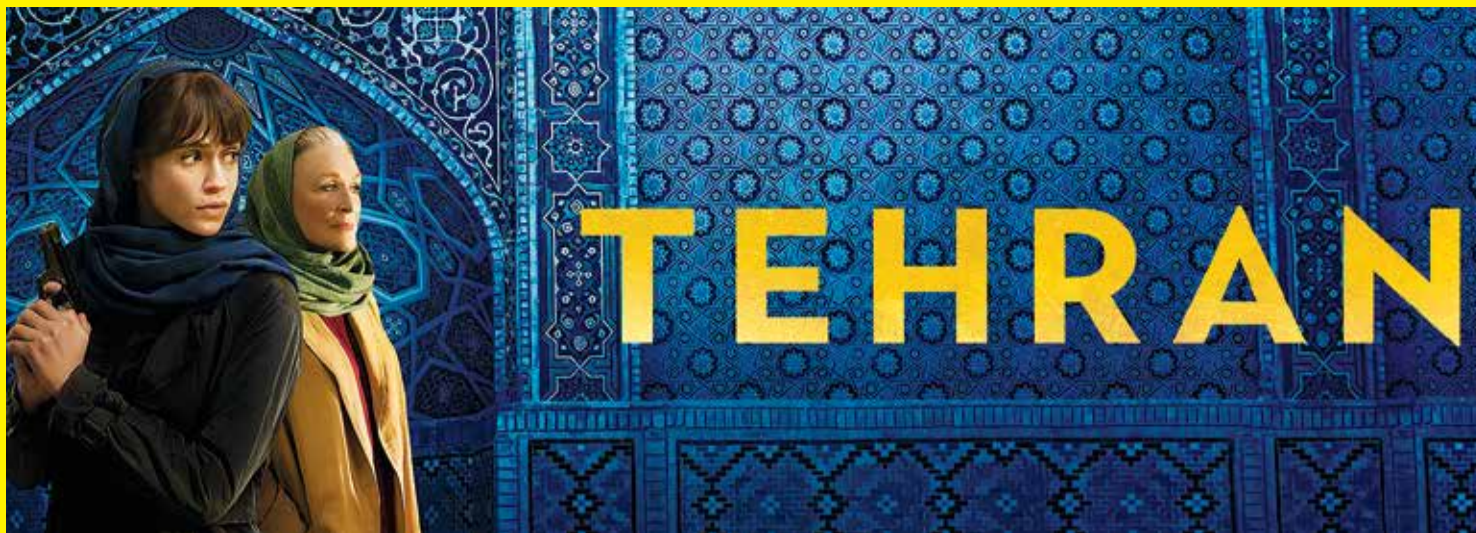
علیرضا تقوی‌نیا، تحلیلگر مسائل سیاسی: ظاهراً جو بایدن تصمیم خود را گرفته است و قصد دارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تروریسم باقی نگاه دارد. بایسد گفت، احیای برجام رسماً شکست خورده است. حال سؤال مهم این است که اگر قرار بر بازنگشتن به توافق هسته‌ای باشد، سرنوشت ایران و منطقه چه خواهد شد؟

علی باقری‌کنی، معاون سیاسی وزیر خارجه ایران: امشب افتخار زیارت مشهد مجاهد ایران اسلامی، شهید صیادخدایی نصیب شد. به همان اندازه که تروریسم محکوم است، سکوت در برابر ترور هم محکوم است. بدون تردید، جمهوری اسلامی ایران از تمامی ظرفیت‌های بین‌المللی برای شناسایی، تعقیب و مجازات آمران و عاملان این ترور استفاده خواهد کرد.

المیرا شریفی، مجری شبکه خبر: خاطرات تلخ پلاسکو بار دیگر تکرار شد، این بار در آبادان. خیره به تصاویر و گوش به اخبار در انتظار نجات افرادی هستیم که زیر آوار ساختمان متروپل گرفتار شده‌اند. خدا به خانواده جان‌باختگان صبر عطا کند.

حسن رحیم‌پورازغدی: نگاه و پیکر خونین و پرایند شهید خدایی نشان می‌دهد سرهنگ سپاه قدس و مجاهد مدافع حرم کیست؟ و با تروریسم دولتی آمریکا و صهیونیسم در منطقه چه کرده که در میدان حریفش نبودند.

سید نظام‌الدین موسوی، نماینده مجلس: ترور یک فرد نظامی خارج از محیط عملیات، در زمان غیرکاری، کنار منزل و مقابل خانواده هیچ ارزش راهبردی و نظامی ندارد و تنها یک جنایت و نشانه ترس، ضعف، زبونی و حقارت رژیم تروریست است. تکلیف نبرد را رویارویی در میدان مشخص می‌کند، نه ترور در پس کوچه‌ها.



رویاپردازی سینمایی مוסاد

بررسی و نقد سریال تهران زیر ذره‌بین جنگ شناختی

صهیونیست‌های فارسی‌زبان در فضای مجازی کشورمان، دستگاه‌های هنری و سینمایی این رژیم تولید آثار سینمایی و تلویزیونی ویژه‌ای را با هدف تأثیرگذاری بر مخاطبان ایرانی در دستور کار خود قرار داده‌اند که سریال «تهران» تنها یکی از ده‌ها نمونه تولیدات آنهاست.

پیشتر اشاره شد که در فصل اول سریال نیروهای اطلاعاتی-امنیتی ایرانی با فداکاری و هوشمندی خود مانع از اجرای موفق عملیات خرابکارانه صهیونیست‌ها می‌شوند. این نوع تصویرسازی آن هم از سوی کارگردانان صهیونیست ضد ایرانی از همان ابتدا مشکوک و توطئه‌آمیز به نظر می‌رسید تا اینکه با شروع فصل دوم سریال تهران مشخص شد، هدف از این نوع تصویرسازی ارائه تصویری ناسپاس از نظام نسبت به ایثارگران و مدافعان راستین انقلاب اسلامی بوده است؛ چرا که در فصل دوم شاهدیم قهرمان ایرانی با وجود تمام ایثارگری‌ها و دفع توطئه خرابکارانه صهیونیست‌ها از سوی فرماندهان خود به حاشیه رانده شده و تنزل یافته است.

پرواضح است که سریال تهران به دنبال ایجاد آلودگی ذهنی و ادراکی در ذهن مخاطب خاص و عام ایرانی با هدف ضربه زدن به امنیت ملی کشورمان است؛ لذا آگاه‌سازی سیاسی و بصیرتی در رابطه با اهداف پشت پرده این سریال و همچنین دیگر محصولات فرهنگی ضد ایرانی رژیم صهیونیستی می‌تواند نقشی کلیدی در خنثی‌سازی تهاجمات شناختی رژیم اشغالگر قدس علیه افکار عمومی کشورمان داشته باشد.

همزمان نیز هنرمندان متعهد و ممتاز جبهه انقلاب اسلامی باید با اتخاذ آرایشی آفتندی و تولید آثار سینمایی هوشمند، رژیم صهیونیستی را از درون خود این رژیم به چالش بکشند و از این طریق نه تنها هزینه خیال‌پردازی سینمایی علیه ملت ایران را افزایش دهند؛ بلکه سرعت زوال و فروپاشی این رژیم منحوس را از درون سرعت بخشند.

ارزش‌های اسلامی معرفی شده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی فرزندان‌شان نیز به نظام اسلامی کشور اعتقادی نداشته و دل در گرو زندگی در غرب دارند.

سریال صهیونیستی تهران، سلاح مخرب جنگی در قالب محصولی فرهنگی است که به شکلی هدفمند و ویژه برای مخاطبان فارسی‌زبان تولید و منتشر شده است. در واقع، رژیم صهیونیستی پس از چهار دهه تقلا و ناکامی در مقابله با انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و همچنین درک این واقعیت که در اذهان ملت ایران رژیمی منفور و نفرت‌برانگیز است، به سرمایه‌گذاری در حوزه اقدامات نرم با تأکید بر دیپلماسی عمومی و سینمایی دست زده است تا به واسطه این حربه جدید، ملت ایران را تحت تأثیر قرار داده و به ظن خود پشتوانه مردمی نظام اسلامی ایران را دچار ریزش کند.

رژیم صهیونیستی به خوبی به این آگاهی دست یافته است که افکار عمومی کشورمان از هر اقدام و سیاستی در راستای تخریب و تضعیف موقعیت رژیم اشغالگر در منطقه و جهان با هدف آزادسازی قدس شریف حمایت می‌کنند؛ به همین دلیل همزمان با شروع «پروژه صلح ابراهیم»- عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با برخی از کشورهای عربی- دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی رژیم صهیونیستی به شکل ویژه سازوکارهای پیشبرد دیپلماسی عمومی خود را متوجه افکار عمومی کشورمان کرده است.

به عبارت بهتر، رژیم صهیونیستی با تکیه بر تولیدات هنری و سینمایی و همچنین بهره‌گیری مضاعف از دیپلماسی عمومی به دنبال تأثیرگذاری بدون واسطه بر افکار عمومی کشورمان است تا همزمان سیاست «ترمیم تصویر منفور خود در اذهان ایرانیان» و «تخریب تصویر چهره نظام اسلامی در اذهان ایرانیان» را اجرایی کند؛ به همین دلیل نیز همزمان با راه‌اندازی صفحات رسمی دولت رژیم صهیونیستی به زبان فارسی در شبکه‌های اجتماعی و حضور فعال و پررنگ

مخرب روانی خود را علیه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشورمان پیاده کنند که در ادامه تشریح خواهیم کرد.

همانگونه که پیشتر اشاره شد، در پایان فصل اول سریال صهیونیستی «تهران» عملیات نیروی هوایی رژیم علیه تأسیسات هسته‌ای کشورمان شکست خورده و تعدادی از بمب‌افکن‌های متجاوز آنها از طریق پدافند هوایی کشورمان ساقط می‌شود.

فصل دوم در ادامه داستان فصل اول سریال ساخته شده و در همان قسمت اول نحوه فراری دادن خلبان اسیر صهیونیستی به دست عوامل نفوذی مוסاد در داخل کشور به نمایش گذاشته می‌شود. در این فصل جدید سریال تلاش شده است که تصویر پررنگی از حضور و نفوذ مأموران مخفی مוסاد در گوشه و کنار تهران به نمایش گذاشته شود؛ به همین دلیل نیز افراد گوناگونی در پوشش‌های کاری مختلف، اعم از راننده تاکسی، پزشک، دانشجو و... به عنوان عوامل میدانی مוסاد معرفی می‌شوند. همانگونه که ناگفته‌نمانده است، رژیم صهیونیستی در این فصل جدید از سریال تولیدی خود به دنبال شکل دهی فصل جدیدی از جنگ شناختی با هدف القای نفوذ خود در کشورمان است.

علاوه بر این، همانگونه که در فصل اول سریال نیز شاهد بودیم، تهیه‌کنندگان این سریال به دنبال نمایش تصویری سیاه و مبتذل از نسل جوان کشورمان هستند. در واقع آنها در قالب تولید یک محتوای تلویزیونی تلاش کرده‌اند تصویری دروغین از جامعه ایران را بازنمایی کرده و به واسطه این تصویر ساختگی مدعی ضعف نظام در تولید سرمایه اجتماعی به ویژه در بین نسل جوان شوند.

همزمان نیز سازندگان این سریال صهیونیستی تلاش کرده‌اند به ظن خود تصویری مبتذل از زندگی مسئولان عالی‌نظام را به نمایش بگذارند؛ به همین دلیل در این فصل از سریال مسئولان ارشد ایرانی افرادی رساکار و دارای سبک زندگی ناسازگار با

نوید کمالی

کارشناس رسانه



کمتر از دو سال پس از تولید و پخش جهانی فصل اول مینی سریال ضد ایرانی «تهران»، پخش فصل دوم این سریال صهیونیستی از اواسط اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ آغاز شده است. سریال ضد ایرانی «تهران» تولید شبکه «کان ۱۱» رژیم صهیونیستی و نمایشی خیال‌پردازانه از تلاش نهادهای نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی برای مقابله با دستاوردهای علمی و فناوریانه کشورمان است. این سریال را «موشه زوندرا» و «عمری شهنر» به کارگردانی «دانیل سیرکین» ساخته‌اند که همگی تابعیتی صهیونیستی دارند.

فصل اول سریال تهران در دوم تیرماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی در فلسطین اشغالی به نمایش درآمد و پخش جهانی آن نیز بر عهده شرکت تلویزیونی ایل قرار گرفت. در فصل اول این سریال به یک زن عضو یگان اطلاعاتی ۸۲۰۰ رژیم صهیونیستی که شامل متخصصان هک و نفوذ است، مأموریت نفوذ به داخل ایران و ایجاد اختلال در سامانه‌های برق و راداری کشورمان محول می‌شود. در واقع هدف از واگذاری این مأموریت مهیاسازی زمینه اجرای عملیات تخیلی بمباران تأسیسات هسته‌ای کشورمان به دست نیروی هوایی رژیم صهیونیستی است.

در طول فصل اول این سریال عملیات خرابکارانه رژیم صهیونیستی به دلیل هویشاری افسران اطلاعاتی کشورمان با چالش روبه‌رو شده و در نهایت عملیات آنها به شکست می‌انجامد. همانگونه که مشخص است کارگردانان و داستان‌پردازان صهیونیست این سریال برخلاف انتظار معمول در فصل اول این مجموعه تلویزیونی تصویری هوشمند و فداکار از نیروهای اطلاعاتی-امنیتی کشورمان ارائه داده‌اند تا در فصل دوم توطئه پیچیده و

دانش بنیان

مدیریت دانش بنیان

سامانه امدادرسانی



با سامانه مدیریت حوادث می‌توان در تأمین اقلام معیشتی، کانکس، چادر، آواربرداری، تأمین نیاز ساخت‌وساز و سایر موارد یک سامانه یکپارچه و برخط ایجاد کرد و کاربرها می‌توانند به صورت آنلاین نیز از سامانه استفاده کنند. تا به امروز فقط پنج نمونه خارجی برای سامانه مدیریت حوادث ثبت شده است و در هر حادثه یا سانحه‌ای برای استقرار سامانه مدیریت حوادث به صرف ۵۰۰ هزار دلار نیاز است؛ در حالی که با استقرار نمونه داخلی تنها به صرف یک و نیم میلیارد تومان نیاز است.

پژواک

خودکشی لایوا!

پخش زنده آدم‌کشی



تیراندازی مرگبار بوفالوی نیویورک در تاریخ ۱۴ می به دست یک نژادپرست افراطی از طریق شبکه‌های اجتماعی به طور زنده پخش شد و بار دیگر موجب شد نگرانی در مورد بی‌مسئولیتی شبکه‌های اجتماعی آمریکایی افزایش یابد. توماس دی ناپولی، بازرس ایالت نیویورک، خواستار رأی علیه مدیران توئیتر و فیس‌بوک در نشست‌های سالانه آنها شد و گفت، هر دو شرکت نتوانسته‌اند استانداردهای خود را در برابر محتوای مضر، از جمله تیراندازی جمعی در آمریکا اجرا کنند.

نرم افزار

بازی قرآنی

یادگیری متفاوت کلام وحی



«بازی قرآنی» برنامه‌ای سرگرم‌کننده، اما آموزشی است که هم مناسب نوجوانان است و هم بزرگسالان. اگر دوست دارید ترجمه و مفاهیم قرآن را به صورتی متفاوت، آسان، کاربردی، جذاب و سرگرم‌کننده یاد بگیرید، در انتخاب بازی قرآنی تردید نکنید. یک فرصت مناسب برای کسانی که وقت کافی ندارند و دنبال یک روش ساده و کاربردی برای لذت بردن از قرآن کریم هستند. با روشی آسان و با استفاده از آموزش از طریق بازی یاد می‌گیرید چطور قرآن را یاد بگیرید و از خواندن آن لذت ببرید.

فرهنگ، در نگاه پیر جماران

حامد حسین عسکری

خبرنگار فرهنگی

انقلاب اسلامی ملت ایران که در سحرگاه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثمر نشست، اساساً یک انقلاب فرهنگی بوده و پیش از آنکه تحول در اقتصاد و سیاست و دیگر میدان‌ها را دنبال کند، به دنبال تحول و تعالی در «فرهنگ» جامعه بوده است. به بیان دیگر، امام امت خمینی کبیر (ره) که چند روز دیگر سی‌وسومین سالروز آسمانی شدنش فرا می‌رسد، هنگامی که علم مبارزه را بلند کرد، پیش از هر چیز در اندیشه انقلاب در فکر و اندیشه آحاد مختلف مردم بود تا با این تحول فکری و فرهنگی، هم زمینه‌های راهی از اسارت زورگویان و استعمارگران و استثمارکنندگان انسان‌ها برای آنها ایجاد شود و هم مقدمه تعالی و شکوفایی آنها در بالاترین درجات کمال انسانی فراهم شود.

گواه این حقیقت، اندیشه امام (ره) است که در جای جای آن بر اهمیت و تعیین‌کننده بودن مسئله «فرهنگ» تأکید شده است و برخی اقدامات ابتکاری امام خمینی (ره) در ماه‌ها و سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و تأسیس برخی نهادهای فرهنگی خاص، در همین چارچوب قابل توجه و بررسی است.

اما نگاه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی به مسئله «فرهنگ» و ابعاد و لایه‌های گوناگون آن چیست و دغدغه آن پیر سفر کرده به معراج چه بوده است و امروز این دغدغه چقدر زنده است؟

هویت جامعه

در نگاه امام راحل (ره)، فرهنگ نه یک مسئله تزئینی و تشریفاتی، بلکه حیاتی‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه هویتی و عامل بقای جامعه است؛ به گفته روح خدا، «بی‌شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و

موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ، پوک و میان تهی است...»

این نگاه راهبردی و در عین حال، مترقی به جایگاه «فرهنگ» در جامعه، تکلیف مردم و مسئولان را در همه اعصار و دوران‌های بعدی مشخص کرده و با این اشاره صریح رهبر کبیر انقلاب، دغدغه ذهنی مسئولان در هر دوره‌ای باید این نکته مهم باشد که فرهنگ در برنامه‌های‌شان چه جایگاهی دارد و اساساً تأثیر اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آنها بر «فرهنگ» مردم چیست؟!

رنگ حیاتی

هر چند «فرهنگ» به همه مؤلفه‌های هویت‌بخش یک جامعه اطلاق می‌شود؛ از دین و آیین آنها گرفته تا سبک زندگی، زبان، رسانه، پوشش و...



اما ظرافت نگاه امام خمینی (ره) به مسئله فرهنگ آنجا مشخص می‌شود که زیربنای فرهنگی جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد و مهم‌ترین زیربنای فرهنگی نیز، استقلال فکری و خودباوری فرهنگی است.

امام (ره) در این باره می‌فرمایند: «فرزندان عزیزتان را در سر کلاس‌ها به صورتی تربیت نمایند که وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند، جوانان برومندی تحویل جامعه گردند که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشته‌اند، از ابرقدرت شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است.» (۱۳۶۱/۷/۱)

و در همین راستا هشدار می‌دهند: «مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت برآشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی

برداشت

جوان‌گرایی در رسانه و یک تلنگر!

مورد سؤال است و آن هم سابقه برخی افرادی است که نام‌شان در فهرست مدیران جدید وجود دارد؛ چهره‌هایی که سابقه فعالیت‌های رسانه‌ای و هنری نسبتاً موفقی در کارنامه خود دارند، اما تجربه مدیریتی و اجرایی خاصی که متناسب با سنگینی مسئولیت‌های پذیرفته شده و گستره کار رسانه ملی است، ندارند!

شاید برخی بگویند اشکال ندارد؛ باید به جوان‌ترها اعتماد کرد! این حرف درست است و رویکرد گام دوم انقلاب اسلامی هم همین است که حلقه‌های بسته مدیریتی شکسته شده و به جوان‌ترها فرصت تحول‌آفرینی داده شود، اما به شرطی که اولاً این رویکرد با اعتدال و میانه‌روی

مورد سؤال است و آن هم سابقه برخی افرادی است که نام‌شان در فهرست مدیران جدید وجود دارد؛ چهره‌هایی که سابقه فعالیت‌های رسانه‌ای و هنری نسبتاً موفقی در کارنامه خود دارند، اما تجربه مدیریتی و اجرایی خاصی که متناسب با سنگینی مسئولیت‌های پذیرفته شده و گستره کار رسانه ملی است، ندارند!

شاید برخی بگویند اشکال ندارد؛ باید به جوان‌ترها اعتماد کرد! این حرف درست است و رویکرد گام دوم انقلاب اسلامی هم همین است که حلقه‌های بسته مدیریتی شکسته شده و به جوان‌ترها فرصت تحول‌آفرینی داده شود، اما به شرطی که اولاً این رویکرد با اعتدال و میانه‌روی

می‌توان امیدوار بود و تغییرات را با فال نیک گرفت؛ چراکه تاکنون سیاست‌ها و رویکردهای کلان در مدیریت سازمان نشان داده است که نگاهی تحول‌گرایانه به مأموریت‌های این دانشگاه عمومی شکل گرفته است.

هر چند به قول معروف میز مدیریت برای کسی ماندگار نیست؛ اما تصمیم‌گیری‌ها در پشت همین میزها گاهی می‌تواند سرنوشت بسیاری از انسان‌های دیگر را که افکار و کارشان به نوعی به همین تصمیمات وابسته است، تغییر دهد.

در تغییرات جدید رسانه ملی به ویژه مدیران شبکه‌های تلویزیون - در عین تأکید بر مسئله تحول‌خواهی و فرصت دادن به جوان‌های یک نکته

مهدی سامانده

خبرنگار فرهنگی

تقریباً از دو هفته پیش و با انتصاب معاون سیمای رسانه ملی، دور جدیدی انتصاب‌ها در رسانه ملی با معرفی مدیران جدید شبکه‌های مهم تلویزیون آغاز شده است و اسامی و چهره‌های نسبتاً ناشناخته‌ای در بین مدیران جدید به چشم می‌خورد.

تغییر مدیران بخش‌های گوناگون صدا و سیما و شبکه‌ها پس از آمدن رئیس جدید سازمان، امری طبیعی و مرسوم است و البته با توجه به رویکردهای اعلام شده از سوی رئیس جدید

را در ضمیر جوانان تزریق نمایند... به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.» (۱۳۶۷/۴/۲۹)

و بالاخره راه پر فراز و نشیب تحول فرهنگی را نشان داده و با تأکید بر مسئله صبر و استقامت در این مسیر، یادآور می‌شوند: «خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور، آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد.» (۱۳۶۳/۹/۱۹)

میراث‌های ماندگار

ابتکارات فرهنگی امام امت (رضوان‌الله علیه) در ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب، نشان می‌دهد آنچه را جوان در آینه نمی‌دیدند، پیر مراد ملت ایران در خشت خام به وضوح مشاهده می‌کرد و می‌دانست که این نهادها و مولودهای فرهنگی انقلاب، چه تأثیری می‌تواند در حرکت عمومی جامعه ایرانی در آن مقطع و در دهه‌های بعدی ایفا کند.

تأسیس نهادهای مهمی، همچون نهضت سوادآموزی، سازمان تبلیغات اسلامی و از همه مهم‌تر، فرمان «انقلاب فرهنگی» در دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی برای پالایش و انسجام‌بخشی فرآیند تعلیم و تربیت در دانشگاه‌ها و شکوفایی استعدادهای جوان نهفته، همگی گویای اهمیت مسئله «فرهنگ» در مکتب امام (ره) است و امروز هم راه تحول و شکوفایی همه‌جانبه در فرهنگ جامعه، درک عمیق و دقیق مفهوم فرهنگ و عناصر اثرگذار بر آن و نیز منظومه معرفتی بنیانگذار انقلاب اسلامی و خلف صالح ایشان در عرصه فرهنگ و در نهایت، برنامه‌ریزی هوشمندانه در این میدان خطیر است.

یادداشت

خوب، اما ناکافی

آرش فهیم

منتقد سینما



هفته گذشته از سوی انجمن سینمای جوانان کشور، متنی با عنوان برنامه پنج ساله این انجمن منتشر شد. این برنامه را محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی ابلاغ کرده است. برنامه‌ای که در نگاه اول مثبت و نویدبخش پویایی این انجمن است، اما در آن برای یکی از خلأهای مهم این دوران، یعنی عرصه سینمای جوان و فیلم کوتاه‌فکر اساسی نشده است! اول باید گفت، تدوین و انتشار برنامه پنج ساله انجمن سینمای جوانان، یک اتفاق امیدوارکننده است. کما اینکه اولین و اصل‌ترین معضل بیشتر مراکز و مؤسسات فرهنگی ما این است که معمولاً چشم‌انداز و سیاست و هدف‌گذاری خاصی ندارند و هر چه پیش آید خوش آیند، کار می‌کنند و جلو می‌روند؛ به همین دلیل هم بیشترشان دچار عقب‌گرد می‌شوند! اما اینکه مهم‌ترین مجموعه دولتی در حوزه سینمای پایه کشور که مسئولیت اصلی آن تربیت نیروست، برای یک دوره زمانی مشخص، به طراحی چشم‌انداز و سیاست‌گذاری دست زده است و از فعالیت بساری به هر جهت و بی‌برنامه فاصله گرفته است، گامی رو به جلو به شمار می‌آید. به ویژه اینکه در این برنامه، اهداف والا و چشمگیری دیده می‌شود؛ از جمله اجرای عدالت فرهنگی و تقسیم عادلانه امکانات، تبدیل این انجمن به مرجع آموزش سینما در کشورهای فارسی‌زبان و همچنین تقویت و تکثیر ژانرهای سینمایی با روایت بومی که در صورت عملی شدن، هم جایگاه فیلم کوتاه ایران را اعتلا خواهد بخشید و هم زمینه را برای رشد سینمای حرفه‌ای کشور فراهم‌تر خواهد کرد.

با این حال، در این برنامه یکی از مشکلات این سال‌های سینمای جوان و فیلم کوتاه ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. موضوعی که با توجه به حضور عناصری متعدد و متخصص در رأس سازمان سینمایی و همچنین انجمن سینمای جوان، انتظار می‌رفت بیشتر مورد تأکید قرار بگیرد. اینکه متأسفانه طی دو دهه اخیر، جریان تولید فیلم کوتاه و جوان در کشورمان از دغدغه‌مندی و آرمان‌گرایی فاصله گرفته است و به سمت نوعی آوانگاردیسم بیپوده و بی‌هویت میل پیدا کرده است؛ یعنی وقتی آثار فیلم کوتاه و ساخته‌های نیروهای جوان فیلم‌ساز را نگاه می‌کنیم، اغلب از نظر تکنیکی، خوش ساخت و دارای خلاقیت به نظر می‌رسند، اما بی‌روح هستند و درک جدید و متفاوتی از زندگی، جامعه، انسان و انسانیت را به مخاطب خودشان منتقل نمی‌کنند. دلیل این امر هم فضای غالب در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های هنری و سینمایی است که بیشتر کارگردان‌های فیلم کوتاه نیز از این مراکز برخاسته‌اند. در دانشگاه‌های هنری ما صرفاً تکنیک آموزش داده می‌شود؛ اما هنرمند مماس با فرهنگ و نیازهای فرهنگی جامعه ایرانی تربیت نمی‌شود! ریشه بسیاری از مشکلات سینمای حرفه‌ای و فیلم‌های روی پرده نیز همین است. بر همین اساس، به نظر می‌رسد انجمن سینمای جوانان در دوره مدیریت جدید، در برنامه و هدف‌گذاری خودش باید این مسئله را هم در نظر بگیرد و به ویژه در بخش‌های آموزشی و تربیتی‌اش، فکری به حال بحران هویت و نبود دغدغه و جهان‌بینی آرمان‌گرایانه فیلم‌سازان کوتاه کند.

کتاب

ما هم جنگیدیم

زنان روستایی در دفاع مقدس



کتاب «ما هم جنگیدیم» روایت‌هایی از خاطرات واقعی زنانی است که با مدیریت شمس‌خانم اتفاق زیبایی را در جنگ تحمیلی رقم زدند؛ اتفاق مبارکی که نه می‌شود آن را با هزینه‌های کلان دولتی به دست آورد و نه زور و اجبار. روایت‌هایی که در این کتاب می‌خوانیم، برگ‌های سپیدی در تاریخ دفاع

مقدس این مملکتند؛ همین قدر پاک و بی‌آلایش؛ مانند خود این زنان روستایی و نوع زندگی ساده‌شان. محمدهمدی رحیمی، پژوهش و مصاحبه‌کننده کتاب «ما هم جنگیدیم» و نرجس توکلی لشکرجانی نگارش آن را برعهده داشته است.

سینما

سلفی با دموکراسی

اکران ساخته جدید عطشانی



فیلم سینمایی «سلفی با دموکراسی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی عطشانی روی پرده سینماها می‌رود.

این فیلم که به سرگروهی سینما کورش اکران می‌شود، داستانی ماورائی دارد و روایت متفاوتی است از کسانی که در جنگ ایران و عراق حضور داشته‌اند و داستان آن تقریباً در

ادامه داستان فیلم «دموکراسی تو روز روشن» اتفاق می‌افتد. پژمان باغزی، آتیلا پسیانی، امیرعباس گلاب و مرتضی تهرانی از جمله بازیگرانی هستند که در «سلفی با دموکراسی» نقش ایفا کرده‌اند.

نقاشی

نقش جهان

تصویری از شهید جهان‌آرا



غلامعلی طاهری، نقاش ۶۲ ساله کشورمان به مناسبت فرا رسیدن سالروز آزادسازی خرمشهر، اثر جدیدی از شهید محمد جهان‌آرا خلق کرده است. طاهری، مدرس دانشگاه، دبیرکل نخستین جشنواره هنرهای تجسمی فجر و از نسل نخست نقاشان حوزه هنری است که به نقاشان

انقلاب مشهور شدند. جمله معروفی از شهید جهان‌آرا به یادگار مانده است که درباره خرمشهر خطاب به همزمانش گفته بود: «بچه‌ها اگر شهر سقوط کرد دوباره فتحش می‌کنیم، مراقب باشید ایمان‌تان سقوط نکند!»

قبیله عشق

ساقی مدافعان حرم



پسر بسیار فهیمیده و روشنی بود، چندین بار به من گفت که اگر شهید شدم برای من گریه نکن بلکه برای مصیبت‌های حضرت زینب(س) گریه کن! در آخرین تماس فرهاد گفت نگران نباش مادر ششم محرم برمی‌گردد و همان ششم محرم هم بازگشت. افتخار می‌کنم که پسر من در این راه و به خاطر حضرت زینب(س) شهید شده است.

بسیار اصرار داشت که می‌خواهم برای دفاع از حرم عقبه بنی‌هاشم(س) بجنگم و شرایط بسیار سخت بود و جواب رد شنیدم و دیدم شروع به گریه کرد و گفت که امام حسین(ع) را خواب دیده‌ام و گفته است اگر نگذاشتند بروی، گریه کن و مجوز خروجت را بگیر.

بالاخره مجوز خروجش را گرفت و خنده بر لبانش آمد. گفت این سری که بروم دیگر بر نمی‌گردم. دوستانش می‌گفتند شهید طالبی در جبهه مقاومت چندین کیلومتر طی می‌کرد و آب خنک برای رزمندگان مدافع حرم تهیه می‌کرد.

مدافعان حرم به شهید طالبی می‌گفتند «یساور یخی» چون نمی‌گذاشت رزمندگان تشنه باشند و کم‌تر دیدیم خودش روزها آب بخورد.

به نقل از مادر شهید روحانی فرهاد طالبی

فرهاد طالبی در یکم خرداد ماه ۱۳۷۲ در روستای دهنو شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی را با موفقیت و با معدل بالا به اتمام رساند، او در همه سال‌ها به عنوان دانش‌آموز نمونه بود.

اخلاق و خصوصیات فرهاد در طایفه و روستا زیانزد خاص و عام بود، شوخ طبعی و اهل ریا نبودن از خصوصیات بارز ایشان بود، از آنجایی که او در کنکور در رشته هسته‌ای رتبه قابل توجهی را کسب کرده بود، اما عشق و علاقه و افر او به مکتب سیدالشهداء و درس طلبگی، باعث شد با جدیت وارد حوزه علمیه شود.

سه سال در حوزه علمیه به عنوان طرح سفیران هدایت به درس و بحث مشغول بود. سپس وارد(حوزه علمیه قوام شیراز) شد و پایه ششم حوزوی خود را به اتمام رساند. طی این سال‌ها هم‌زمان با دوران تحصیلی، قریب به یک سال به عنوان(امام جماعت مسجد بازار وکیل) شیراز و چندین مسجد و مدرسه بود.

در یازدهم تیرماه ۱۳۹۷ رهسپار دفاع از حرم حضرت زینب(س) در کشور سوریه شد و در بیستم شهریور ماه ۱۳۹۷ (مصادف با اول محرم الحرام سال ۱۴۴۰ قمری) در سن ۲۵ سالگی بر اثر ترکش مین در یکی از مناطق عملیاتی سوریه به درجه رفیع شهادت نائل و به خیل هم‌زمان مدافع حرم پیوست.

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای روحانی کشور

دنباله این بزرگداشت‌ها باید کارهای فراوانی انجام بگیرد

الی‌الخیر؛ کاری که انبیا می‌کردند؛ این وظیفه اولیه ماست و بهترین وسیله دعوت الی‌الخیر هم عبارت است از عمل؛ عمل در میدان خیر و در میدان دعوت. بنابراین وارد شدن در میدان مجاهدت، برای عالم دینی و روحانی یک وظیفه اولی و بدیهی و قطعی است؛ در این هیچ تردیدی نیست. آن کسی که از میدان جهاد کناره می‌گیرد، در واقع بایستی توجه بکند که میدان جهاد، اساس قضیه است.

خوشبختانه ما در بین روحانیون بزرگوارمان [این روحیه را می‌بینیم]. حالا شهدا را آقایان احصا کرده‌اند. مرحوم امینی (رضوان‌الله علیه) صاحب‌الغدیر کتابی دارند به نام شهداء الفضیلة که همین علمای شهید در طول تاریخ را احصا کرده‌اند؛ [البته] نه همه را، یک تعدادی را ایشان توانسته‌اند پیدا کنند؛ از قرن چهارم پنجم به بعد را ایشان احصا کرده‌اند، قبل از آن را ایشان احصا نکرده‌اند. در طول زمان هم کسان زیادی هستند که به شهادت رسیده‌اند یا در میدان مجاهدت و مبارزه بوده‌اند و شهادت نصیب‌شان نشده لکن مجاهد فی سبیل‌الله بودند؛ [نام] اینها قهراً در آن کتاب‌ها نیامده؛ خوب این یک فرهنگ افتخارآمیزی است برای روحانیت و امیدواریم که ان‌شاء‌الله این روحیه و این حالت ادامه پیدا کند.

توصیه من به دوستان و برادران عزیز که این بزرگداشت‌ها را برگزار می‌کنند، این است که به عنوان هدف به اینها نگاه نشود؛ اینها وسیله‌اند، اینها ابزارند؛ دنباله این بزرگداشت‌ها باید کارهای فراوانی انجام بگیرد. پیدا کردن شیوه‌های عمل و شیوه‌های کار احتیاج به گره‌های فکری دارد؛ مجموعه‌های اهل فکر، کسانی که اهل فکرند، اهل فرهنگند، اهل هنرند، بنشینند راه‌های مختلف را پیدا کنند؛ همین طور که به آقایان عرض کردیم، ترویج نام‌های اینها، ترویج عکس‌های اینها، بیان شرح حال‌های اینها، ترویج و تکثیر وصیت‌نامه‌های اینها و بیان موقعیت‌هایی که اینها در آن قرار داشتند و در آن موقعیت‌ها دست به این جهاد زدند، کارهای خیلی مهمی است؛ اینها را باید تکثیر کرد و ان‌شاء‌الله همه در مقام استفاده از معنویت این بزرگواران باشند.

امیدواریم ان‌شاء‌الله مؤید باشیم و خداوند شماها را موفق بدارد و کمک‌تان کند تا بتوانید آن کار لازمی را که در این زمینه هست، انجام بدهید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته



که عالم دین بودن و مسای بزرگ بودن و مجتهد عالی‌مقام بودن، به معنای کناره‌گیری و انزوا از میدان جهاد نیست؛ بلکه عالم دین، مرجع تقلید، استاد برجسته درجه یک حوزه علمیه، مثل امام بزرگوار ما، وارد میدان جهاد شد و آن جهاد عظیم را ایشان انجام داد که در طول تاریخ شیعه یک چنین جهادی با این عظمت و با این نتایج وجود ندارد؛ هم عالم بود، هم محقق بود، هم فقیه بود و اصولی بود، هم حکیم بود و عارف بود؛ یعنی یک انسان برجسته علمی در حد امام بزرگوار، اول‌مجاهد دوران خودش، بلکه بسیاری از دوران‌ها بود و در بالاترین رتبه قرار گرفت. بنابراین این تصور به وجود نیاید که اگر می‌خواهیم عالم باشیم، مرجع باشیم، محقق باشیم، مدرس عالی‌مقام در حوزه باشیم، لازم‌هاش کناره گرفتن از کار جهاد و عرصه جهاد و مانند اینهاست؛ نخیر، ورود در عرصه جهاد وظیفه ماست؛ ما باید جهاد بکنیم.

حالا جهاد انواع مختلفی دارد؛ یک وقت ممکن است که جهاد علمی رجحان پیدا کند، بله، مواردی داریم از این قبیل که جهاد علمی رجحان پیدا می‌کند، یک وقت هم جهاد نظامی رجحان پیدا می‌کند، یک وقت جهاد سیاسی رجحان پیدا می‌کند، یک وقت جهاد اجتماعی و ورود در فعالیت‌های اجتماعی رجحان پیدا می‌کند. در همه این موارد، طلاب جوان ما، فضلاء جوان ما باید احساس مسئولیت بکنند و بدانند که خطاب اول، متعلق به آنهاست؛ برای اینکه وظیفه اولی و اصلی ما جامعه روحانیت عبارت است از دعوت

فقه استدلالی شیعه، اینها جزء برجسته‌ها نیستند؛ هم شهید اول، هم شهید ثانی. شهید ثالث هم داریم که البته شهید ثالث اسم چند نفر است؛ هم شهید برغانی قزوین، هم شهید شیخ نورالله شوشتری در هند، و شهدای گوناگون دیگر؛ بعد شهدای روحانی دیگری که به عنوان شهید اول یا شهید دوم یا شهید سوم شناخته نشدند؛ شهید مدرس، روحانی عالی‌قدر، شهید شیخ فضل‌الله نوری، روحانی عالی‌قدر؛ اینها شهدای عالم روحانیتند؛ و از این قبیل [باز هم] هستند. بنابراین مسئله شهادت در بین جمع روحانیون، امر جدیدی، امر تازه‌ای نیست و ما شهدای بزرگی داشته‌ایم.

در بین روحانیون اهل سنت هم همین جور؛ [این] مخصوص شیعه نیست؛ هم در جنگ کسانی را داشتیم، هم در بعد از جنگ در دوران‌های مختلف؛ در همین اواخر، این شهید شیخ‌الاسلام که جزء روحانیون بسیار مؤثر و مفید در کردستان بود و به شهادت رسید؛ و شهدای متعدد دیگری که چه در این منطقه، چه در مناطق دیگر به شهادت رسیدند.

خب، اینها افتخارات روحانیت است؛ ما از این بُعد نگاه نکنیم که حالا این در مقایسه با بقیه اقصا چه جور است؛ این [مسئله] درجه دوم و سوم است؛ از این بُعد نگاه کنیم که در عالم دعوت الی‌الخیر، شهید روحانی آن کسی است که با جان خودش وارد میدان دعوت شده؛ این خیلی مهم است. ما امروز در بین طلاب جوان، در بین فضلاء جوان احتیاج به این روحیه داریم که بدانند

رئیس‌جمهور در کنگره ۴۰۰۰ هزار روحانی شهید سراسر کشور

روحانیت پیشقراول و پیشتاز



می‌اندیشیدند و همواره خود را کنار مردم می‌دیدند و میان آنان بوده‌اند و در تمام سختی‌ها حضور داشتند.

رئیس‌جمهور در ادامه گفت: «در ایام کرونا مشاهده کردیم که روحانیون چگونه وارد این عرصه شدند و جانفشانی کردند. بنده در تماس با برخی مدیران بیمارستانی از جهاد و فداکاری‌های روحانیون بسیار شنیدم و بیان می‌کردند که ما نمی‌دانستیم کنار مردم بودن و با درد مردم همسراه بودن، در روحانیت ما وجود دارد.»

وی خاطر نشان کرد: «روحانیت این‌گونه پرورش پیدا کرده است و دلیل اینکه امروز روحانیت با وجود تمام شایعات و تهمت‌ها در دل مردم جای دارد،

در عرصه مبارزه با ظلم، کفر و الحاد شناخته شده است و رهبر معظم انقلاب نیز الگوی بزرگی برای ماست و علمای بزرگ ما در حوزه‌های علمیه به‌ویژه حوزه علمیه قم که نمونه برای همگان هستند، همین مشی را دارند.»

وی بیان داشت: «آنچه در این عرصه مهم است، آن است که بدانیم کارهای بزرگ، خشت از خدای متعال می‌خواهد و رمز موفقیت بزرگان دین ما همین نکته بوده است و همواره به فکر تکلیف و ادای وظیفه بوده‌اند.»

رئیس‌جمهور اظهار داشت: «روحانیون در ایام دفاع مقدس، وظیفه خود را حضور در جبهه‌های دفاع حق علیه باطل می‌دانستند و به وظیفه الهی

همین مسئله است که حوزه و روحانیت، کنار مردم حضور دارند و به مردم نمی‌گویند بروید؛ بلکه می‌گویند بیاید؛ آنها خود عامل به گفته‌ها هستند و عمل می‌کنند.»

سیدابراهیم رئیسی تصریح کرد: «امروز اگر تعداد شهدا را در اقصا گزناگون مشاهده کنیم، بالاترین تعداد شهید در اقصا مختلف، مرتبط با صنف روحانیت است که نشان‌دهنده پیشقراولی و پیشتازی روحانیت است.»

رئیس‌جمهوری بیان داشت: «امروز روحانیون، مشکلات معیشتی بسیاری دارند و کمترین میزان دریافتی، مربوط به طلاب و فضلاء ماست؛ اما بیشترین حضور و جانفشانی و با مردم و کنار آنان بودن را از روحانیون می‌بینیم.»

وی خطاب به خانواده معظم شهدای روحانی، خاطر نشان کرد: «حقیقتاً خون مطهر شهدا از عالم جهل‌زدایی کرد و خون شهدای ما، امتداد خون مطهر اباعبدالله (ع) است و آثار و برکات آن بر همگان روشن است.»

آیت‌الله رئیسی اظهار داشت: «امروز جهاد تبیین که مطابق با منویات رهبر معظم انقلاب بر همگان لازم است، باید مورد توجه قرار بگیرد و به این مسئله بپردازیم.»

رئیس‌جمهوری در پایان بیان داشت: «متأسفانه مشکلات کاری سبب شد که توانم به صورت حضوری در این کنگره بزرگ شرکت کنم و از همه بزرگواران دست‌اندر کار قدر دانی می‌کنم.»

سردار سلامی

روحانیون، ستارگان هدایتگر



فرمانده کل سپاه گفت: «روحانیون نشانه‌های وارستگی، علایم تقوا و ستارگان هدایتگر نسل‌های مختلف در طول تاریخ، در میان خانه‌ها، در منابر، حسینیه‌ها و مساجد بوده‌اند و حقیقت، احکام و حدود را برای مردم بیان کرده‌اند.»

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنگره ۴۰۰ شهید روحانی، با بیان اینکه ما برای هر حقیقتی اگر از بستر تاریخ حرکت کنیم، می‌توانیم صورت و سیرت آن را ترسیم کنیم، اظهار کرد: «بهترین توصیف برای روحانیت معظم ما در طول تاریخ نگاهی تاریخی و عمیق به نقش این جریان در صیانت اسلام در طول قرن‌هاست.»

وی افزود: «عالمان ما در طول تاریخ حیات اسلام همراه با مردم و مروجان شریعت الهی بوده‌اند، این افراد اسلام را از خطر تحریف نجات داده‌اند و جریان ناب و خالص اسلام را در طول قرن‌ها در پیکره امت جاری کردند.»

فرمانده کل سپاه با بیان اینکه روحانیت مصادیق منیر هدایت امت اسلام بوده‌اند، گفت: «روحانیون نشانه‌های وارستگی، علایم تقوا و ستارگان هدایتگر نسل‌های مختلف در طول تاریخ، در میان خانه‌ها، در منابر، حسینیه‌ها و مساجد بوده‌اند و حقیقت، احکام و حدود را برای مردم بیان کرده‌اند.»

سرلشکر سلامی با تأکید بر اینکه هر چه در مسیر اسلام جلوتر می‌رویم نقش روحانیت بیشتر می‌شود، عنوان کرد: «دنیای غرب و استکبار تلاش کرده‌اند تا اسلام را از صحنه سیاسی عالم حذف و احکام دین خدا را تعطیل کنند و مسلمانان را در گورستان جهل مدرن خاک و هویت اعتقادی، دینی، فرهنگی و ملی مسلمانان را غارت کنند.»

سرلشکر سلامی عنوان کرد: «روحانیت معظم ما همواره در مبارزه‌های ضداستبدادی امت اسلام نقشی پیشتاز، پیشگام و بیرق‌دار را ایفا کرده است و با انتشار روح آگاهی در جوامع، جهاد را عامل سعادت مسلمانان قرار داده است.»

فرمانده کل سپاه گفت: «شکست دادن یک قدرت به ظاهر شکست‌ناپذیر در آن دوران جنگ سرد که دوران انجماد امت اسلام بود، چیزی جز یک اعجاز و نتیجه نصرت الهی برای مؤمنان نبود.»

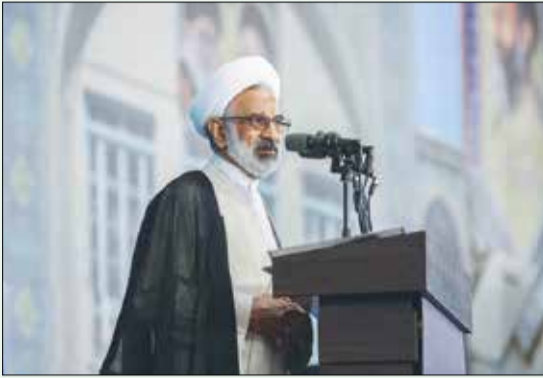
سرلشکر سلامی از ولی فقیه به‌عنوان نجات‌دهنده ملت ایران از مین‌های بزرگ نام برد و عنوان کرد: «دشمن آتش بر سر ملت می‌ریزد؛ اما همچنان ملت ایران با تکیه بر امام خود مقاومت می‌کند و پیروز می‌شود.»

سرلشکر سلامی با بیان اینکه پیشوای ایران اسلامی مورد حملات مستقیم دشمن است، گفت: «بنده نمی‌توانم بسیاری از واقعیت‌های شیرین را بگویم و ان‌شاءالله بعداً بازگو خواهم کرد؛ اما از ما قبول کنید که یک روحانی با دستان جانباز در میانه یک میدان جهانی جهاد، سال‌ها شبانه‌روز ایستاده است و دشمن را بی‌عمل گذاشته است، دشمن مجهز است، اما نمی‌تواند عمل کند.»

سرلشکر سلامی با بیان اینکه دشمن با اصوات و کلمات به دنبال شکستن دادن نظام اسلامی است، با اشاره به ترور شهید صیاد خدایی خاطر نشان کرد: «دشمنان ما پاسداری را بی‌دفاع ترور کرده و فکر می‌کنند جهانی را فتح کرده‌اند؛ البته که انتقام ذره خون عزیزان خود را می‌گیریم؛ اما همگان می‌دانند که ما در حال پیشرفت هستیم، هنر و شاهکار این بود که هم قدرت ساختیم و هم کشور را، شهرهای مان آرام و آباد است و مردمان مان آرام و شکیبا هستند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی

روحانیت، ایستاده‌پای کار انقلاب



نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «روحانیت و حوزه‌های علمیه امروز زنده‌تر، انقلابی‌تر و قوی‌تر از همیشه پای انقلاب ایستاده است و در کنار امت بزرگ و بی‌نظیر که امام آنها را از امت پیامبر اسلام (ص) نیز برتر دانست، تا پیروزی کامل و تحویل دادن انقلاب به امام زمان (عج) راه خود را ادامه می‌دهد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی در کنگره ۴ هزار شهید روحانی که در مصلاى شهر مقدس قم برگزار شد، با بیان اینکه شهید فقط زنده نیست، بلکه احیاگر است، اظهار کرد: «شهید به جامعه و افراد حیات می‌بخشد.»

وی با بیان اینکه این کنگره به دنبال ترویج پیام شهداست، اضافه کرد: «در این کنگره جمع شده‌ام تا راه شهدا را با تبعیت از فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه دهیم و در این مسیر با اطمینان کامل حرکت می‌کنیم.»

نماینده ولی فقیه در سپاه خاطر نشان کرد: «ما آماده‌ایم که با کمک شهدا با امام و رهبری خود تجدید بیعت کنیم و اعلام کنیم که روحانیت بیش از گذشته در عرصه‌های جهاد، ولایت‌مداری، سنگر نشینی و دفاع از اسلام ناب و تشخیص عمل جهادی پیشتاز است.»

وی افزود: «روحانیت مظلومیت را با اوج قدرت و عزت و اقتدار تحمل می‌کند و فضا سازی‌های دشمن نمی‌تواند روحانیت را از سنگر دفاع از اسلام و انقلاب خارج کند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی در ادامه تصریح کرد: «شهدای عزیز، آماده‌ایم تا به جبهه استکبار جهانی بگویم که به کوری چشم شما امروز حوزه‌های علمیه با بصیرت، صراحت، قاطعیت و آمادگی بیشتر در مقابل شما ایستاده‌اند و در جهاد همه‌جانبه نقش‌آفرینی می‌کنند.»

وی ادامه داد: «اکنون فرمان رهبری را با گوش جان شنیده و در تمام عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همانند شهدا پیشتاز خواهیم بود.»

وی با تأکید بر اینکه فریاد ما مقابل فشارها هیبات من‌الذله است، گفت: «روحانیت و حوزه‌های علمیه امروز زنده‌تر، انقلابی‌تر و قوی‌تر از همیشه پای انقلاب ایستاده است و در کنار امت بزرگ و بی‌نظیر که امام آنها را از امت پیامبر اسلام (ص) نیز برتر دانست، تا پیروزی کامل و تحویل دادن انقلاب به امام زمان (عج) راه خود را ادامه می‌دهد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه خاطر نشان کرد: «آمار شهدای روحانی بیشتر از دیگر اقشار است و این نقش‌آفرینی متفاوتی در دفاع مقدس در کارنامه خود داشته است.»

وی با بیان اینکه ۷۱۰ یادواره شهدا در راستای کنگره شهدای روحانی برگزار شده است، عنوان کرد: «در شرفیابی محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی از سخنان ایشان بهره‌مند شدیم و امروز در سالروز سوم خرداد، روزی که تبلور رشادت‌های رزمندگان بود، این کنگره را برگزار می‌کنیم.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی گفت: «قبل از انقلاب اسلامی ۵۷ شهید روحانی داشتیم و در جریان سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ قشر روحانی ۴۰ شهید را تقدیم انقلاب کرد و در دوران دفاع مقدس نیز سه هزار و ۶۴۱ روحانی و بعد از دفاع مقدس نیز ۱۵۱ روحانی در ترور و صحنه‌های دیگر به شهادت رسیدند.»

وی با بیان اینکه تنها در عملیات کربلای ۴ و ۵ بیش از ۵۴۰ روحانی به شهادت رسیدند، عنوان کرد: «۵۴۳ شهید به استان اصفهان اختصاص دارد که این استان بیشترین شهید روحانی را تقدیم نظام اسلامی کرده است.»

آیت‌الله اعرافی

لباس روحانیت، مظهر فداکاری



مدیر حوزه‌های علمیه علمیه گفت: «روحانیت عمامه‌های خود را نشان مقاومت، کمان خود و پرچم ایثار و شهادت می‌داند و هر کسی آماده ایثار و شهادت نیست، عمامه لباس او نیست و در حوزه جایی ندارد و همه ما باید بر سنت شهدا پایبند باشیم.»

آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه در کنگره ۴ هزار شهید روحانی، با تأکید بر اینکه انقلاب اسلامی دستاوردهای فراوانی در حوزه‌های علم و فرهنگ و دانش و وساحت‌های دیگر داشته است، اظهار کرد: «هدف اصلی انقلاب تغییر معادلات و پایه‌ریزی گفتمان معرفی جدید در عالم است و این بهای شهداست.»

مدیر حوزه‌های علمیه با بیان اینکه موتور محرک انقلاب شهدا، امام، مراجع، حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و ملت ایران هستند، عنوان کرد: «تغییر معادلات قدرت، معرفت، دانش و فرهنگ دنیا به وحدت و همبستگی و جان‌فشانی و استواری در این مسیر نیاز دارد.»

وی با تأکید بر اینکه شهدای انقلاب اسلامی ضامن پایداری و استقامت ما هستند، گفت: «امروز همه آماده‌اند تا پیمان مقاومت و ایستادگی با رهبری و شهدا ببندند.»

آیت‌الله اعرافی با بیان اینکه ۴ هزار شهید روحانی همراه با ۲۰۰ هزار شهید ملت ایران در خشان هستند، گفت: «حوزه و روحانیت باید تلاش کند تا همانند همیشه مرجعیت اجتماعی، علمی و اخلاقی را برای مردم حفظ کند.»

وی خاطر نشان کرد: «روحانیت در دوران دفاع مقدس هم رزمنده و معلم بود، هم پشت جبهه همراه با مردم بود، شهدای روحانیت طیف وسیع روحانی را شامل می‌شوند، از طلبه سطح اول تا فیلسوف در میان شهدا وجود داشتند.»

امام جمعه قم ادامه داد: «روحانیت افتخار دارد که همراه و آمیخته و متواضع در برابر مردم به انقلاب شهدای بسیاری را تقدیم کرده است.»

وی تصریح کرد: «پیام شهدای روحانی به طلاب این است که حوزه انقلابی باید حوزه در تراز تمدن نوین اسلامی، پاسخگو به نیازهای جدید و بین‌المللی و حوزه قوی‌تر باشد، شهدا ما را به دفاع از انقلاب و مهدویت فرامی‌خوانند، حوزه عصر انقلاب باید پیرو شهدا باشد و ویژگی‌های آن متفاوت از عصر انزوا باشد و همانطور که رهبری فرمودند ما طلاب آماده‌ایم تا دست در دست شهدا گذاشته و با مراجع و امام پیوند جهاد اجتماعی، علمی و سیاسی ببندیم و بصیرت در همه عرصه‌ها و وظیفه ماست و مسئولان و حوزه بر این وظیفه پایبندند.»

آیت‌الله اعرافی اظهار کرد: «روحانیت بر همان اوصاف مردمی بودن استوار است؛ هر چند ممکن است استثنائاتی وجود داشته باشد؛ اما منطق روحانیت همراهی با مردم در تنگناهاست.»

مدیر حوزه‌های علمیه علمیه گفت: «روحانیت عمامه‌های خود را نشان مقاومت، کمان خود و پرچم ایثار و شهادت می‌داند و هر کسی آماده ایثار و شهادت نیست، عمامه لباس او نیست و در حوزه جایی ندارد و همه ما باید بر سنت شهدا پایبند باشیم.»

وی ادامه داد: «امروز روحانیت، حوزه، دانشگاه، نیروهای مسلح و همه اقتدار همانند دفاع مقدس، بلکه بیشتر در صحنه حاضر هستند و دشمن ره به جایی نمی‌برد و این ملت در کنار رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا در مقابل اهداف شوم دشمن خواهد ایستاد و به سوی آرمان‌های بلند حرکت خواهد کرد.»

نگاهی به نمایشگاه ردای سرخ و هم‌صحبتی با تعدادی از مسئولان غرغه‌ها

کنگره شهدا گام اول است

مفصلی صورت گرفت، به استان‌ها فراخوان داده شد و آثار قابل عرضه در نمایشگاه کنگره شهدای روحانی مشخص شد تا در کنار همایش با شعار «تعهد سرخ از حجره تا سنگر» نمایش داده شود. قرار شد نمایشگاهی هم در بازه زمانی شش روز قبل و شش روز بعد از اجلاس به نام «ردای سرخ» برگزار شود. ما عزیزان مان را در ۳۲ استان مأمور کردیم تا تلاش کنند آثار قابل عرضه در نمایشگاه را جمع‌آوری کنند و به قم بفرستند؛ در نتیجه ۵۰ غرفه نمایشگاهی تدارک دیدیم. در کنار غرفه‌های ذکر شده، نهادها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌هایی همچون سازمان تبلیغات، حوزه علمیه قم، صداوسیما، بنیاد شهید و... که به نوعی در رابطه با اعزاز روحانیون، شهادت آنها، آزادی و ایثارگری آنها نقش داشتند، غرفه‌های خود را پرآیا کردند. مکانی که بنا شد این نمایشگاه در آن ایجاد شود و اجلاسیه هم همانجا برگزار شود، با رایزنی‌های فراوان از سه نقطه جمکران، حرم مطهر و مصلی قم، در نهایت مصوب شد در مصلی قم باشد؛ بنابراین، در طبقه دوم مصلی قم

مقدمات نمایشگاه ردای سرخ فراهم شد. در این نمایشگاه آثار شهدای هر استان به تفکیک هر استان و شهدای شاخص روحانی هر استان و آثار و زندگینامه آنها در منظر بازدیدکنندگان قرار گرفت. حدود سه هزار نفر برای شرکت در اجلاسیه دعوت شدند که مسائل امنیتی و حفاظتی زیادی تدارک دیده شده و جلسات متعددی برگزار کردیم تا با امنیت و اطمینان این اجلاسیه برگزار شود. خانواده شهدای روحانی دعوت شدند و همه تدابیر لازم اندیشیده شد که همه این موارد نشان می‌دهد حرکت عظیم و تلاش فراوان در پس این همایش وجود داشته تا اجلاسیه با آبرومندی و اطمینان برگزار شود و نمود و اثر خیلی خوبی برای ادامه راه شهدا باشد. البته این کنگره پایان راه ما برای گرامیداشت و معرفی شهدای روحانی نیست. گام اول ان‌شاءالله برداشته شده و معرفی و سلوک شهدا در قالب کتاب برای مردم بیان شده است. در نظر داریم در گام بعدی یادکست‌هایی برای معرفی این عزیزان

تولید کنیم و برنامه‌هایی هم برای شهدای روحانی تهیه کنیم که قابل استفاده برای عموم مردم باشد. همچنین، قصد داریم محتوای جذاب به منظور معرفی شهدای روحانی برای کودکان و نوجوان در قالب قصه‌سازی آثار نمایشی و... ارائه کنیم. بازدید کامل نمایشگاه مجال بیشتری می‌طلبد. لذا فقط به غرفه شهدای روحانی سیستان و بلوچستان رفته و پای صحبت‌های مسئول این غرفه نشستیم. او می‌گوید: از استان سیستان و بلوچستان ۴۹ شهید تقدیم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شده است که از این تعداد ۳۲ شهید مربوط به شهدای اهل سنت هستند. ۱۵ شهید ترور و یک شهید جانباز حین مأموریت و یک شهید مدافع سلامت است. در استان ما خون شیعه و اهل سنت در هم آمیخته شده و الحمدلله اتحاد خوبی در استان سیستان و بلوچستان برقرار است. آثاری که در غرفه نمایشگاه استان است، عکس‌ها و آثار شهدای روحانی به ویژه دو شهید ترور شهید مهدی توکلی که در شب بیست و یکم

ماه مبارک رمضان در شهرستان خاش به شهادت رسیدند و شهید فیض محمدبوریه نمایش گذاشته شده است. ما در استان سیستان و بلوچستان آثار و عکس‌های شهدا را داریم، به ویژه در اتفاقات اخیر در زمینه کرونا، بیشتر طلاب ما به ویژه طلاب شیعه در صحنه حضور پیدا کردند که در سطح استان خیلی دیده شد و مردم این حضور طلاب را در آراستان‌ها و بیمارستان‌ها دیدند و همگان شاهد حضور پررنگ طلاب در کرونا و سبلی که سه سال پیش در استان اتفاق افتاد، بودند. آثار صنایع دستی از خانواده شهدای روحانی از اهل سنت و شیعه است. شهید توکلی در شب بیست و یکم ماه رمضان در حین قرآن به سرگرفت به دست منافقین و مزدوران وهابیت به شهادت رسید. شهید فیض محمدبوریه چون همراه با نظام و انقلاب بودند، شهید شدند. فعالیت وهابیت در آن منطقه خیلی زیاد است، دشمنان مدافعان نظام را تهدید و ترور می‌کنند.

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی
سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، سعداللزاعی، عزیز غضنفری، فرهاد مهلوی، مهلی سعیدی، فتح‌الدین پیرشان، احد کریم خانی، حسین عبداللہی فر دیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی مدیر فنی: محمد صالح نادری نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گودرزی ناظر چاپ: سعید قاسمی چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶ (۰۲۱) تلفن: ۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۱ (۰۲۱) sswweekly.ir @ssweekly info@ssweekly.ir شماره: ۷۷۴۸۸۴۲۶ پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۴۸ | دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱

کتیبه سبز

مایه فخر حوزه‌اند شهدا

به بهانه برگزاری
کنگره ۴۰۰۰ شهید روحانی

یاداران سفر کرده بخیر
مه جبینان نظر کرده بخیر
در ره ذات اقدس احدی
سر به حق داده خطر کرده بخیر
به همه جرب و شیرین این عالم
زده تکبیر و گذر کرده بخیر
خوش بحال شهیدان در جبهه
جان شیرین را سپر کرده بخیر
علماء شمع محفل آنان
شهداشان ترک سر کرده بخیر
گوش‌ها با صدای یک روحانی
چشم رزمنده پر زسیل اشک
تا به کرب و بلا سفر کرده بخیر
طلبه، فرمانده یا هدایتگر
به مسیر خدا امر کرده بخیر
یاد دستغیب، اشرفی که مردم را
به خدا نزدیکتر کرده بخیر
مایه فخر حوزه‌اند شهدا
ز همه تقدیم بیشتر کرده بخیر
بار الها بحق این یاران
برسان یار سفر کرده بخیر

برهان باقری

مسئول نمایندگی ولی فقیه
در سپاه امام رضا(ع)

کشکیات

می گفت پرت و پلاست...

«چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست»
به گوش جان بشنو، بی بهانه، بی کم و کاست

اگر که نقد شدی، بشنو و تفکر کن
که حرف ناقیه صالح، عزیز و روح افزاست

کسی که توصیه می‌کرد مشفقانه به شیخ
زبانزد همه آفاق شد که پرت و پلاست!

به گوش راست شنید و ز گوش چپ در کرد
بخواست عذر رقیبان و داد کيفر خواست!

خطاب من نه به یک شخص و دولت و حزب است
شود که بند بگیرد ز حرف من چپ و راست

کنون که تکیه به کرسی حاکمان زده‌ای
شکور باش که هنگام کار در اینجاست

وگر نه عمر گران زود و تند می‌گذرد
به هوش باش که روز حساب در عقباست...

علی عرفانی (شاعر باستانی)

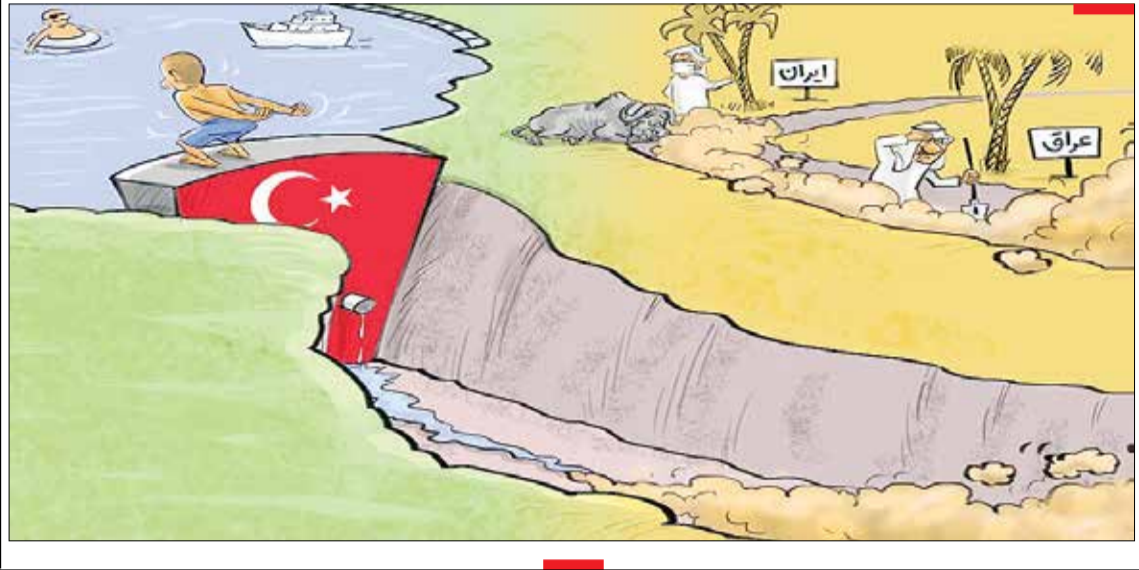
صبحانه

ارزش

همه انسان‌ها در بدو تولد، ارزشی یکسان دارند؛ اما اینکه در آینده چقدر ارزشمند باشند، بسته به این است که از خود چه بسازند. مانند قطعه‌ای آهن که نعل اسب شود یا پنجره‌ای رو به باغ... ما با خودمان چه می‌کنیم؟ از خودمان چه می‌سازیم و این ساختن و پرورش دادن چقدر به ارزش و اعتبارمان می‌افزاید؟ هر چه غنی و بی‌نیاز باشیم، حاصل ساختن و بنای صحیح روح است.

تلخند

سعدسازی بی‌رویه، بلای جان محیط زیست منطقه



داستان

آخرین سفر

بر اساس خاطره‌ای از شهید مدافع حرم

نگاهم کرد و با شیطنت پرسید: «تو چی؟» بعد همانطور که کتاب‌هایش را جمع و جور می‌کرد، گفت: «راضیه جان! ناراحتی نکن دیگه، قراره بریم قم، روز ولادت بی‌بی؛ ازشون خواستم آگه منو قابل می‌دونن برای دفاع از حرم اهل بیت، خودشون صبر زینبی به تو و دخترم بدن، دلمو دم رفتن آشوب نکن راضیه‌مرضیه!» وقتی می‌خواست بخندم اینطور صدامی می‌کرد. توی راه برگشت از قم، زینب کیف و سجاده و عروسک به بغل خوابیده بود. در هیچ سفری اینقدر خوشحال و سرحال ندیده بودم. صبح که عباس برای اعزام آماده می‌شد، زینب خواب آلود از اتاقش بیرون آمد. بند دلم پاره شد. با خودم فکر کردم تا چند ساعت باید بهانه‌گیری و گریه‌هایش را تحمل کنم؛ اما در کمال تعجب به آغوش عباس پناه برد و با یک بوسه و خداحافظی ساده به اتاقش برگشت تا بخوابد. همانجا فهمیدم دعایش مستجاب شده و این سفر آخرین سفر عباس است.

رفتن عباس می‌توانستم تحمل کنم، اما بی‌تابی زینب را نمی‌توانستم. خیلی وابسته بود و فقط خدا می‌دانست با چه سختی در نبود عباس کنترلش می‌کردم. صدای بابا گفتن زینب قطع نمی‌شد. پنجره را باز کردم و گفتم: «اینقدر سرور صدا نکن زینب جان! بابا نیست بیاتو خونه...» برگه امتحانش را نشانم داد و با خنده‌ای که تمام صورتش را پوشانده بود، گفت: «امتحان ریاضیم خیلی خوب شدم، بابا گفت آگه خیلی خوب بشی می‌برمت روز دختر قم، برامم کادو می‌خره...!»

هو تاریک شده بود و زینب توی حیاط منتظر نشسته بود و با ورقه ریاضی‌اش بازی می‌کرد. بالاخره عباس آمد و زینب را در بغل گرفت و آمدند داخل خانه. دلم بدجور گرفته بود. همین که زینب خوابید، چشم‌هایم پر از اشک شد. گفتم: «عباس می‌دونم می‌خواهی بری، اما من با زینب چکار کنم؟ تا تو نبودی پا توی اتاق نداشت، تو رو خدا فکر منم باش...! زینب خیلی بهت وابسته‌اس» و بغضم ترکیدم. با مهربانی

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



گفتم: «خسته‌ای هنوز؟» می‌خواهی تا غروب، بعد بیدارت کنم؟» خمیازه‌ای کشید و گفت: «نه بابا خواب چه موقع؟ باید پاشم برم، کلی کار سرم ریخته...» چایی را خورده نخورده گذاشت و رفت. هر بار که می‌خواست اعزام شود، یک طور عجیبی می‌شد. انگار آخرین بار است که توی خانه حضور دارد. هر چیزی را که فکر می‌کرد نیاز داریم، خرید می‌کرد و می‌رفت. اصلاً هر وقت کم خواب می‌شد یا بی‌تابی می‌کرد، می‌فهمیدم که قرار است اعزام شود. این طور وقت‌ها دلم می‌لرزید. می‌ترسیدم، اما چون قرار گذاشته بودیم که مانع رسیدن به آرزوهایش نباشم، سکوت می‌کردم. در همین فکرها بودم که زینب با سرو صدا وارد حیاط شد و از همان جا ورقه به دست، پدرش را صدا کرد. هر چیز را بعد از

صادقانه

نشانه‌های ایمان

حضرت علی(ع) می‌فرماید: نشانه ایمان آن است که راست بگویی آنگاه که تورا زیان رساند و دروغ نگویی آنگاه که تورا سود رساند و آنکه بیش از مقدار عمل سخن نگویی و بیش از دانایی‌ات سخن نگویی و چون از دیگران سخن گویی، از خدا بترسی.

نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸

غیر رسمی

مهمانی خودمانی



یک روز سه چهار نفر با یک ماشین آمدند و گفتند: حاج آقا! خودت را آماده کن که مهمان عزیزی داری! از آنان پرسیدم: چه کسی قرار است بیاید؟ پاسخ شنیدم: رهبر معظم انقلاب وقتی آقا داخل منزل شدند، شوق دیدار مرا بهت‌زده کرده بود. آقا مرا در آغوش کشیدند و صورت مرا بوسیدند، بنده نیز دست ایشان را بوسیدم. آقا داخل اتاق شدند و روی زمین نشستند. ابتدا احوال‌پرسی کردند و از مشکلات پرسیدند. سپس فرمودند: «عکس شهدای تان را بیاورید.» عکس‌ها را برای حضرت آقا آوردیم. ایشان تک‌تک عکس‌ها را بوسیدند و آسان را روبه‌روی خود گذاشتند و فرمودند: «این شهدا اگر نبودند، ما هم نبودیم. ما هر چه داریم از این شهدا داریم.»

حدود نیم ساعت در محضر آقا بودیم، وقتی خواستند تشریف ببرند، رو به من کردند و فرمودند: «اجازه می‌خواهیم برویم.»

من گفتم: آقا! اجازه ما هم دست شماست. ناگهان متوجه شدم از ایشان پذیرایی نکرده‌ام! دیدار ایشان آنقدر ما را شگوش کرده بود که پادمان رفته بود، آقا مهمان ما هستند. با خجالت از ایشان عذرخواهی کردم، اما ایشان پس از لبخندی زیبا فرمودند: «چه اشکالی دارد؟»

آقای مجید شجاعی پور (پدر سه شهید)

حسن ختام

آیه استجاب

حسن نوروزی

نویسنده



نام شما زیباترین نام‌هاست؛ وقتی که اشک می‌شود و از گوشه چشم فقیر و خسته‌ای جاری می‌شود، وقتی که جوهر می‌شود بر روی کاغذ شکسته دلی می‌نشیند، وقتی که ناله می‌شود و در فریاد بی‌پناهی به پرواز در می‌آید. وقتی صدا می‌شود و کوه‌ها به تکرار آن صف می‌کشند و دره‌ها آن را همچون کودکی شیرین حمل می‌کنند.

نام شما آیه استجاب است. کاشف کروب است. یکشف سوء است. باب حوائج است. نام شما خبر خوشی است بر دل درمانده‌ها. آب خنکی است بر جگر آتش گرفته‌ها. مرهمی است بر زخم‌ها. آرامشی است بر غصه شب‌ها. درمانی است بر بیماری بی‌علاج‌ها. روشنی امید است در سیاهی یأس‌ها.

آقا جان، انتظار در کنار نام شما قیمتی و در کنار غیر شما مفت است. آدم که قلبش را پای هر کسی حراج نمی‌کند. داد و ستد هم آداب خودش را دارد. وقتی خریداری چون شما باشید، حیث نیست این ناقابل را به دیگری بفروشیم؟

سلامت

چربی‌های مفید

جواد عمارلو

کارشناس تغذیه



«کبد چرب» یکی از بیماری‌هایی است که امروزه به دلیل سبک زندگی آپارتمانی و کم تحرک، بیش از پیش بالغان و حتی جوانان جامعه را درگیر کرده است. متأسفانه، خطر این بیماری به دلیل کارایی بالای کبد و بروز دیر هنگام عوارض آن، از دید همگان مخفی مانده است؛ در حالی که کبد چرب یکی از بیماری‌هایی است که تاکنون هیچ داروی قطعی برای درمان آن تولید نشده است. علایم بالینی کبد چرب زمانی بروز پیدا می‌کند که کبد کارایی خود را از دست داده باشد؛ در نتیجه در صورت مشاهده علایمی نظیر درد در ناحیه سمت راست و بالای شکم، زرد شدن پوست یا سفیدی چشم، ضعف و خستگی، جوش و آکنه و... باید هر چه سریع‌تر اقدام به درمان آن کرد؛ اما تشخیص قطعی آن به وسیله آزمایش خون و سونوگرافی شکم است. به اتفاق نظر بیشتر پزشکان و محققان، تنها درمان کبد چرب اصلاح سبک زندگی غلط از زندگی آپارتمانی، کم تحرک، پر خوری و مصرف بیش از حد فست‌فودها به سبک زندگی پر تحرک با عادات‌های غذایی سالم است. مصرف چربی‌های ناسالم در حجم زیاد یکی از علل ابتلا به کبد چرب است. زیتون و گردو هر دو ماده‌های غذایی هستند که در گروه چربی‌های هرم غذایی جای می‌گیرند. زیتون حاوی میزان زیادی آنتی‌اکسیدان است که از ابتلا به انواع سرطان‌ها، به ویژه سرطان سینه پیش‌گیری می‌کند. مصرف روزانه دوقاشق غذاخوری همراه با هر وعده غذایی یا ۱۰ عدد زیتون سبزی می‌تواند شما را از خواص بی‌نظیر زیتون منتفع کند. وجود مقادیر بالای امگا۶ در گردو این مغز را به یک داروی بی‌نظیر کبد چرب تبدیل کرده است. از طرفی وجود مقادیر بالای ویتامین E کمک شایانی به درمان کبد چرب می‌کند. پیشگیری از ابتلا به آلزایمر و بیماری قلبی از دیگر خواصی گردوست. مصرف روزانه چهار عدد گردو در دو میان‌وعده چاشمت و عصر پیشنهاد خوبی برای همگان است.

راه نرفته

پرخاشگری یا احساس خشم

مرضیه امینی

کارشناس روانشناسی



«احساس خشم» یعنی شما با صدای محکم‌تر از همیشه و با سرعت کلام قابل فهم، ارتباط چشمی کافی، مغز شفاف که مانند ساعت کار می‌کند و در عین حال توانمند در گوش دادن صحبت طرف مقابل است و با احترام و انصاف، جملاتی نسبتاً کوتاه بگویید و طرف مقابل را متوجه مسئله کنید. در حالی که وقتی کسی پر خاش می‌کند، تن صدایش بی‌نهایت بالا می‌رود، سرعت کلامش بالاست و گوش شنوایی برای شنیدن ندارد و ذهنش به شدت معشوش است. احترام برایش هیچ اهمیتی ندارد و به شدت پرخاش می‌شود، یا بلافاصله قهر می‌کند. پرخاش عموماً نتیجه اضطراب، تنش و تحریک‌پذیری و افسردگی است. وقتی روان ملتهب باشد، هر چیزی می‌تواند پرخاشگری را به وجود بیاورد. پس بهترین راه مدیریت پرخاش چیست؟ کاهش سطح التهاب روان. اولین نکته این است که درباره علت پرخاشگری لحظه‌ای مکث کنید، ببینید علت این برافروختگی‌تان چیست؟ آیا واقعاً این میل به پرخاشگری به علت ضایع شدن حقوق واقعی شماست، یا صرفاً به علت اینکه طرف مقابل شما بر خلاف انتظاراتان رفتار کرده است؟ آیا این میل به پرخاش به دلیل آسیب واقعی که به شما وارد شده است یا چون شما بسیار آسیب‌پذیر و تحریک‌پذیر شده‌اید، توان هضم و پذیرش و تحمل را ندارید و مدام هر آنچه را که بر خلاف میل شما باشد، با پرخاش پاسخ می‌دهید. هر زمان احساس پرخاشگری به سراغتان آمد، اندکی تأمل کنید و ببینید این احساس چیست؟ با این پرسش‌ها و توجه به احساس خود، می‌توانید تا حدود زیادی میزان آسیب به خود و دیگران را کاهش دهید. محیط را ترک کنید و کمی مایعات بنوشید. خودتان را جای شخص مقابل بگذارید و حسن او را تصور کنید. اگر زیاد پرخاش می‌کنید، حتماً با یک پزشک و روان‌شناس مشورت کنید. با این راهکارها از پرخاشگری شما کاسته خواهد شد.